



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



خاطرات مستند

سید هادی خسروشاهی

درباره:

آیت الله هاشمی رفسنجانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حدیث روزگار 23: خاطرات مستند سید هادی خسروشاهی درباره آیت الله هاشمی رفسنجانی

نویسنده:

سید هادی خسروشاهی

ناشر چاپی:

کلبه شروق

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	حدیث روزگار ۲۳ : خاطرات مستند سید هادی خسروشاهی درباره آیت الله هاشمی رفسنجانی
۷	مشخصات کتاب
۷	اشاره
۱۱	فهرست مطالب
۱۵	مقدمه
۱۹	۱- بدرود سردار
۱۹	اشاره
۲۱	بدرود سردار!
۲۱	اشاره
۲۳	سابقه آشنایی
۲۳	مکتب تشیع
۲۷	سرگذشت فلسطین
۳۳	اکرم زعیتر کیست؟
۳۶	قم مرکز ثقل مبارزه
۳۷	نشریه مخفی بعثت
۴۲	املاک نجومی!
۴۷	بُعد علمی - حوزوی
۵۰	بُعد تفسیر قرآن
۵۳	سردار مظلوم
۵۵	برای ثبت در تاریخ
۶۳	بیان امام خمینی(ره) در دعوای مشابه!
۶۴	... و آخرین دیدار
۶۴	پیام تسلیت رهبری

۶۷	۲- دو مقاله
۶۷	اشاره
۶۹	چه باید کرد؟ دخالتی در معقولات؟
۶۹	اشاره
۷۷	خرید منزل
۸۰	سفر به اروپا
۸۲	ماجرای سفارت
۸۵	خاتمه!
۸۷	دست خالی اتهام زندگان
۹۱	۳- دو مصاحبه
۹۱	اشاره
۹۳	مصاحبه ۱: شخصیتی بی نظیر
۱۰۳	مصاحبه ۲: استوانه انقلاب
۱۱۵	۴- چهار پیوست
۱۱۵	اشاره
۱۱۷	پیوست ۱: اتحاد اسلامی
۱۲۳	پیوست ۲: نامه ای به زعیتز
۱۳۴	پیوست ۳: نکاتی درباره آیت الله هاشمی
۱۴۷	پیوست ۴: نامه ای به مقام معظم رهبری
۱۵۵	تصاویر و اسناد
۱۷۲	فهرس
۱۷۲	اشاره
۱۷۴	فهرست اعلام
۱۸۰	فهرست کتب
۱۸۳	فهرست اماکن
۱۸۷	درباره مرکز

حدیث روزگار 23: خاطرات مستند سید هادی خسروشاهی درباره آیت الله هاشمی رفسنجانی

مشخصات کتاب

سرشناسه: خسروشاهی، سیدهادی، 1317 -

عنوان و نام پدیدآور: خاطرات مستند سید هادی خسروشاهی درباره آیت الله هاشمی رفسنجانی / نویسنده سیدهادی خسروشاهی.

مشخصات نشر: قم: کلبه شروق، 1396.

مشخصات ظاهری: 172ص.: مصور.؛ 5/14×5/21س م.

فروست: حدیث روزگار؛ 23.

شابک: 3-78-7255-964-978

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: نمایه.

موضوع: خسروشاهی، سیدهادی، 1317 -- -- خاطرات

موضوع: آیت الله هاشمی رفسنجانی -- ایران

موضوع: -- Iran

موضوع: ایران -- تاریخ -- انقلاب اسلامی، 1357

موضوع: Iran -- History -- Islamic Revolution, 1979

رده بندی کنگره: الف 1396 آ 3 5 خ / DSR 1568

رده بندی دیویی: 955/083092

شماره کتابشناسی ملی: 4906539

ص: 1

اشاره

حدیث نیک و بد ما نوشته خواهد شد

زمانه را قلم و دفتری و دیوانی است

ص: 2

حدیث روزگار 23

خاطرات مستند

سید هادی خسروشاهی

درباره:

آیت الله هاشمی رفسنجانی

ص: 3

فهرست مطالب

مقدمه. 9

1. بدرود سردار. 13

بدرود سردار! 15

سابقه آشنایی.. 17

مکتب تشیع. 17

سرگذشت فلسطین.. 21

اکرم زعیتر کیست؟ 27

قم مرکز ثقل مبارزه 30

نشریه مخفی بعثت... 31

املاک نجومی! 36

بُعد علمی - حوزوی.. 41

بُعد تفسیر قرآن.. 44

سردار مظلوم. 47

ص: 5

برای ثبت در تاریخ.. 49

بیان امام خمینی (ره) در دعوای مشابه! 57

... و آخرین دیدار 58

پیام تسلیت رهبری.. 58

2. دو مقاله. 61

- دخالت در معقولات! 61

- دست خالی اتهام زندگان.. 61

چه باید کرد؟ 63

دخالتی در معقولات؟ 63

خرید منزل.. 71

سفر به اروپا 74

ماجرای سفارت.. 76

خاتمه! 79

دست خالی اتهام زندگان.. 81

3. دو مصاحبه. 85

- شخصیتی بی نظیر. 85

- استوانه انقلاب.. 85

مصاحبه 1. 87

شخصیتی بی نظیر. 87

مصاحبه 2. 97

استوانه انقلاب.. 97

ص: 6

4. چهار پیوست.. 109

پیوست 1. اتحاد اسلامی.. 111

پیوست 2. نامه ای به زعیترا. 117

پیوست 3. نکاتی درباره آیت الله هاشمی.. 128

پیوست 4. نامه ای به مقام معظم رهبری.. 139

تصاویر و اسناد. 147

فهارس (اعلام، کتب، اماکن) 163

ص: 7

... آیت الله هاشمی رفسنجانی، یکی از مظلوم ترین شخصیت های مبارز تاریخ معاصر ایران است... شصت سال مبارزه و تلاش و خدمت و... با انبوهی از تخریب های ناجوانمردانه مدعیان ولایت مداری - به اضافه عناصر مشکوک لیبرال و سکولار مدعی آزادیخواهی - پاداشی نبود که سزاوار او باشد... و بی شک این امر، نه از لحاظ شرعی، و نه از لحاظ انسانی - اخلاقی قابل قبول نبود... اخلاق و انسانیتی که متأسفانه در هشت سال حکومت بی لیاقتان فرقه منحرف و دارندگان اندیشه های موهوم و عناصر بی تجربه و قدرت طلب و خودمحور، با ریاست فردی که در عمل نشان داد صلاحیت احراز مقام دوم کشور را نداشت، از بین رفت و عملکرد دوره دوم سلطه دیکتاتور مآبانه او روشن نمود که ادعای پیروی از ولایت و رهبری، پوشش عوام فریبانه، برای گسترش سلطه و قدرت یابی بیشتر بود.

... البته آیت الله هاشمی در این میان کاملاً آگاه بود که این

هجمه ها، تخریب ها، اهانت ها و اتهام ها، بی اخلاقی ها و اقدامات غیر مشروع مدعیان!، از کجا آب می خورد و خود نیز در دیداری، چگونگی آن را بر من نقل کرد، ولی واکنشی جز حلم و خویشتن داری، صبر و وفاداری به کلیت نظام اسلامی از خود نشان نداد و برای حفظ ارزش های نظام، همه نامهربانی ها و ظلم ها و ناهنجاری ها را تحمل کرد و پذیرا شد، تا بر اصل نظام صدمه ای وارد نشود، یعنی: سر خم می، سلامت باشد، بشکند اگر سبوتی...

در آخرین دیدار، من به آیت الله هاشمی گفتم که چرا برای پاسخ گویی لازم - نه مشاجره و منازعه - اقدام نمی کند؟ طبق معمول خود، خندید و گفت: من صلاح نظام نمی دانم که با این قبیل افراد دهن به دهن بشوم به ویژه که هرگونه پاسخگویی و توضیح ما، با اتهامی بزرگتر و اهانت های بیشتر روبه رو می گردد.

من شعر منسوب به مولا، امام علی علیه السلام را که در موارد مشابه بیان داشته است و در دیوان منسوب به آن حضرت آمده است، خواندم که ایشان آن را پسندید و یادداشت کرد.

امام علی علیه السلام در مقابل هجمات معاویه و یارانش می گوید:

ذی سفه یواجهنی بجهل *** واکره ان اکون له مجیباً

یزید سفاهه و ازید حلماً *** کعود زاده الاحراق طیباً

- بی شعوری، از روی نادانی بر من حمله می کند و من دوست ندارم که پاسخگوی او باشم، او بر «سفاهت» خود می افزاید و من بر «حلم» خود... مانند «عود» که با سوختن، بوی خوش آن بیشتر می شود.

آیت الله هاشمی، شاید تنها عکس العملی که درباره این سیاه نمایی ها و رذالت ها و پستی ها و پلشتی ها از خود نشان داد، نقل بیتی از حافظ بود که پس از انتخاب آقای دکتر حسن روحانی به ریاست جمهوری، ضمن بیان اینکه «من الان می توانم راحت بمیرم» به آن اشاره می کند و آن، این بیت بود:

حافظ آن روز به من مژده این دولت داد *** که به آن جور و جفا، صبر و ثباتم دادند

و در واقع این بیت اشاره به صبر و ثباتی است که در مقابل جور و جفاها آن را پذیرا شده بود تا مژده دولت مورد خواست خود را دریافت کند.

البته آراء ایشان در انتخابات ها، به ویژه انتخابات خبرگان - که بالاترین آراء مردم را شامل می شد - و سپس حضور به قول بعضی ها! «باورنکردنی» و میلیونی مردم در تشییع جنازه، نشان داد که او از ایمان آورندگانی بوده که اعمال صالح داشت و خداوند محبت او را در قلب های مردم جای داده بود:

«إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا» (1)

... بحث های کوتاه این رساله، مجموعه کامل خاطرات من از آیت الله هاشمی نیست... بلکه به ضمیمه یکی دو مقاله کوتاه درباره ایشان و

ص: 11

یادداشت هایی که به مناسبت چهلمین روز رحلت نوشته شد و در ویژه نامه روزنامه اطلاعات: «یار نهضت» منتشر گردید، همراه متن یکی دو مصاحبه ای است که در دو ماه اخیر توسط بعضی از نشریات وزین حوزه علمیه قم به عمل آمده بود... و اکنون مجموعه آن ها، به مناسبت سالروز درگذشت ایشان به دست چاپ سپرده می شود...

در پایان این مقدمه، به دیدگاه کلی خود درباره آیت الله هاشمی رفسنجانی اشاره می کنم و تفصیل را به فرصتی که شاید پیش بیاید، موکول می نمایم.

معروف است که ابوالعلی معری - شاعر معروف عرب - به دیدار شریف رضی، جامع نهج البلاغه امام علی علیه السلام رفت و پس از ملاقات، وقتی بیرون آمد، از او پرسیدند: سید را چگونه یافتی؟ و ابوالعلی در یک بیت او را چنین معرفی نمود:

رأيتك ورأيت الناس في رجل *** والدَّهر في ساعه و الارض في دار

- من او را دیدم انگار که انسان ها همه در یک مرد جمع شده اند و گویی روزگار در یک ساعت و زمین در یک خانه گرد آمده است - .

أدخله الله في جنته الخاص لعباده.

تهران: 17 ربیع الاول 1435 - میلاد نبی اکرم (صلی الله علیه و آله) -

سید هادی خسروشاهی

ص: 12

1- بدرود سردار

اشاره

ص: 13

... چندی پیش وقتی فیدل کاسترو - رهبر کوبا - درگذشت، هم‌زمان قدیمی و یاران و علاقمندانش، برای بزرگداشت وی، در محل نگهداری موقت جنازه، حضور یافتند و اغلب با جمله: «به درود کومانداتو»، ادای احترام نموده و خداحافظی کردند... البته در زمان حیات هم القاب و عناوین مرسوم رؤسا در بلاسد دیگر، برای «فیدل» مطرح نبود و او خود را سربازی برای میهن می دانست، ولی همه می دانستند که او در واقع یک «کوماندات» یعنی: فرمانده بود...

من برای این یادداشت های پراکنده عنوان: «به درود فرمانده» را انتخاب کرده بودم که عنوانی منطبق با واقعیت ها بود. چرا که هاشمی، از آغاز زندگی فرمانده بود. در خواندن دروس حوزوی و حفظ قرآن و هزار بیت ابن مالک، در تألیف و ترجمه و نشر کتاب: امیرکبیر و سرگذشت فلسطین، در تنظیم و نشر سالنامه و فصلنامه «مکتب تشیع»، در پشتیبانی و تمویل نشریه مخفی و مبارزاتی «بعثت»، در پادگان به هنگامی که به زور به سربازی برده شده بود، در دوران مبارزه، از آغاز

تا انجام، در هر مرحله... و در اقدام به کار و فعالیت اقتصادی، برای تأمین مالی امور مبارزه و کمک به زندانیان و فعالان سیاسی، در همکاری با سازمان های مبارزاتی ضد رژیم شاه، در دوران زندان و تنظیم «تفسیر راهنما» و «فرهنگ قرآن»، در اداره امور کشور پس از پیروزی انقلاب، به عنوان: ریاست مجلس، ریاست جمهوری، در مرحله فرماندهی جنگ و سپس صلح، در دوره سازندگی، و بعد در مجمع تشخیص مصلحت نظام و سرانجام در تحمل و بردباری و صبوری دهساله، در قبال ظلم ها و ستم ها و بداخلاقی ها و تهمت ها و بی مهری ها و همچنان وفادار ماندن به ارزش ها و اصول انقلاب، هاشمی همچنان «فرمانده» و «سردار» بود... و البته سردار، در همه این احوال بدون هیچ شک و تردیدی «آیت الله» هم به معنی واقعی کلمه بود...

و یکی از دوستان گفت: «فرمانده» کلمه ثقیلی است و همه آن را هضم نمی کنند! و بهتر است که به جای آن، از همان کلمه «سردار» استفاده شود که هم در ایران مصطلح است و هم او در همه زمینه ها که شما می گوئید، سردار بود!

این بود که عنوان این یادداشت ها، شد: بدرود سردار!

در سالهای 33 یا 34 من در قم، از «مدرسه فیضیه» به «مدرسه حجتیه» انتقال یافتیم. طلاب مدرسه حجتیه بیشتر «آذری»ها بودند، ولی شخصیت های فاضل و ارجمند معروفی نیز از بلاد دیگر، در آن سکونت داشتند. در قسمت بلوک غربی ساختمان های مدرسه، دو سه حجره، ویژه طلاب کرمانی بود. برادر عزیز و ارجمند حجت الاسلام والمسلمین محمدجواد حجتی هم در همین بلوک، حجره داشت که شهید محمدجواد باهنر و شهید ایرانمنش، هم حجره او بودند... و من روی علقه «فدایی اسلامی» بودن، به حجره ایشان تردد داشتم و این حجره، متصل به حجره کرمانی های دیگر بود که آیت الله شیخ علی اکبر هاشمی رفسنجانی، همراه برادرانش: قاسم، محمود، محمد، احمد و... تقریباً مدام به آن حجره ها در رفت و آمد بودند و همین امر باعث آشنایی من با همه حضرات گردید... پس سابقه آشنایی با آیت الله رفسنجانی - و طلاب کرمانی هم - به سال 1334 به بعد می رسد... که پس از آن، این آشنایی به اخوت و دوستی بدل شد و استمرار یافت.

مکتب تشیع

... در سال 1337 آیت الله هاشمی با انتشار اوراقی، مقدمات نشر یک سالنامه وزین و پر محتوا را فراهم ساخت و اینجانب که به امر نشر هر

نوع کتاب و مجله و رساله و جزوه و مقاله به شدت علاقمند بودم، به آن پیوستم و البته همزمان، با تنها مجله حوزه علمیه قم، یعنی «مکتب اسلام» هم همکاری قلمی و تنگاتنگ داشتم.

نخستین مجلد از سالنامه «مکتب تشیع» در فروردین ماه 1338 در 380 صفحه منتشر گردید که با توجه به نشر وسیع قبوض پیش فروش قبل از انتشار، در تیراژ بالایی چاپ و در سراسر ایران توزیع گردید.

نویسندگان این نشریه شخصیت های برجسته حوزه علمیه قم و علماء تهران و بعضی دیگر از بلاد ایران بودند که از جمله آنها اسامی زیر را - بدون القاب و عناوین - می توان ذکر کرد: سید محمدحسین طباطبایی، محمدتقی فلسفی، شیخ خلیل کمره ای، حسین علی راشد، شهید مرتضی مطهری، سید محمود طالقانی، موسی صدر، سید ابوالفضل موسوی زنجانی، احمد آرام، عطاءالله شهاب پور، مهندس مهدی بازرگان، محمدتقی جعفری، دکتر بهشتی، احمد آذری قمی، مهدی حائری یزدی، ناصر مکارم شیرازی، سید رضا صدر، سید عزالدین زنجانی، سید غلامرضا سعیدی، احمد میانجی و بعضی دیگر از فحول علماء و فضلاء حوزه ها... البته جمع آوری مقالات از این شخصیت ها، کار سهل و آسانی نبود و این همت «سرداری» آیت الله هاشمی بود که با تماس های مکرر و ملاقات های متعدد، می توانست مقالات پر محتوای این بزرگان و افاضل را جمع آوری و در سالنامه جای دهد.

سال دوم سالنامه مکتب تشیع، -1339- شامل مجموعه مصاحبات

ص: 18

علمی - فلسفی علامه سید محمدحسین طباطبایی با پروفیسور هانری کربن، فیلسوف فرانسوی بود. یعنی: محصول مذاکرات این دو بزرگوار در مجموعه ای حدود 200 صفحه - تنظیم شده بود که به درخواست علامه طباطبایی و تأکید آیت الله هاشمی رفسنجانی برای تکمیل مباحث کتاب، توضیحات مبسوطی توسط آیت الله علی احمدی میانجی و اینجانب، تهیه و آماده شد که مجموعه آنها بالغ بر 120 توضیح بود که در 200 صفحه دیگر تنظیم و به آن ملحق گردید و بدین ترتیب کتاب در 400 صفحه، به عنوان نشریه دوم «سالنامه مکتب تشیع» در هشت هزار نسخه چاپ و در سراسر ایران توزیع گردید که البته بعدها، این متن در ضمن مجموعه آثار علامه طباطبایی بارها و بارها، تجدید چاپ شده است.

به موازات انتشار سالنامه، آیت الله رفسنجانی، به انتشار یک فصلنامه و یا نشریه ای - هر سه ماه یکبار - هم اقدام کرد که باز اینجانب مانند سالنامه، با آن، همکاری داشتم... و در جمع هفت جلد سالنامه و چهار شماره فصلنامه مکتب تشیع با صدها مقاله و در هزاران صفحه، چاپ و در اختیار علاقمندان قرار گرفت و نقش آگاهی بخشی و تأثیرگذاری خاصی در میان طلاب، فضلا، دانشجویان و عموم مردم با ایمان ایران داشت.

آیت الله هاشمی خود درباره نشریات «مکتب تشیع» در مصاحبه ای با مجله وزین «حوزه» چاپ حوزه علمیه قم، در سال 1364، چنین می گوید:

«... یکی از کارهایی که همراه آقای باهنر و بعضی دوستان شروع کردیم نشریه ای بود به نام «مکتب تشیع». سلسله انتشاراتی بود که هفت یا هشت سالنامه و چهار فصل نامه درآمد. این یک کار مفیدی بود اولاً مقالات بسیار خوبی منتشر کردیم. مقالات تحقیقی که از نویسندگان و محققان می گرفتیم و ثانیاً برای خودمان هم مفید بود چون تهیه کردن مقالات ما را با مسائل مهمی آشنا می کرد و همچنین با محققان و روشنفکران آشنا می ساخت. بعلاوه شبکه توزیعی درست کرده بودیم که در سراسر کشور پخش بود و نمایندگان داشتیم. نمایندگانی که نوعاً آدمهای مخلص و فعال مذهبی بودند. این شبکه در کارهای سیاسی خیلی به درد ما خورد. یعنی به صورت یک شبکه در سراسر کشور چهره های فعالی داشتیم که اسم آنان را می دانستیم و نامه هایی از آنان داشتیم و کارهایشان را می دانستیم با بعضی که به قم می آمدند، آشنا بودیم و مذاکره می کردیم و این شبکه در وقتی که مبارزه را علیه شاه شروع کردیم در موفقیت ما تأثیر داشت. برای پخش اعلامیه و ارتباطات از این شبکه خیلی استفاده کردیم.

تحقیقات عمیقی در آن دوره برای مسائل خاص اجتماعی نداشتیم غیر از همانها که در مکتب تشیع منتشر شد. البته برای آن زمان به نظر من کار بسیار مؤثر و مفیدی بود و در رشد حوزه و طلبه ها نقش اساسی داشت، چون مهمترین مسائل فکری آن زمان را در رابطه با تبلیغات علیه اسلام که در دانشگاهها یا در سطح روشنفکران و غربزده ها و مجامع مارکسیستی مطرح بود، در آن مجله به صورت مقالات تحقیقی

مطرح می کردیم و از اسلام دفاع می نمودیم.

نشریه ما امتیازی داشت نسبت به «مکتب اسلام». مکتب اسلام مقالاتی کوتاه داشت و این مجله مقالات عمیق و طولانی می نوشت. فکر می کنم در آن موقع گام مؤثری در رشد طلبه ها بود. تیراژش زیاد بود و در سراسر کشور پخش می شد. درضمن به درد وعاظ هم می خورد و طبعاً در افکار منبری ها تأثیر داشت و تحولی در جامعه مذهبی آن روز بود. آن نشریه باید از کارهای مؤثر حوزه به حساب آید...».

... چاپ و نشر این نشریات با هجرت آیت الله هاشمی به تهران، متأسفانه متوقف گردید و افسوس که مجموعه کامل آن نشریات، هم اکنون در اختیار عموم نیست و یکاش دوستان مؤسسه «نشر معارف اسلام»، به تجدید چاپ همه آنها، به شکل مجموعه ای یکنواخت، اقدام کنند و این اثر جاودانه در کتابخانه ها و در اختیار مردم قرار گیرد.

سرگذشت فلسطین

... یکی از کارهای ارزشمند آیت الله هاشمی در دوران اقامت در قم، به موازات کارهای علمی - فرهنگی دیگر و نشر «مکتب تشیع»، ترجمه و نشر کتاب «القضية الفلسطينية» تألیف استاد اکرم زعیتر، سیاستمدار و مورخ مبارز فلسطینی بود و همین ترجمه کتاب هم موجب آشنایی من با استاد زعیتر و همکاری فرهنگی با ایشان گردید. یعنی آشنایی من با استاد اکرم زعیتر به دورانی بر می گردد که آقای

ص: 21

رفسنجانی کتاب وی را در قم به فارسی ترجمه می کرد که بعد تحت عنوان «سرگذشت فلسطین یا کارنامه سیاه استعمار» منتشر گردید... آقای رفسنجانی در آن زمان در منزل کوچکی در قم - کوچه ممتاز - که زمین آن هم از اراضی موقوفه آستانه مقدسه قم بود، زندگی می کرد و من هم گهگاهی به منزل ایشان می رفتم و در جریان پیشرفت کار ترجمه کتاب بودم و ایشان گاهی لغاتی را که در «المنجد» پیدا نمی کرد، از من می پرسید و یکبار هم من در ترجمه یک کلمه دچار اشتباه شدم که ایشان همیشه به شوخی آن را یادآور می شد و من هم می گفتم در مقابل صد لغت، یک ترجمه اشتباهی، زیاد نیست! ایشان معنی کلمه «کاتدرائیه» را که گویا در المنجد نبود، از من پرسید و من آن را به «باشگاه» ترجمه کردم!، در حالی که به معنی کلیسا بود! که البته در چاپ های بعدی اصلاح شد.

... در یکی از این دیدارها ایشان گفتند: من فکر می کنم که تحت تعقیب مأموران هستم و رفتن من به «سفارت اردن» در تهران، شاید بدون اشکال نباشد، اگر شما به تهران می روید، نامه مرا به آقای اکرم زعیتیر سفیر اردن در ایران، که مرد مسلمان و معتقدی است بدهید و اگر جوابی داشت، پس از مراجعت به من بگویید!

البته آقای هاشمی اشاره کرد که قبلاً طوماری را در راستای اهداف مبارزه آماده کرده و به خود سفیر تحویل داده است... نامه را که در همین رابطه و پی گیری و نتیجه آن بود، به من داد که به سفیر تحویل بدهم...

من به تهران رفتم... سفارت اردن را پیدا کردم و بدون تلفن و اطلاع و تعیین وقت قبلی، در محل سفارت حضور یافتم و خواستار دیدار سفیر شدم! منشی سفارت پرسید: وقت قبلی دارید؟ گفتم نه! از قم آمده ام و می خواهم با ایشان درباره کتابی که نوشته اند، گفتگویی داشته باشم!

منشی به درون اتاق سفیر رفت و لحظه ای بعد برگشت و گفت: بفرمایید!

به درون اتاق رفتم، سادگی سفیر و پذیرش یک طلبه جوان از قم، بدون شناخت و تعیین وقت قبلی، نکته قابل توجهی بود و نشان می داد که «اکرم زعیترا» مانند دیگر «سفرا» نیست. سلام کردم و با سفیر دست دادم و روی صندلی نشستم. سفیر که از پشت میز خود بلند شده بود، جلو آمد و روی یک صندلی معمولی، روبروی من نشست... فروتنی وی بیشتر توجه مرا جلب کرد (روشی که بعدها و همیشه و در همه دیدارهای خصوصی چه در دوران ریاست مجلس و چه در دوران ریاست جمهوری، از جناب آقای هاشمی دیدم...)

خودم را معرفی کردم!... او هم به معرفی خود پرداخت: «من یک فلسطینی از نابلس... سالیانی دراز در به در و آواره و تبعیدی... بخاطر مبارزه علیه اشغالگران... اهل تألیف و کتاب و تاریخ... و اکنون سفیر اردن در ایران...» پیدا بود که اهل درد است و تعارف نمی کند... گرایش اسلامی خود را بیان نمود و گفت: تعالیم شهید حسن البناء و شهید شیخ عزالدین القسام، بیشتر از هر کس دیگری در او اثر گذاشته

است و می گفت: با اینکه عضو رسمی «اخوان المسلمین» نبوده، اما در عمل با آنها و در همه بلاد عربی همکاری داشته است...

... نامه آقای هاشمی را به ایشان دادم. آن را باز کرد و خواند و از من پرسید: شما برای تحویل دادن این نامه آمده بودید؟ گفتم: بلی!، پرسید: آیا منشی سفارت هم از این موضوع مطلع شد؟ گفتم: نه! من به او گفتم: درباره کتاب شما «القضية الفلسطينية» سئوالاتی از شما دارم! خوشحال شد و گفت: والله یا اخی؟ من می دانم که حداقل بعضی از کارمندان ایرانی سفارت، با مقامات دولت ایران ارتباط دارند، ترسیدم که آنها از موضوع آگاه شوند و مزاحمتی برای شیخنا العزیز آقای رفسنجانی و یا شما، ایجاد کنند... خیلی خوب شد که موضوع اصلی را نگفته اید.

اما پیام من به شیخ - مراد آقای هاشمی بود- اینست که برادر عزیز! من طوماری را که قبلاً به من تحویل داده اید، به جلاله الملک! نفرستادم، چون این کار یک سفیر نیست که طومار علیه دولتی را که وی در آن سمت نمایندگی کشورش را دارد، به مسئول کشور خود بفرستد! تازه اگر می فرستادم چه نتیجه ای داشت؟ جز اینکه عمال جلاله الملک، موضوع را عیناً به ایران منتقل می کردند و دردسر برای شیخ بیشتر می شد!... البته این احتمال هم بود که بلافاصله مرا هم احضار و از سفارت عزل کنند، چون جلاله الملک! با شاه ایران روابط دوستانه و صمیمانه ای دارد! اما عزل من مهم نبود، اگر نتیجه مثبتی این کار داشت، من اقدام می کردم، ولی احتمال دادم که خطر متوجه شیخ بشود...

ص: 24

سپس از پیشرفت کار ترجمه کتاب خود پرسید من هم گفتم که ایشان شب و روز مشغول ترجمه کتاب هستند و قبوضی هم برای پیش فروش آن منتشر ساخته اند و انشاءالله کتاب بزودی منتشر خواهد شد!

در مراجعت به قم گزارش دیدار با سفیر را با برداشتهای شخصی خودم از ایشان، به آقای هاشمی گفتم که ایشان تشکر کردند.

البته این آشنایی با اکرم زعیتر را من با ارسال کتاب و نشریه به آدرس ایشان: سفارت اردن در تهران و بعد به «عمان» پایتخت اردن، ادامه دادم که پاسخ یکی از نامه های من از سوی اکرم زعیتر، پس از مدتها، درضمن اعلام وصول کتاب «اصل الشیعه و اصولها» که از سوی ما در قم، تجدید چاپ شده بود و من برای او فرستاده بودم، چنین بود:

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ: 11/5/1968

عمان

فضيله الأخ الاستاذ سيد هادي خسروشاهی

السلام عليكم ورحمت الله وبركاته و بعد: از مدتی پیش کتاب «اصل الشیعه و اصولها» را که از تألیفات امام محمدحسین آل کاشف الغطاء است به عنوان هدیه ای گرانبها از سوی جنابعالی، دریافت کرده بودم. اما طبیعت کار من، در آن زمان، اجازه مطالعه آن را به من نداد، ولی در این ایام فرصتی پیدا کردم که به من رخصت داد به مطالعه کتابهایی که در کتابخانه ام انباشته شده بود، پردازم و از همین جا به مطالعه کتاب «اصل الشیعه و اصولها» پرداختم. من آن را با اشتیاق

ص: 25

خواندم و در واقع آن را همچون یک خرمن، درو کردم! برای اینکه خیلی مایل بودم که ریشه و اصول تشیع را از زبان یکی از بزرگان و حجج الامم به دست آورم و از سوی دیگر، من شخصاً استاد، محمدحسین کاشف الغطاء را از 37 سال پیش می‌شناختم، و آن ایامی بود که ایشان مؤتمر اسلامی قدس را نورباران کرد و امامت جماعت نماز را در مسجدالاقصی به عهده گرفت. خداوند آن را از غربت دور سازد و از دست تبهکاران صهیونیست برهاند. و همین طور من پس از آن، ایشان را در نجف زیارت کردم تا از برکات وجود وی بیشتر بهره مند بشوم.

کتاب را خواندم و از آن بسیار فراگرفتم. و بسیاری از چیزهایی را که نمی‌دانستم از آن آموختم و در پایان، به این نتیجه رسیدم که این کتاب را هر مسلمانی، اعم از شیعه و یا سنی، باید بخواند و مطالعه کند. شیعه بخواند تا اصول مذهب خود را صادقانه بفهمد و آگاه شود و راه غلو و انحراف نیماید و بخوبی درک کند که بخشی از چمن زار محمدی است و سنی نیز آن را بخواند و بداند آنچه که در برابر چشم او پرده ای کشیده و آنچه که در ذهن او در رابطه با مذهب شیعی جای گرفته است، اوهم بی‌بنیادی است و عامل آن غلو و افراط‌گرایی بعضی از شیعیان و جهل و نادانی گروهی از سنیان نسبت به اصول شیعه است. در واقع، کتاب امام کاشف الغطاء وسیله ای برای تقریب بین دو مذهب است و مسلمانان را به وحدت اسلامی می‌خواند و اینکه سنی و شیعه، هر دو از آبشخور رسول الله سیراب می‌شوند.

من به شما اطمینان می‌دهم که نشر این کتاب، به زبان فارسی و عربی، در بیشترین میدان‌ها، جهاد فی سبیل الله بوده و دعوت برای برتری کلمه الله است.

خداوند شما را زنده بدارد و حفظ کند و مسلمانان را از کوششهای نیک شما، بهره‌مند سازد. مخلص - اکرم زعیترا (1)

اکرم زعیترا کیست؟

... سرانجام ترجمه کتاب استاد اکرم زعیترا به فارسی منتشر گردید. آقای هاشمی در مقدمه آن، بحثی درباره «استعمار» دارد که مورد توجه! «ساواک» قرار گرفت و ایشان را بازداشت نموده و به بازجویی کشاند، که اخیراً اسناد آن در جراید منتشر شده است.

در همان مقدمه، آقای هاشمی، استاد اکرم زعیترا را چنین معرفی می‌کند:

«استاد اکرم زعیترا در شهر نابلس فلسطین متولد شد و پس از تحصیلات، وارد خدمات اجتماعی گردید... در دوران قیمومت انگلستان بر فلسطین، ریاست تحریریه بعضی از جرائد عربی را بعهده داشت... در مبارزات و انقلاب‌های مردم فلسطین سهم بسزائی دارد و بجز مبارزه علیه استعمار بارها به زندان رفته و به زنجیر کشیده شده، شکنجه را تحمل نموده و سیزده سال از عمر خود را در تبعید و دور از

ص: 27

1- اصل عربی دستخط اکرم زعیترا در آخر کتاب - بخش اسناد - نقل شده است/

وطن بسر برده و در دوران جنگ جهانی دوم در ترکیه پناهنده سیاسی بوده است... و اکنون بسمت سفیر کبیری اردن در ایران بسر می برند، غیر از انجام وظایف سیاسی خود می کوشند که روابط ایران و کشورهای مسلمان و برادر عرب را محکم نمایند. آقای اکرم زعیتز نویسنده و خطیب و محقق توانائی است که تاکنون صدها مقاله تاریخی و سیاسی و اجتماعی از ایشان در جرائد عربی منتشر شده، و کتابها و آثار گرانبھائی در تاریخ و ادبیات و سیاست نوشته اند. یکی از آثار ایشان همین کتاب حاضر است که به تصدیق اهل فن، بهترین کتابی است که تاکنون درباره فاجعه فلسطین نوشته شده است...»⁽¹⁾.

... البته از اکرم زعیتز آثار و تالیفات ارزشمند دیگری بجای مانده است که بیشترین آنها درباره تاریخ فلسطین است. کتاب «القضیه الفلستینیه» او که معروفترین آنها است، به زبانهای: فارسی، ترکی و انگلیسی نیز ترجمه شده اما کتابهای پرارزش دیگر وی، مانند: «وثائق القضیه الفلستینیه - 1918 - 1940 م و «دوران اکرم زعیتز» و: «یومیات الثوره الکبری و الاحزاب العظیم 1936-1939» و کتاب «من اجل امتی» و... متأسفانه در میان ما شناخته شده نیست...

اگر بگوئیم که اکرم زعیتز در طول زندگی پربار خود، چند هزار مقاله کوتاه و بلند نیز نوشته و در جرائد جهان عرب منتشر ساخته است، اغراق نگفته ایم. اما متأسفانه این مقالات در یکجا جمع نیست و

ص: 28

1- سرگذشت فلسطین، تألیف: اکرم زعیتز، ترجمه: اکبر هاشمی رفسنجانی، چاپ قم، صفحه 17-18.

مجموعه کاملی از آنها را که خود استاد اکرم زعیترا جمع آوری کرده بود، همراه صدها کتاب چاپی و خطی نفیس، در تجاوز وحشیانه اسرائیل به بیروت، در سال 1982م در کتابخانه شخصی وی به آتش کشیده شد و سوخت و استاد زعیترا، آن را «فاجعه ای فرهنگی و غمی جانکاه برای خود» می دانست... و سرانجام این شخصیت اسلامی برجسته معاصر، مورخ و محقق مبارز، روز پنجشنبه 22 ذوالقعدة 1416هـ-ق در 87 سالگی درگذشت و در «عمان» توسط مقامات ملی - دولتی مراسم تشییع وی بعمل آمد. رحمه الله واسکنه فسیح جنته

... البته من پس از مراجعت به قم که گزارش سفر و گفته های سفیر را نقل کردم، آقای هاشمی پس از تشکر، بیشتر توضیح داد و گفت: طوماری با مقدمه ای مشروح درباره فساد رژیم شاه تهیه کرده بودم که خودم قبلاً به ایشان رسانده بودم... ولی خوب معلوم می شود که صلاح نبوده که اقدامی به عمل آید. و من گفتم: قاعدتاً سفیر یک کشور نمی تواند درباره کشوری که در آن اقامت و مأموریت دیپلماتیک دارد اقدامی برخلاف آن بعمل آورد و حق با جناب سفیر است.

و آقای هاشمی افزود: البته من فکر می کنم که در مبارزه، از هر فرصتی باید استفاده کرد.

ص: 29

... در جریان مبارزه و آغاز نهضت اسلامی توسط امام خمینی و مراجع عظام دیگر و حوزه های علمیه بلاد، «قم» در واقع مرکز ثقل حرکت مبارزاتی بود... و عناصری در آماده سازی زمینه ها و ایجاد حرکت مداوم نقش اساسی و تأثیرگذاری داشتند که بی تردید در طلیعه آنها، سردار، آیت الله هاشمی رفسنجانی قرار داشت.

از مهمترین کارها، در آن برهه چاپ و توزیع سراسری اعلامیه های طلاب و فضلاء و مراجع به ویژه امام خمینی بود. اینجانب به نوبه خود در این زمینه فعال بودم و آیت الله هاشمی رفسنجانی می گفت شما بعلت ارتباط و نزدیکی به آیت الله شریعتمداری، از نظر ساواک و مأموران شهربانی کمتر مورد تعقیب قرار دارید و بهمین دلیل چاپ بعضی از اعلامیه های امام و فضلاء حوزه را به عهده من می گذاشت و من آنها را در «چاپخانه حکمت» متعلق به «برادران برقی» چاپ می کردم و چون مجله «مکتب اسلام» هم در این چاپخانه به چاپ می رسید، رفت و آمد من به آنجا، باز کمتر مورد سوء ظن قرار می گرفت...

اغلب اعلامیه ها را از نظر غلط گیری جناب آقای دکتر احمد احمدی که به عنوان مصحح کتب علمی، در چاپخانه حضور می یافت و باز نمی توانست خیلی مورد سوء ظن قرار گیرد، انجام می داد و البته پس از پایان کار، مرحله خطرناک دیگر که حمل اعلامیه ها بود، باز بعهده حقیر بود که به یاری حق و با مراعات احتیاط های امنیتی! انجام

می گرفت و یکبار که دیدم همراه اعلامیه ها، مورد تعقیب مأمور شهرداری هستم، بسته های اعلامیه ها را به منزل بیرونی آیت الله شریعتمداری بردم و در آبدارخانه آنجا مخفی کردم و دست خالی! بیرون آمدم و رفتم و مأمور شهرداری هم دست خالی رفت!... و اوائل شب، برگشتم و آنها را از آبدارچی تحویل گرفتم... وقتی نوبت پرداخت پول چاپخانه می رسید، آنهم باز بعهده فرمانده! بود، که باز اقدام می شد.

یکبار برای تهیه بخشی از هزینه های کار مبارزاتی، همراه ایشان به منزل یکی از مراجع وقت رفتیم که «پیشکار» ایشان از ما استقبال کرد و وقتی آقای رفسنجانی مبلغ پنجاه هزار تومان را برای کمک به فعالیت ها مطرح نمود، نامبرده انجام آنرا غیرمقدور دانست و فقط مبلغ کمی - شاید پنج درصد مبلغ پیشنهادی را - پرداخت کرد... از آنجا که بیرون آمدم آقای رفسنجانی گفت: باید برای تأمین امور مالی مبارزه خودمان یک کار اقتصادی مستقل راه بیندازیم و در انتظار کمک دیگران نباشیم... و از همین نقطه جرقه ای زده شد و آیت الله هاشمی، به امر اقتصادی و ساختمان سازی پرداخت...

نشریه مخفی بعثت

در تداوم مبارزه به پیشنهاد فرمانده، قرار شد که نشریه ای سیاسی - خبری آگاهی بخش از «حوزه علمیه قم» منتشر گردد. برای این منظور چند نفر از دوستان مورداعتماد به همکاری دعوت شدند که آغاز این

مرحله را، آیت الله هاشمی در ضمن مصاحبه ای، چنین بیان می کند:

«... کار مهمی که ما شروع کردیم در این موقع ایجاد نشریه مخفی بود که خیلی موثر بود تا به حالا هم تاریخ این نشریه روشن نشده، برای مبارزین، من فکر می کنم اگر بتوانید نسخه های این مبارزه را از آرشیو ساواک بگیرید جالب باشد. یک نشریه بنام بعثت که من و آقای باهنر و آقای سید محمود دعائی و آقای سیدهادی خسروشاهی این نشریه را راه انداختیم و دوستان دیگری هم کمک می کردند. نشریه سیاسی - اجتماعی بود...»⁽¹⁾

البته در اینجا این توضیح ضروری است که آرشیو ساواک، فاقد حتی یک نسخه از شماره های نشریه بعثت بود... ولی بیاری حق، اینجانب دوره کامل آن را در اماکن مختلف، نگهداری کرده بودم که بعد از انقلاب توسط «مرکز اسناد انقلاب اسلامی» با مقدمه ای مشروح به چاپ رسید و تاریخ و چگونگی این مبارزه هم به تفصیل و با اسناد و مدارک، توسط اینجانب در کتاب: «درباره نشریات مخفی حوزه علمیه قم» به شکل کتابی مستقل به سال 1391 توسط «کلبه شروق» - قم منتشر شده است.

آیت الله هاشمی در کتاب خاطرات خود هم، درباره این نشریه و آثار جانبی آن، چنین می نویسد:

ص: 32

1- مجله عروه الوثقی نشریه حزب جمهوری اسلامی، شماره 68 مورخ 22/11/60 صفحه 38 چاپ تهران.

«... از اساسی ترین کارهای ما در آن چند ماه ایجاد تشکیلاتی بود که مرکزیت آن از یازده نفر تشکیل می شد، آقایان: خامنه ای، منتظری، ربانی شیرازی، قدوسی، مصباح یزدی، امینی، محمد خامنه ای، آذری، مشکینی، حائری تهرانی و من. نشریه مخفی بعثت و انتقام در حقیقت ارگان همین جمعیت بود که در کارهای اجرایی آن آقایان: سید محمود دعایی، مصباح، علی حجتی کرمانی و سیدهادی خسروشاهی و من، همکاری داشتیم. نشریه «بعثت» بیشتر جنبه سیاسی و پرخاش و افشاگری داشت و نشریه «انتقام» جنبه ایدئولوژیکی آن قوی بود، که شاید براساس احساس چنین نیازی پس از «بعثت» منتشر شد. در حل مسایل مالی هم نقش اساسی را هیأت های مؤتلفه داشتند.

برای این تشکیلات، اساس نامه ای هم نوشته شد که بعدها در کتاب خانه آقای آذری، که مورد تفتیش ساواک قرار گرفت، به دست رژیم افتاد و آن تشکیلات به آن صورت ادامه پیدا نکرد و اعضا آن تحت تعقیب قرار گرفتند. البته مطابق قرار، پوشش کار را هدف اصلاح امور حوزه قرار داده بودیم که قرار بود در صورت کشف، همه جا یک زبان همین را بگوییم. رژیم حساسیت شدیدی روی تشکیلات سیاسی داشت...»⁽¹⁾

... در واقع و بی تردید این نشریه مخفی - بعثت - که در «قم» تهیه و تنظیم می شد و در سراسر ایران توزیع می گردید، نقش بسیار موثری در

ص: 33

زنده نگهداشتن نهضت و آماده سازی طلاب و آگاهی بخشی به مردم مسلمان ایران داشت و به مدت دو سال انتشار یافت و ساواک و مأموران شهربانی، نتوانستند نویسندگان، ناشران و محل چاپ و تکثیر آن را پیدا کنند و سرانجام با دستگیری اینجانب - پس از آیت الله رفسنجانی و دیگران در حادثه روز شهادت امام صادق (ع)، در قم که ماشین جیب شهربانی در جلو مدرسه فیضیه توسط طلاب به آتش کشیده شد - کم کم! به هدف نزدیک می شدند و ساواک در گزارشی، که ضمیمه پرونده اینجانب کرده است چنین می نویسد:

سند!

از ساواک قم

شماره 2983 رقم

تاریخ 20/12/43

به: ریاست ساواک تهران

درباره: اعزام سیدهادی خسروشاهی فرزند سیدمرتضی

پیرو تلگراف شماره 649-9/12/43

نام برده فوق که یکی از محرکین تظاهرات روز 8/12/43 (که مصادف با وفات امام جعفر صادق و روز زد و خورد در مدرسه فیضیه قم) می باشد همراه با 12 برگ پرونده اعزام گردید. به طوری که از اطلاعیه های موجود در پرونده مشارالیه استنباط می گردد، وی به طور کلی در تحریکات روحانیون از ابتدا در فعالیت بوده و به طوری که گفته می شود نام برده از نویسندگان نشریه بعثت و انتقام می باشد.

رییس سازمان اطلاعات و امنیت قم ح. بدیعی - محرمانه -

ص: 34

در ساعت 10:40 سند 21/12/43 دو نفر زندانی غیرنظامی به نام های:

1. هادی شهرت خسروشاهی فرزند مرتضی

2. حسین شهرت نبی پور فرزند حسن

توسط ساواک تهران تحویل زندان قزل قلعه گردید.

افسر نگهبان ستوان دوم غفوری 21/12/43

... پس از دستگیری و اعزام ما به تهران و تحویل به زندان قزل قلعه که آیت الله هاشمی هم همراه عده ای از فضلالی حوزه در بند دو آن زندانی شده بودند.

من نخستین سئوالم از ایشان این بود که آیا مطلبی درباره بعثت و نشریات مخفی طلاب از ایشان پرسیده اند؟ و ایشان چه جوابی داده است؟

آیت الله هاشمی گفت: این ها در واقع از هیچ چیز خبر ندارند و ممکن است به دروغ به شما بگویند که من اعتراف کرده ام، ولی هرگز باور نکنید و مطلقاً هم چیزی را اعتراف نکنید، چون یک اعتراف کوچک، همراه با شکنجه برای اعتراف های دیگر خواهد بود... و اگر خدای نکرده به مرحله ای رسیدید که مجبور شدید موضوع را بگوئید، سعی کنید که مسئولیت کامل آن را خود بعهده بگیرید و اسامی بقیه دوستان را نگوئید که اینها نمی دانند.

... خوشبختانه در بازجویی های مقدماتی از من هیچ نوع اقرار و اعترافی به عمل نیامد... و پس از چند روزی که در قزل قلعه بودیم،

آیت الله هاشمی رفسنجانی و حجت الاسلام والمسلمین شیخ رضا گلسرخی را به «بند انفرادی» منتقل کردند و در همین دوران بود که ایشان به اتهام همکاری با موتلفه در ترور نخست وزیر، حسنعلی منصور، تحت وحشیانه ترین شکنجه ها قرار گرفت تا آنجا که بخشی از استخوان های پای چپش زیر شلاق های نامردان، شکست و همزمان، کف پای ایشان با اطوی داغ سوزانده شد و در نتیجه به علت عفونت پا، مجبور شدند ایشان را برای معالجه به بیمارستان ارتش - چهارراه حسن آباد- منتقل کنند...

املاک نجومی!

... یکی از اتهامات و اکاذیبی که برای سیاه نمائی، علیه آیت الله هاشمی رفسنجانی در سالهای اخیر رواج یافت، مسئله زندگی اشرافی! و ثروتمندبودن ایشان و داشتن «املاک نجومی» بود.

... تا آنجا که شخصی! درباره آیت الله هاشمی کتابی نوشته که هنوز به چاپ نرسیده، ولی فصولی از آن در یک هفته نامه معروف معارض وطنی، بتدریج منتشر می گردد. یکی از این فصل ها درباره املاک نجومی! ایشان است و جالب آنکه سرآغاز شرح این املاک، موضوع یک خانه کوچک مسکونی ایشان در «قم» است که اصولاً زمین آن منزل، مانند صدها، بلکه هزاران منزل دیگر در قم، «وقفی» و به اصطلاح قمی ها، «آستانه ای» بود و آیت الله هاشمی آن ملک 280 متری وقفی را از «تولیت آستانه مقدسه» مانند دیگران، اجاره کرده و خانه ای

برای خود ساخته بود... و پس از مدتی، بعلت ضرورت هجرت به مرکز، آن را فروخت که اینجانب خریدار آن بودم و ایشان مبلغ حاصله را به عنوان «سرمایه اولیه» در امر ساخت و ساز «تهران و کرج» بکار برده است. خود ایشان در این باره می نویسد:

«... با آمدن به تهران وضعم فرق کرد. اولاً بخشی از درآمدهایی را که در قم داشتم مثل کار کردن برای نشریه «مکتب تشیع» از دست دادم. به علاوه، کرایه خانه و هزینه زندگی در تهران خیلی بیشتر از قم بود. ضمناً مایل هم نبودم از سهم امام و وجوه شرعی استفاده کنم. از اینجا بود که به تدریج به فکر افتادم که برای پوشش امنیتی فعالیت های اقتصادی داشته باشم. با توجه به امکانات موجود به سمت ساختمان سازی رفتم. یک خانه در زمین موقوفه ای در حدود سیصد متر در قم داشتم. آن خانه را به آقای سید هادی خسروشاهی که از طلاب مبارز و از دوستانمان بود به مبلغ بیست و نه هزار تومان فروختم. این برایم یک سرمایه اولیه شد و با همان سرمایه در تهران و سپس در کرج کار ساختمانی را ادامه دادم. البته چون یکی از همشیره زاده های من بنا بود و عملاً کار ساختمان سازی را ایشان انجام می داد، وقت کمی از من می گرفت.»⁽¹⁾

بانوی مکرمه عفت مرعشی همسر گرامی آیت الله هاشمی هم درباره این منزل، در خاطرات خود می گوید: «... مخارج زندگی را به هر

ص: 37

1- کتاب: هاشمی بدون رتوش، گفتگوی دکتر صادق زیباکلام با هاشمی رفسنجانی چاپ تهران 1387 انتشارات روزنه.

طریقی بود تأمین می کردیم. با فروختن خانه قم به آقای سیدهادی خسروشاهی به مبلغ گویا هیجده هزار تومان، قطعه زمینی را در محله قلهک با شراکت آقا شیخ محمد هاشمیان (پسرعموی ایشان) خریداری کردیم و شروع به ساختن دو ساختمان نمودیم...» (1).

پس با فروش منزل قم به مبلغ بیست و نه هزار تومان، به اینجانب سرمایه اولیه ساخت و ساز تجاری و مسکونی، در تهران آغاز می شود و طبعاً در این زمینه اخذ وام از بانک رهنی و غیره، و یا پیش فروش مقدماتی بعضی از واحدها، هزینه کامل تأمین می گردد و با فروش بعضی از ساختمان های تکمیل شده، کار دیگری آغاز می شود...

چگونگی معامله این منزل، در قولنامه ای که بخط آیت الله هاشمی رفسنجانی و با امضاء ایشان و تأیید آیت الله ابوالکارم ربانی املشی - پدر آقای ربانی املشی - و قبولی اینجانب، انجام می گیرد.

یکبار من از آیت الله هاشمی پرسیدم که با بیست - سی هزار تومان چگونه کار ساخت و ساز را در تهران و کرج آغاز کردید؟ گفتند: البته این سرمایه اولیه بود و بیست هزار تومان هم آن وقت ها پول کمی نبود و زمین هم در آن دوران بسیار ارزان بود و از سوی دیگر با چند نفر از رفقا و برادران مؤتلفه نیز شریک شدیم و آنها هم سرمایه گذاری کردند و دریافت وام هم خیلی آسان بود، به هر حال در مجموع توانستیم در این زمینه پیشرفت کنیم و سودی به دست آوریم و به بنای

ص: 38

1- پا به پای سرو، خاطرات و مخاطرات بانو عفت مرعشی، چاپ تهران 1391، ص 115.

دیگر مشغول شویم... و البته من شخصاً معتقدم که پول شما خیلی برکت داشت و نیت ما هم خیر بود، و این بود که خداوند کمک و یاری رساند و ما در این کار موفق شدیم و البته می دانید که هزینه های بعدی مبارزات و کمک ها به دیگران، بویژه زندانیان سیاسی بیشتر از درآمدهای همین راه پرداخت می شد...

متن قولنامه بخط ایشان چنین بود:

بسمه تعالی

فروشنده: اکبر هاشمی دارنده شناسنامه شماره 308 رفسنجان فرزند علی هاشمی

خریدار: آقای سیدهادی خسروشاهی دارای شناسنامه شماره 50295 تبریز فرزند مرحوم سیدمرتضی خسروشاهی

مبیع: اعیانی یکباب خانه واقع در اراضی موقوفه آستانه مقدسه قم - در خیابان صفائیه خیابان ممتاز کوچه ... پلاک شماره

ارزش مبیع: دویست و نود هزار ریال که بیست و نه هزار تومان است. که مبلغ بیست هزار تومان آن را نقداًپردازند و حدود مبلغ پنج هزار تومان بدهی بانک رهنی است ایشان به تدریج پردازند و بقیه آن که در حدود چهار هزار تومان است در رأس یکسال پرداخت نمایند.

تاریخ فروش: پانزدهم خرداد ماه سال 1346 است که از این تاریخ به بعد اجاره منزل را آقای خریدار از مستأجر تحویل خواهند گرفت.

اکبر هاشمی. الحاج سید هادی خسروشاهی

ص: 39

با اطلاع اینجانب در قم شد. ابوالمکارم ربانی املشی

اینجانب از نوع معامله اطلاع دارم. محمد مهدی ربانی

مبلغ پانزده هزار تومان که یکصد و پنجاه هزار ریال است توسط جناب آقای خسروشاهی به اینجانب اکبر هاشمی رسید

اکبر هاشمی 15/3/1346

کلیه وجه معامله فوق الذکر به اینجانب رسید.

اکبر هاشمی 16/12/1351 (1)

البته پس از این ماجرا، آیت الله هاشمی، در راستای اهداف مبارزاتی و استقلال مالی، به خرید بخشی از اراضی سالاریه قم هم، از مرحوم ابوالفضل تولیت، که به طور موروثی مالک آنجا بود، اقدام نمود که باز دوستان دیگری در این امر شریک و سهیم شدند و با فروش قطعاتی، به کار اقتصادی توسعه دادند و بخشی را با کشت درخت پسته، آماده بهره برداری و تولید نمودند ولی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، تا آنجا که من اطلاع دارم، اغلب قطعات اراضی سالاریه که سهم ایشان بود، به طور رایگان به بعضی از فضلا و طلاب و کسانی که منزل و مسکن نداشتند، اهداء گردید که خود اقدام به ساخت خانه نموده و صاحب منزل شدند...

این نوع فعالیت اقتصادی مشروع و قانونی را با سیاه نمایی، اقدامی غیر صحیح قلمداد کردن، به دور از عدل و انصاف است و هیچ ربطی

ص: 40

1- متن قولنامه فوق، با دستخط آیت الله هاشمی در بخش آخر کتاب آمده است.

هم به «ملاک بزرگ» بودن و یا داشتن «املاک نجومی» ندارد و صاحبان آن را «ملاک بزرگ» و «فئودال» نامیدن با منطق و موازین شرعی و اخلاقی سازگار نیست...

بُعد علمی - حوزوی

... یکی از ابعاد شخصیتی آیت الله هاشمی که در طی حوادث دوران، به عمد و یا به سهو، از آن غفلت شده است، بُعد علمی ایشان است که حتی در محافل حوزوی هم توجه لازم به آن نشده است.

در شرح حال آیت الله هاشمی به تفصیل آمده است که ایشان دوره های مقدماتی علوم حوزوی - سنتی و مرسوم را اعم از ادبیات عرب، نحو و صرف و قرائت و سپس معانی و بیان و منطق و اصول را در حوزه علمیه قم به سرعت به پایان برد و در همین رابطه با تکیه به حافظه نیرومندی که داشت علاوه بر سوری از قرآن مجید، هزاربیت ابن مالک را درباره ادبیات عربی، در کنار تهذیب المنطق حفظ کرد و با توجه به صغر سن و توجه آیت الله بروجردی به طلاب نوجوان خوش استعداد، در جلسه ای ایشان را مورد امتحان قرار داد و به علت موفقیت کامل در این آزمون، مورد تقدیر و تشویق آیت الله بروجردی قرار گرفت.

مراحل بعدی دروس حوزوی - سطوح نیز با پشتکاری خاص سردار، به پایان رسید و سپس در درس خارج فقه و اصول و تفسیر فلسفه و تفسیر در جلسات تدریس علما بزرگ حوزه مانند: آیت الله

سید روح الله خمینی، آیت الله محقق داماد، آیت الله سید کاظم شریعتمداری، آیت الله علامه سید محمدحسین طباطبائی، آیت الله شیخ حسینعلی منتظری حضور یافت که این مرحله نیز با موفقیت همراه بود.

برای شناخت موقعیت فقهی آیت الله هاشمی، با بررسی خطبه های ایراد شده در جمعه ها و محتوای دیگر سخنرانی ها و با مراجعه به تفسیر راهنما و فرهنگ قرآن، به ویژه بخش های مربوط به «آیات الاحکام» از برداشت ها و دیدگاه های فقهی ایشان می توان آگاه شد. البته ایشان هم شاید مانند مرحوم علامه طباطبائی در تفسیرالمیزان در موضوع آیات الاحکام، ورود کامل و کافی نداشته باشند، ولی با ارجاع مسائل به مآخذ و منابع معتبر فقهی، اهمیت موضوع آشکار می شود.

در یک موردی، طبق اظهار آیت الله هاشمی ایشان برای یافتن راه کار عملی و حل فقهی با مراجع عظام قم به مذاکره می پردازد و سرانجام با موفقیت مسئله مورد توجه بزرگان علما قرار می گیرد. آیت الله هاشمی در دیداری با اصحاب فرهنگ و رسانه می گوید:

«... حکمی وجود دارد که می گوید همسران نمی توانند از زمین ارث ببرند؟ این مسأله برای من قابل توجیه نبود؛ چرا که قرآن این را نمی گوید و تنها بحث یک چهارم از اموال همسر مطرح است... پس از اینکه به قم رفتم و با مراجع دیگر صحبت کردم، آنها گفتند با احتیاط و مصالحه در این زمینه عمل شود. صحبتی هم با رهبر معظم انقلاب در این زمینه داشتم، ایشان دستور دادند علما در جلسه شب های پنجشنبه در این باره بحث کنند. آیت الله شاهرودی این بحث را آغاز کرد و این

فتوا خیلی اصلاح شد... و به مجلس فرستادند و نمایندگان هم پس از بررسی های میدانی، قانونی را تصویب کردند تا این ظلم تاریخی جبران و یا حداقل جلوی گسترش آن گرفته شود...»⁽¹⁾

نکته مهمی که باید به آن اشاره شود این است که پس از پیروزی انقلاب و تشکیل نظام اسلامی، عده ای از اعضای شورای انقلاب مانند: آیت الله شهید بهشتی و آیت الله موسوی اردبیلی مسئول طراحی و اجرای قوانین قضائی کشور شدند و بقیه نیز هر کدام سمت های اجرائی دیگری را به عهده گرفتند. در این میان آیت الله هاشمی رفسنجانی پس از انتخاب به نمایندگی مجلس قانونگذاری کشور و کسب اکثریت آراء نمایندگان برای ریاست مجلس، در واقع عهده دار سیستم قانون گذاری کشور شد که چون این امر با تدوین و تصویب قوانین بنیادین نظام اسلامی همراه بود، قاعدتاً می بایست مسئول آن با مبانی فقهی آشنائی کامل داشته باشد تا در هدایت نمایندگان محترم برای تنظیم لوایح و قوانین نقش خاص خود را ایفا نماید و در تثبیت آن ها در مجمع فقهای شورای نگهبان، پاسخگو باشد.

برای دریافت نظرات فقهی ایشان تحقیق در مشروح مذاکرات مجلس تدوین قانون اساسی، مجلس خبرگان و مجلس شورای اسلامی، یک ضرورت خواهد بود که امیدواریم پژوهشگران موفق حوزه های علمی، در این راستا پیشگام شوند و با استخراج برداشت های فقهی

ص: 43

آیت الله هاشمی در این منابع، بُعد فقهاتی ایشان را نیز روشن سازند.

بُعد تفسیر قرآن

درباره مسائل و مباحث قرآنی، علاوه بر موضوعاتی که در سخنرانی‌ها و خطبه‌های جمعه در تبیین معارف اسلامی، با استناد به آیات قرآنی مطرح شده است، دو تألیف گرانسنگ و ماندگار تفسیری باقیمانده از ایشان، می‌تواند نشانگر بُعد پژوهشگری قرآنی و تفسیری ایشان باشد.

دوره 22 جلدی «تفسیر راهنما» و 33 جلدی «فرهنگ قرآن» گستره تحقیقات و تفسیری قرآن از دیدگاه آیت الله هاشمی را نشان می‌دهد که خوشبختانه در اختیار عموم مردم به ویژه فضلا و طلاب محترم حوزه‌ها قرار دارد.

«تفسیر راهنما» محصول دوران دوم بازداشت ایشان در «زندان اوین» است که از اواخر سال 1354 تا پیروزی انقلاب اسلامی تهیه و تنظیم شده است. یعنی مجموعه یادداشت‌های قرآنی آیت الله هاشمی که در 22 دفتر دوپست برگی نوشته شده بود، به تدریج در هر ملاقاتی با همسر گرامی خود، بانو عفت هاشمی به طور پنهانی تحویل ایشان داده شده تا از یورش احتمالی دژخیمان به زندان و مصادره نوشته‌ها در امان باشد. در این یادداشت‌ها، 32 هزار برداشت با 8 هزار عنوان تنظیم شده بود که هسته‌های اصلی تفسیر راهنما را تشکیل می‌داد. این فیش‌ها و یادداشت‌ها در سال 1366 به مسئولین محترم دفتر تبلیغات اسلامی

ص: 44

حوزه علمیه قم تحویل گردید تا گروهی از پژوهشگران آن موسسه، زیر نظر خود آیت الله هاشمی به تدوین و تکمیل نهایی تفسیر راهنما و سپس دایره المعارف فرهنگ قرآن پردازند و در نهایت، علاوه بر 22 جلد تفسیر راهنما، 33 جلد فرهنگ قرآن هم به مثابه کلید راهیابی به موضوعات و مفاهیم قرآنی آماده شود و خوشبختانه گروه فرهنگ و معارف قرآن دفتر تبلیغات اسلامی قم اقدام کردند و علاوه بر تفسیر مجمع البیان و تفسیر المیزان که آیت الله هاشمی در زندان آنها را در اختیار داشت، پژوهشگران و فضلا؛ گروه فرهنگ و معارف قرآن، با مراجعه به تفاسیر معتبر دیگر مانند: الکشاف، نورالثقلین، روح البیان، مفاتیح الغیب، کشف الاسرار، البرهان، و فی ظلال القرآن، در تدوین نهایی کتاب موفق شدند.

و البته در هر دو مورد: تفسیر راهنما و فرهنگ قرآن، خود آیت الله هاشمی با دقت کامل، اشراف داشت و همه مراحل تدوین کتاب، با نظارت مستقیم ایشان انجام می شد.

در مورد اهمیت این تفسیر گرانسنگ، برادر مکرم، پژوهشگر قرآنی، جناب حجت الاسلام والمسلمین محمدعلی مهدوی راد که خود در تنظیم آن، با گروه فرهنگ معارف همکاری داشت، به نکاتی اشاره می کند که نقل خلاصه آن برای تکمیل این بخش از یادداشت ها، می تواند روشنگر باشد:

«... جریان قرآن پژوهی و قرآن شناسی کل کشور مرهون نگارش تفسیر راهنما و فرهنگ قرآن است. زیرا بن مایه ی اصلی مرکز فرهنگ

و معارف قرآن، تدوین یادداشت های آیت الله هاشمی رفسنجانی و نگارش تفسیر راهنماست. نکته ی دیگری که باید به آن تأکید کنم این است که مجموعه ی 33 جلدی فرهنگ قرآن، کلید راهیایی به موضوعات قرآنی است. براساس اطلاعاتی که دارم «فرهنگ قرآن» در طرح ابعاد موضوعی قرآن، گسترده ترین، عمیق ترین، کارآمدترین و سالم ترین عرضه کننده ی موضوعات قرآنی است. البته طبقه بندی موضوعی از قرن ها قبل توسط علامه مجلسی در موسوعه ی حدیثی کبیر «بحارالانوار» انجام شده و تا نگارش «فرهنگ قرآن»، کتاب دوجلدی «المعجم المفهرس للمعانی القرآن کریم» دقیق ترین منبع طبقه بندی موضوعی آیات قرآن کریم بود اما در دوره ی معاصر، فرهنگ قرآن که برآمده از دل تفسیر راهنماست، عملا از منطوق آیه استفاده نمی شد. بلکه از لوازم آیات، آیه در سیاق، روایت و ژرفای آیه استفاده می شد. بنابراین، این مجموعه ی ارزشمند فراتر از کارهای قبلی است. به عنوان مثال در هیچ جای قرآن به صراحت از آزادی سخن به میان نیامده در حالی که قطعا ابعاد مفهوم آزادی به گستردگی در آیات قرآن مورد بحث قرار گرفته. در فرهنگ قرآن، یک مبحث درباره ی آزادی مطرح شده. یا موضوعی، به نام کارگری به صورت مستقیم مطرح نشده اما در مفاهیمی مانند سعی و کسب و... این موضوع قابل بررسی است. در «فرهنگ قرآن»، موضوعات از دل آیات استخراج شده اند. در نتیجه با این رویکرد، فرهنگ قرآن بسیار گسترده شده. بنابراین کاملا مشهود است که نگرش های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی

نویسنده در تفسیر راهنما جریان دارد. به عبارت دیگر مدیریت و سیاست های فرهنگی مورد نیاز جامعه از متن قرآن استخراج شده و راهنمای عمل است.» (1)

... آیت الله هاشمی علاوه بر دو اثر گرانسنگ تفسیر، آثار و تألیفات دیگری نیز، در زمینه های مختلف دارند که بعضی از آنها چاپ شده و بعضی دیگر، هنوز مخطوط است. از جمله آثار چاپی عبارتند از:

1- انقلاب و پیروزی، 2- جهان در عصر بعثت 3- همبستگی امت اسلامی 4- آزاداندیشی اسلامی 5- مسیر مطالعه در قرآن 6- زن و عدالت اجتماعی 7- امیرکبیر 8- سرگذشت فلسطین 9- انقلاب و دفاع مقدس 10- جمعه ها و خطبه ها و سرانجام: مجموعه کامل «خاطرات یومیه» که در واقع می تواند نوعی «روزشمار تاریخ انقلاب» محسوب شود و از این مجموعه، مجلداتی به چاپ رسیده و گویا هفت یا هشت مجلد آن هنوز آماده چاپ نشده است که امیدواریم مسئولین مؤسسه «معارف اسلامی» در نشر آنها اقدام کنند.

سردار مظلوم

... بدین ترتیب، آیت الله هاشمی در همه زمینه ها، سردار بود و در

ص: 47

دهه آخر عمر پربرکت خود با تحمل اهانت ها و تهمت ها و مقاومت صبورانه در برابر بداخلاقی ها و بی مهری ها، سردار مظلوم این عرصه هم شد، ولی کسانی که از روی جهل و نادانی و یا غرض و مرض، با قلم و زبان، آیت الله هاشمی را مورد هجمه های ناجوانمردانه خود قرار دادند، باید بدانند که بزرگترین ظلم ها را در حق کسی روا داشتند که یک عمر تمام در تلاش و کوشش و نبرد و مبارزه، در راستای تحقق اهداف اسلامی بود و هرگز در این راه کوتاه نیامد و طبق اجتهاد و برداشت خود، اقدام کرد و هیچگاه هم در برابر هجمه تخریب گران داخلی، «مقابله به مثل» ننمود، بلکه او هدایت همگان را از خداوند متعال خواستار بود و همه آنهایی را که ناآگاهانه در این راه قدم گذاشتند، بخشید و آنهایی را که از روی علم و عمد به تخریب و سیاه نمایی پرداختند، به خدای سبحان واگذار نموده با این روش و منش، مصداق واقعی بیت زیر گردید:

وفا کنیم و ملامت کشیم و خوش باشیم *** که در طریقت ما کافرست رنجیدن

پس او در واقع سردار در همه زمینه ها سردار بود.

البته نظام اسلامی ایران، پس از پیروزی انقلاب، مظلومان دیگری نیز داشت که نمونه بارز آنان، شهید آیت الله سید محمد حسینی بهشتی بود، ولی در این دوران، مسأله بسیار ناگوارتر از دوران پیشین بود، زیرا تخریب گران آیت الله بهشتی، منافقین و چپ گرایان و سکولارها بودند ولی در این برهه، عاملین اصلی این انحطاط اخلاقی و دوری از موازین

شرعی، دین باوران و اصلاح گران سابق! و اصول طلبان بظاهر با ایمان بودند که در لباس دفاع از اسلام و ارزش ها، به میدان آمدند و حتی در نماز جمعه هم علیه وی شعار دادند و حرمت نماز جمعه را هم پاس نداشتند. این ها برخلاف تمام موازین شرعی و اخلاقی نسبت هایی را - در همه زمینه ها - به آیت الله هاشمی و خانواده او دادند که جملگی به دور از واقعیت ها بود... و نقل آنها قبل از ثبوت شرعی، شامل حد و تعزیر بود...

... البته ما غیر از انبیاء و ائمه معصومین، هیچ کس دیگری را در هر مقام و موقعیتی که باشد، «قدیس» و «معصوم» نمی دانیم و آیت الله هاشمی هم بی تردید مانند همه انسان های دیگر، خالی از اشتباه و نقص نبود و رفتارهای او در دوران تصدی رسمی امور، می تواند مورد نقد و بررسی قرار گیرد، ولی فاصله تنقید با تخریب، نقل واقعیت با جعل حدیث، از زمین تا آسمان است و نمی بایست که یک عنصر خدوم و فداکار بزرگ در معرض اتهامات واهی قرار می گرفت و این بی تردید علاوه بر اینکه غیر شرعی بود، نوعی قدرشناسی از یک انسان بزرگ بود...

برای ثبت در تاریخ

در یک دهه اخیر، مدعیان پیروی از ولایت، با قلمی که به گفته امام خمینی، به علت محتوای تفرقه افکنانه و ضد ارزشی آن ها، در واقع «قلم شیطان» بود، همواره چنین وانمود کردند که آنان، از صمیم قلب! از

اهالی ولایت! هستند و با نوشته های خود، «منویات رهبری» را پیاده می کنند و با این توطئه شیطانی پنهان، هر آنچه را که خواستند نوشتند که اگر صحت هم داشت، اشاعه فحشاء فی الذین آمنوا بود و اگر دروغ بود - که بود - عملی غیرشرعی و غیراخلاقی به شمار می رفت و صاحبان آن اقلام، هرگز نمی توانند مدعی پیمودن راه حق و تبعیت از ولایت بشوند.

اهالی ولایت!، به جای پیروی از «منویات رهبری» - که این ادعا صحت نداشت - از منویات صریح و شفاف معظم له، درباره این قبیل مسائل و حوادث پیروی نکردند و چرا حتی این اظهارات بین و روشن را در جریده خود، منتشر نساختند؟

ما برای ثبت در تاریخ، چند نمونه از بیانات معظم له را در این رابطه، بدون هیچ گونه توضیح و تفسیری نقل می کنیم تا روشن گردد که چه کسانی به نام دفاع از ولایت، بر ضد ولایت عمل کردند:

1- آیت الله خامنه ای در تاریخ 7 تیر ماه 1384 در دیدار سالانه رئیس و مقامات عالی رتبه قوه قضائیه ضمن محکوم کردن تخریب ها، خواستار پی گیری و شناسائی و مجازات عوامل تخریب می شوند.

«... در خلال این انتخابات، برخی کارهایی انجام گرفت که بنده به عواملی که این کارها را انجام دادند، بدبینم؛ این تخریب هایی که صورت گرفت، بعضی از تخریب ها البته از روی بی توجهی بود؛ بعضی از آقایان و نامزدها یا طرفداران آنها با محاسباتی، حرف هایی نسبت به نظام زدند که واقع بینانه نبود؛ خیلی از مثبتات نظام، از کارهای بزرگ

نظام، نادیده گرفته شد و سیاه نمایی شد و پیشرفت های عظیمی که به وسیله دولت ها در این سال ها به وجود آمده، نادیده گرفته شد؛ اینها از روی غفلت بود، لکن بعضی از این تخریب ها از روی غفلت نبود، تعدادی از نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری مورد تخریب قرار گرفتند، تخریب های غیر منصفانه و ناجوانمردانه؛ حتی شخصیت موجهی مثل آقای هاشمی رفسنجانی که شخصیت محترم و با سابقه ای است، از دم این تخریب ها در امان نماند، این حادثه بدی بود. رحمت الهی را نباید با این گونه کارها آلوده کرد؛ با این که ما تأکید کرده بودیم، امروز چون گذشته است، من نصیحت می کنم؛ اما مسئولان قضایی و غیرقضایی، غیر از نصیحت، وظایف دیگر هم دارند؛ آنها عوامل این تخریب ها را تعقیب کنند و آنها را پیدا کنند. یک عده به طور مسلم از روی جهالت و غفلت این کار را کردند، که البته فعل حرامی انجام گرفت.»⁽¹⁾

2- آیت الله خامنه ای در تاریخ 9 شهریورماه 1385 هم در دیدار با مسئولان نظام ضمن انتقاد از سیاه نمایی ها و تخریب های شخصیت های نظام چنین می گویند:

«... من نکته ای را که می خواهم عرض بکنم، این نگرانی و دغدغه ای است که بنده به مناسبت حضور موسم انتخابات در کشور ما، از تخریب ها دارم. متأسفانه چند وقتی است که رایج شده؛ من حقیقتاً از

ص: 51

این جهت گیری ای که در گوشه و کنار مشاهده می شود، نگرانم. نه اینکه حالا افراد زیاد هم هستند، نه، عده کمی هستند؛ منتها همان تحرک عده ی کم، فضای جامعه را خراب می کند؛ مثل یک جمعیت هزار نفری یا دو هزار نفری که یک جا نشسته اند، پنج، شش نفر هم دچار سرماخوردگی و سرفه اند و دائم سرفه می کنند؛ این کار فضای مجلس را خراب می کند؛ واقعاً این طوری است. متأسفانه عده ای با انگیزه های گوناگون، تا فصل انتخابات می شود، تخریب هایشان هم از همان نزدیکی انتخابات شروع می شود. حالا بعضی با انگیزه های سیاسی و بعضی با انگیزه های حتی دینی، اشخاص، چهره های سیاسی، چهره های دینی، چهره های انقلابی، موجهین حوزه های علمیه و حتی محترمین از علما و روحانیون - را مورد تخریب قرار می دهند. این چه کاری است؟! این نه منطق شرعی دارد و نه منطق عقلایی؛ نه شرع با این کار موافق است، نه عقل. اگر واقعاً انسان از یک جهت گیری ای که خیال می کند فلان کس یا فلان کسان در آن جهت گیری هستند، ناراضی است، راهش تخریب و اهانت به اشخاص نیست، راهش اسم آوردن از این و آن نیست، راهش تبیین است. از اول، حرکت انقلاب براساس تبیین به وجود آمد و حقایق تبیین شد. وقتی انسان یک جایی روشنایی را معرفی کرد، تاریکی به خودی خود معرفی خواهد شد. عیبی ندارد تاریکی را هم معین کنند. اسم آوردن از اشخاص، تخریب کردن چهره های محترم و موجه، منطق عقلی ندارد. اگر کسانی هدفشان این است که می خواهند یک خط انحرافی را کور و خراب

کنند، راهش این نیست؛ این، آن مقصود را حاصل نمی کند.

از نظر شرعی هم که معلوم است. این طور کارها عادتاً خالی از افتراء ناخواسته، دروغ ناخواسته و قول به غیرعلم ناخواسته، نیست. قرآن به ما می گوید: «لَوْ لَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بِأَنفُسِهِمْ خَيْرًا وَقَالُوا هَذَا إِفْكٌ مُّبِينٌ»؛ چرا به هم حسن ظن ندارید؟ چرا حمل بر صحت نمی کنید؟ خوب شما کسی را قبول ندارید، آن اثری را که بر قبول داشتن مترتب می شود، مترتب نکنید؛ اما این که انسان بیاید دست به تخریب بزند، این بسیار کار بدی است... مراقب باشند انتخابات را - به خصوص انتخابات خبرگان را - با فضای تخریب و مخدوش کردن چهره افراد، متهم کردن اشخاص - چه در حوزه های علمیه، چه در تهران، چه در شهرستان ها - آلوده نکنند. این از جمله چیزهایی است که همه باید به آن توجه کنند و به آن اهمیت بدهند.»⁽¹⁾

3- در آستانه چهاردهمین دوره انتخابات مجلس خبرگان، در دیدار با مسئولان نظام، در هیجدهم مهرماه 1385 ضمن انتقاد از تهمت ها و تخریب ها، چنین فرمودند:

«... بعضی فضای انتخابات را خراب می کنند؛ تخریب کردن، اهانت کردن و خُرد کردن شخصیت های گوناگون، همه برخلاف اقتضای سلامت انتخابات است. هم مطبوعات، هم رادیو و تلویزیون، هم کسانی که به ابزارهای گوناگون ارتباط جمعی دیگری مجهز هستند

ص: 53

1- پایگاه اطلاع رسانی مقام معظم رهبری 9 شهریور 1385.

- رایانه ها و شیوه های رایانه ای - هم کسانی که یک منبری برای سخن گفتن دارند؛ مثل خطبای جمعه و نمایندگان مجلس شورای اسلامی؛ همه توجه داشته باشند که تخریب، فضای انتخابات را خراب می کند. شما از آن کسی که به او علاقه مندید، دفاع کنید؛ هیچ مانعی ندارد؛ اما به آن کسی که رقیب اوست، مطلقاً حمله نکنید؛ تخریب نکنید. این تخریب و این حرف زدن ها و اهانت کردن ها، نه حجیت دارد برای مستمعان، و نه جایز است؛ به خاطر این که فضا را خراب می کند. بنابراین مسأله حفظ سلامت خود انتخابات و حفظ سلامت فضای انتخابات، خیلی مهم است. (1)

4- سیاه رویان عصر ما که مانند خوارج نهروان، قربتاً الی الله! مدعی بودند که «علی نماز نمی خواند»!، سعی کردند از هر بهانه ای برای کوبیدن آیت الله هاشمی استفاده کنند و در همین راستا مدعی شدند که موسسات: هواپیمائی ماهان - خودروسازی کرمان - شرکت صنعتی و مهندسی تأسیسات دریایی ایران، تعاونی تولیدکنندگان پسته رفسنجان، دانشگاه ولی عصر رفسنجان و حتی «ارگ بم» و... متعلق به منسوبین و خانواده ی آیت الله هاشمی است!... و علیرغم تکذیب و نفی آن موسسات و شرکت ها، همچنان بر اموال و دارائی موهوم خاندان افزودند تا بالاخره آیت الله خامنه ای در دیداری با رئیس و کارکنان قوه قضائیه رسماً اعلام کردند با افرادی که امنیت و آبروی افراد را به خطر

ص: 54

5- «... در جامعه ی اسلامی، حیثیت افراد نباید مورد تلاعب دست افرادی قرار بگیرد که هیچ احساس مسئولیتی نمی کنند. دستگاه ها باید برخورد کنند. آبروی افراد را بردن، اتهام به افراد وارد کردن، اشخاص را بدون دلیل - از مسئول و غیرمسئول - زیر سؤال بردن، درباره ی آنها شایعه ایجاد کردن، چیزی است برخلاف احکام اسلامی؛ برخلاف شرع اسلامی است؛ برخلاف رویه ی اسلامی است. فرض بفرمایید به یک نفر تهمت سوء استفاده ی مالی بزنند، که تا او بیاید ثابت بکنند چنین چیزی نبوده، زمان زیادی صرف خواهد شد. این چیزها؛ امنیت حیثیتی در جامعه ی اسلامی، امنیت آبروی، مسأله ی مهمی است و باید به آن توجه بشود. قوه ی قضاییه در این زمینه و در استقرار این امنیت نقش دارد. در همه جا نقش قوه ی قضاییه این است که با متخلف، برابر قانون برخورد کند. کسی که تخلف کرد، بر حسب قانون، متخلف سر جای خود نشانده شود، که اینها همه در ساخت نظام اسلامی و در زندگی صحیح و در رسیدن به اهداف جمهوری اسلامی نقش های بسیار مهمی دارند...» (1). (2)

اما آیا این مدعیان پیروی از ولایت از نشر اتهام و کذب دست

ص: 55

1- پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، دیدار با رییس و مسئولان قوه قضاییه، 7 تیرماه 1386.

2- در بخش پیوست ها، در همین رابطه، نکات بسیار ارزشمند و گرانسنگ دیگری از قول آیت الله خامنه ای نقل خواهد شد که مطالعه آن ها توصیه می شود.

برداشتند؟ و آیا قوه قضائیه، به وظیفه خود در این رابطه عمل کرد؟... سنوالی است که پاسخ آن را همگان می دانند!

اما باید دید که نتیجه نهائی این تخریب ها و جعل حدیث ها در میان توده مردم مسلمان ایران چه بوده و بازده آن چگونه تبلور یافت؟... نتیجه را بی مناسبت نیست که از پیام آیت الله هاشمی پس از اعلام نتیجه انتخابات خبرگان رهبری نقل کنیم:

«... این افتخار بزرگی برای یک طلبه است که در طول 28 سال بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در اکثر قریب به اتفاق یازده انتخابات سراسری مجلس شورای اسلامی، مجلس خبرگان رهبری و ریاست جمهوری، رتبه اول را در کسب آرای ارزشمند مردم داشته باشد. از خداوند مهربان خواستارم که در مهلت محدود بقیه عمرم بتوانم در کنار رهبر معظم انقلاب و با تکیه بر حمایت های ملت عزیز و بزرگوار ایران به این انقلاب بی نظیر اسلامی و به کشور و مردم بزرگ ایران خدمت شایسته ای انجام دهم و به خصوص در مجلس خبرگان رهبری بتوانم از عهده مسئولیت های مهم و حساس این نهاد مقدس برآیم».(1)

البته پاسخ اهانت ها و استمرار هجمات ناجوانمردانه را سرانجام مردم در تشییع و بزرگداشت میلیونی خود - بقول بعضی از همین آقایان «غیرقابل انتظار و تصور»! - اعلام نمودند.

ص: 56

... ما نسل اول انقلاب، خوب بخاطر داریم که در اوائل امر، پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تعدد آراء و نظرات، عده ای برای کسب مقام یا حفظ قدرت با اقداماتی مشابه اقدامات عصر ما، با نشر مقالاتی، به لجن پراکنی و نشر اکاذب و اشاعه فحشا، در جامعه نوپای اسلامی پرداختند که امام خمینی قلم نویسندگان آنها را، که در نهایت موجب ایجاد تفرقه و عداوت در بین آحاد جامعه اسلامی نوپا می گردید، «قلم شیطان» نامیدند و سرانجام هم و پس از بارها، و ماهها نصیحت و هشدار و دیدار و گفتار، دعوای این افراد مدعی اسلام خواهی را چنین توصیف فرمودند:

«... دعوای ما دعوائی نیست که برای خدا باشد... همه ما از گوشمان بیرون کنیم که دعوای ما برای خدا است. ما برای مصالح اسلامی دعوا می کنیم... دعوای من و شما همه کسانی که دعوا می کنند، همه برای خودشان است...» (1).

با این هشدار، آیا دوستان امروز می توانند مدعی شوند که دعوای آنها هنوز! در راه خدا و برای اسلام است؟ آیا هنوز باور نکرده اند که با تبعیت از هوای نفس، بجای حمل بر صحت عملکرد افراد، برخلاف تعالیم شرع گام برمی دارند، آیا دعوای آنها برای خودشان نیست؟

ص: 57

... و آخرین دیدار

... پس از پیروزی انقلاب، من بارها و بارها با آیت الله هاشمی دیدار و ملاقات داشتم و البته همواره سعی داشتم که به علت کثرت کار ایشان - و بقیه دوستان سابق مسئول - اگر مطلب مهمی نباشد «مزاحم» اوقات آنها نشوم... ولی هر وقت و در هر مرحله از زندگی اجتماعی - سیاسی ایشان، برای ملاقات وقت خواستم، در نزدیک ترین فرصت ممکن، موفق به دیدار ایشان شدم که خود به بخشی از آنها، در مجموعه خاطرات روزانه، اشاراتی دارند.

من در طول این مدت 35 ساله، هرگز - و حتی برای یکبار - از ایشان درخواست شخصی و خصوصی نداشتم، مگر در آخرین دیدار، چندی پیش، که از ایشان خواستم مجموعه کامل آثارشان را به «کتابخانه عمومی مرکز بررسی های اسلامی» که در پردیسان قم تأسیس شده است، اهدا کنند که ایشان ضمن تقدیر و تشکر از این اقدام فرهنگی عام المنفعه اینجانب، بلافاصله - و فی المجلس دستور دادند که همه کتاب ها و آثار ایشان به کتابخانه ما اهدا گردد که دوستان در دفتر ایشان، به این امر اقدام کردند. و البته چون نیک بنگریم، این درخواست نیز شخصی نبود...

پیام تسلیت رهبری

... پیام تسلیت پُر و پیمان مقام معظم رهبری، در رحلت آیت الله هاشمی در واقع پاسخ محکم و کوبنده ای بر کسانی بود که سالیانی چند تلاش نمودند که رابطه این دو بزرگوار را قطع کنند تا به اهداف

غیرمشروع خود برسند. حضور ایشان در تشییع و اقامه نماز میت نیز دلیلی روشن بر شکست خناسان در توطئه ناجوانمردانه شان بود. ولی متأسفانه همین عناصر غیرمشرع بعد از اقامه نماز هم باز به حاشیه پردازی پرداخته و گفتند که چرا ایشان جمله «اللهم انا لا نعلم منه الا خيراً» را در ضمن نماز ذکر نکردند؟ در حالی که نمی دانند که اصولاً بعضی از فقها و علماء اهل دقت، از قرائت آن جمله در نماز میت خودداری می کنند و معتقدند که چون ما «علم مطلق» نداریم، ذکر آن جمله در نماز، شاید برخلاف واقع باشد و اینست که نباید آن را به طور عام قرائت کرد و از سوی دیگر در تعیین مصداق «خیر» هم ممکن است اختلاف نظری مطرح باشد، لذا بعضی از مراجع از قرائت آن در نماز میت خودداری می کنند.

این خناسان باز به نکته دیگری پرداخته و گفتند که چرا ایشان «غفران» و «عفو» برای ایشان از خداوند طلب کردند، ولی اشاره نکردند که آیت الله خامنه ای در چند مورد، خودشان را هم در کنار آیت الله هاشمی قرار داده و گفتند: اللهم اعف عنه و عنا - خدایا او را و ما را مورد عفو قرار بده - اللهم اغفر له و لنا - خدایا او را و ما را مورد غفران خود قرار بده - ...

و از سوی دیگر طلب حشر ایشان با مجاهدین و انفاق کنندگان در راه خدا - «اللهم احشره مع المجاهدين و المنفقين في سبيل الله» - نشان دهنده آنست که مقام و منزلت آیت الله هاشمی، در این چهارچوب قرار دارد. اما متأسفانه بعضی از این خناسان به سیاه نمایی و خباثت

ادامه دادند و به نشر اکاذیب علیه ایشان، حتی پس از رحلت، ادامه دادند که بی تردید ناشی از مرضی است که قرآن به آن اشاره دارد: «فی قلوبهم مرض فزادهم الله مرضا...».

به امید آنکه خداوند همه ما را مورد عفو و رحمت خود قرار دهد و عاقبت همگان را ختم به خیر فرماید. [\(1\)](#)

ص: 60

1- منبع روزنامه اطلاعات، مورخ چهارشنبه 27 بهمن 1395 صفحه 22 تا 25. - ویژه نامه «یار نهضت» به مناسبت چهلمین روز درگذشت.

2- دو مقاله

اشاره

- دخالت در معقولات!

- دست خالی اتهام زندگان

ص: 61

... قصد دخالت در «معقولات» را نداشتم! اما وقتی یادداشت برادر عزیزم جناب شیخ محمد جواد حجتی کرمانی (حفظه الله)، مندرج در روزنامه اطلاعات را خواندم،⁽¹⁾

بنظرم رسید که بنده نیز به نوبه خود و بقول ایشان به عنوان یک «مجتهد سیاسی» - پیشگام البته - ، اظهار نظری کرده باشم که اگر هیچ فایده‌ای نداشته باشد، لااقل می‌تواند تذکاری باشد برای کسانی که اهل خرد هستند: «لعلهم یتذکرون» او «یعقلون»!

... سخن از به اصطلاح عدم احراز صلاحیت آیت الله شیخ علی اکبر هاشمی رفسنجانی بود که گویا به علت «کبر سن»! صلاحیت ایشان، از طرف آقایانی که بعضی از آن‌ها، چند سالی هم از آقای هاشمی «مسن‌تر» هستند، «محرز»! شناخته نشده است...

... اینجانب خاطرات خودم را درباره بزرگان معاصر برای جلوگیری از تشدید سوء تفاهم‌های حاکم بر جامعه، هنوز منتشر نساختم، ولی

ص: 63

در این برهه از زمان، اشارتی کوتاه به گوشه ای از «حدیث روزگار» و «خاطرات مستند» درباره آیت الله هاشمی رفسنجانی، شاید ضرور و یا بی مناسبت نباشد.

... در دهه سی بنده ساکن مدرسه حجتیه قم بودم و شخصیت هایی

چون: آیت الله خامنه ای، آیت الله جوادی آملی، آیت الله مهدوی کنی، آیت الله هاشمی رفسنجانی - و غیر هم من الرجال المعاصرین - هم در آنجا ساکن بودند و آشنایی من با ایشان از همان جا آغاز شد: با طلبه ای جوان، کوشا و پویا، پر نشاط، پر جنب و جوش و همیشه خندان!...

... در جلسه درس تفسیر علامه طباطبائی که در مسجد «مدرسه حجتیه» برگزار می شد و درس اصول امام خمینی که در «مسجد سلماسی» - کوچه آقازاده - همه روزه برگزار می گردید، همیشه ناظر بر حضور پر نشاط و جستجوگر ایشان بودم... بعدها، یعنی در سال 1338 که «ما!» در مجله ماهانه «مکتب اسلام» و در کنار اساتیدی چون آیات عظام: ناصر مکارم شیرازی، جعفر سبحانی تبریزی، حسین نوری همدانی و دیگران، قلم می زدیم، سالنامه و فصلنامه ای هم تحت عنوان «مکتب تشیع» شروع به انتشار نمود که مؤسسان و مدیران اصلی آن عبارت بودند از: آقای هاشمی رفسنجانی و شهید محمد جواد باهنر و مرحوم شیخ محمدرضا صالحی کرمانی... و من به عنوان یک طلبه جوان قلم به دست! - بدون توجه به خط مشی ها و جناح بندی های کم رنگ آن دوران - دعوت همکاری با آن را پذیرفتم و مقالاتی تقریباً برای همه شماره های هفتگانه سالنامه مکتب تشیع، و بعضی فصلنامه ها،

ص: 64

نوشتم که منتشر شد... و همکاری ما با ایشان استوارتر گردید.

... از آغاز نهضت اسلامی ایران به رهبری امام خمینی، آقای رفسنجانی یکی از فعال ترین عناصر جبهه مبارزه بود بویژه در تکثیر و توزیع اعلامیه های روشنگر و ضد استبدادی امام و مراجع عظام دیگر و فضلا و طلاب حوزه، ما را یاری می داد... پس از دستگیری امام و سرکوب نهضت توسط رژیم، به پیشنهاد ایشان، نخستین نشریه مخفی و ماهانه حوزه علمیه قم، تحت عنوان «بعثت»، با همکاری شخصیت هایی چون: مرحوم آیت الله ربانی شیرازی، مرحوم علی حجتی کرمانی، آیت الله مصباح یزدی، سید محمود دعائی و گاهی محمد جواد حجتی و اینجانب، منتشر شد که توسط طلاب بلاد، تقریباً در سراسر ایران توزیع می گردید. (1)

... پس از جریان ترور منصور، توسط برادران مؤتلفه، آقایان: ربانی شیرازی، انصاری شیرازی، صادق خلخالی، شیخ رضا گلسرخی کاشانی، علی اکبر هاشمی رفسنجانی، در «قم» دستگیر و به زندان تهران اعزام شدند... چند روز پس از دستگیری آقایان، حقیر نیز همراه جنابان: جهانتاب و نبی پور، در قم دستگیر و به «قرل قلعه» در تهران منتقل شدیم!...

در بند یک زندان، زنده یاد داریوش فروهر بود. در بند دو، همه دستگیرشدگان حوزه قم، به اضافه افرادی چون مرحوم حاج مرتضی

ص: 65

1- شرح مبسوط خاطرات مستند اینجانب درباره «نشریات مخفی حوزه علمیه قم: بعثت و انتقام»، اخیراً منتشر شده است که علاقمندان می توانند به آن مراجعه کنند.

تجربشی و چند توده ای و یک آموزگار و... جمعاً حدود 20 نفر جمع بودند.

تا یادم نرفته بگویم که ما را پس از دستگیری در قم، شبانه دو مأمور مسلح به تهران فرستادند. نخست در یک خانه ای در تهران، در اطافی که نه فرش داشت و نه بخاری، و هوا هم سرد بود، جای دادند تا صبح به زندان تحویل دهند، .. اما آخر شب ناگهان درب اطاق را باز کردند و قلدری به نام سرهنگ مولوی وارد شد و اسم افراد را پرسید و بعد وقتی نوبت به من رسید، به مأمورین گفت: این یکی را تحویل «ساقی» بدهید که «ازش پذیرایی شود!». و من چون از رادیو «پیک ایران» توده ای ها شنیده بودم که «ساقی» مأمور شکنجه افسران توده ای بوده، کمی در دلم ترسیدم! ولی با توکل به خدا، از حالت ترس عبور کردم! و صبح که ما را در قزل قلعه، تحویل ساقی دادند، او از من پرسید: «چه خار کردی؟» متوجه شدم که همشهری است!، گفتم: بابا این دوستان شما در قم بیکار شده اند و هر روز یک عده را می گیرند و می فرستند تهران! بعد به ترکی گفتم که دیشب سرهنگ مولوی گفت این را تحویل ساقی بدهید که پذیرایی شود؟ بلافاصله خندید و با همان لهجه آذری گفت: اَلَه دَه، خیلی غلط کردی که گفتی» (البته یعنی سرهنگ مولوی غلط کرده که گفته است) و بعد افزود: «من اگر رئیس زندان هستم، به او چه مربوط است که شما را کجا بفرستم. ما که همشهری خود را اذیت نمی کنیم، الان شما را می فرستم بند دو.

همه دوستان

ص: 66

آنجا جمع هستند و خلخالی آنقدر طنز و جوک بگوید که تا شب بخندی!».

... وقتی وارد بند 2 شدم، خلخالی بلافاصله در جواب سلام ما گفت: چه خار کردی! و بدین ترتیب معلوم شد که «ساقی» به همه همشهری ها که وارد زندان می شدند، این جمله را می گفته است...

... شاید یکی دو روز بعد آقای هاشمی رفسنجانی و مرحوم رضا گلسرخی کاشانی را که از فدائیان اسلام بود، به بخش «انفرادی» بردند... و ما دیگر از آن دو خبر نداشتیم. البته مرحوم آیت الله انواری و دیگر برادران مؤتلفه دستگیر شده هم در بندهای انفرادی بودند.

چند روز بعد در نزد جمع، از سرباز ترکی که غذای بخش عمومی را می آورد و غذای انفرادی ها را هم می برد، احوال آقای رفسنجانی و گلسرخی را پرسیدم. نخست گفت نمی دانم! ولی بعد وقتی با زبان خودمان! با او حرف زدم، بلافاصله رام شد! و گفت: بعداً می گویم و این خاصیت ویژه «همشهری»ها است که وقتی با زبان مادری با آنها صحبت کنید، فوری رام می شوند... چند ساعت بعد که او مرا در حیاط زندان دید، به نزد من آمد و با ناراحتی گفت: آن رفیق شما را که ریش کم دارد، خیلی اذیت کردند. پایش را با اطو سوزاندند که زخم آن عفونت کرد و به بهداری برده اند و بستری است اما آن یکی حالش خوب است!..

البته من نمی دانم که واقعاً آقای رفسنجانی در اصل ماجرای ترور منصور دخالت داشته یا نه؟ ولی در کتاب «در دامگه حادثه» که چندی

پیش آن را می خواندم، پرویز ثابتی - مقام امنیتی رژیم شاه - مدعی شده است «سلاحی که منصور با آن کشته شد، توسط رفسنجانی تهیه و به بخارائی تحویل داده شده بود»!

بهرحال برای اعتراف به این امر، آقای رفسنجانی را به شدت شکنجه کردند و سپس علیرغم عدم اعتراف، به چندین سال زندان محکوم شد... و پس از آزادی نیز، همچنان، و در همه میادین مبارزه، پشتاز و پیشگام بود تا مرحله پیروزی انقلاب و پس از پیروزی انقلاب هم در جبهه های جنگ و ریاست جمهوری و مجلس و غیره، همواره حضور و نقش تأثیرگذار و فعالی داشته است... با این سوابق، اعلام «عدم احراز صلاحیت»! ایشان، از طرف آقایان شورای نگهبان موجب شگفتی همگان بویژه کسانی گردید که نیم قرن است با ایشان آشنائی دارند و نوع خدمات و فعالیت های ایشان را می دانند.

... متأسفانه همین امر، آنهم به بهانه کبر سن! موجب حملات بعضی از افرادی گردیده بود که هر کدام به دلیل خاصی، از دوران ریاست مجلس با ایشان، «زاویه» پیدا کرده بودند.

یکی از آنها برادر فدائی اسلام سابق ما، جناب شیخ جعفر شجونی است که در مصاحبه با خبرنگار «خبرساز» صدای آمریکا - V.O.A (به تاریخ: 4/3/92) گفت: «رفسنجانی لغوه! گرفته و قادر به اداره امور نیست!» که البته همه می دانیم این ادعا صحیح نیست، ولی آنچه که در این امر موجب تعجب و تأسف می گردد مصاحبه دوستان سابق ما، با ماهواره های استعماری - آمریکایی و انگلیسی - است که بدون مراعات

ص: 68

آداب و رسوم و موازین شرعی و اخلاقی، به نقل مطالبی می پردازند که خود می دانند دروغ است و حتی اگر صحت هم داشته باشد، نقل آن ها بی تردید به مصلحت نظام و اسلام نیست. و متأسفانه همین جناب! چند ماه قبل در مصاحبه دیگری با همین خانم خبرنگار مقیم آمریکا، پس از بیان اینکه «در جامعه روحانیت یک مشت پیر و پاتال جمع شده ایم»!

- با همین تعبیر - درباره سن آیت الله جنتی مطالبی گفت که من از نقل آن ها باز معذورم، اما دو روز بعد که به ایشان زنگ زدم و گفتم: جناب شجونی! اگر جوکی هم در ایران و درباره بعضی افراد گفته شده که در صورت عدم رضایتشان، نقل آن مجاز و مشروع نیست، نباید آن را در ماهواره آمریکا و برای صدها هزار بیننده بیان کرد؟ که البته نامبرده طبق معمول! با نقل یک جوک دیگر در مورد سن آیت الله جنتی و ... - البته این بار تلفنی و به حقیر - موضوع را مستند ساخت!...

.... بعد از این مقدمه باید به مطلب برادر عزیزم جناب حجتی اشاره کنم که: آقایان اعضاء شورای نگهبان، افراد معصومی نیستند و ممکن است در اجتهاد و برداشت خود اشتباه کنند، همانطور که در گذشته و در دو انتخابات مجلس شورا هم چند بار یک نفر را رد صلاحیت کردند و بعد رأی خود را تغییر دادند و در دو دور قبل ریاست جمهوری - دوره نهم - هم دچار این اشتباه عظیم شدند که نتایج آن را هم اکنون همگان می بینند و لمس می کنند!⁽¹⁾

ص: 69

1- این اشتباه در دوره دهم انتخابات هم تکرار شد!

نقل شایعات و اکاذیب و اتهاماتی که هیچ کدام از آن‌ها درباره هیچ یک از افراد و در هیچ دادگاه رسمی و قانونی مطرح و اثبات نشده بود، آن هم در یک برنامه تلویزیونی که میلیون‌ها بیننده دارد، بی تردید یک عمل غیر اخلاقی و نامشروعی بود، همان طور که در جریان اخیر مشابه، آن هم در مجلس شورای اسلامی، مقام معظم رهبری این گونه اعمال را غیر اخلاقی و خلاف شرع نامیدند(1)....

آنوقت، آقایان شورای نگهبان، با علم و آگاهی کامل بر آن اقدام نامشروع، ناگهان صلاحیت آن فرد را «احراز» و اعلام کردند و اکنون صلاحیت آیت الله رفسنجانی را احراز نمی‌کنند!

شوکی که بر عموم مردم ایران در این امر وارد شد، بر کسی مخفی نیست و متأسفانه باید گفت که اثر منفی بسیاری در جلوگیری از پیدایش حماسه سیاسی خواهد داشت. البته نمی‌گویم مردم مسلمان به تکلیف خود عمل نکرده و در انتخابات شرکت نخواهند کرد، ولی بی تردید از حماسه شگفت آن خواهد کاست....

ص: 70

1- متن بیانات معظم له چنین بود: «... این قضیه به دو مناسبت بنده را نیز از دو جهت ناراحت و متأثر کرد. یکی از بابت اصل وقوع ماجرا و دیگری بابت ناراحتی مردم از این قضیه. در این ماجرا متأسفانه رئیس یک قوه به استناد یک اتهام ثابت نشده و حتی مطرح نشده در دادگاه، دو قوه دیگر، یعنی مجلس و قوه قضائیه را متهم ساخت. که کاری بد، غلط، نامناسب، خلاف شرع، خلاف قانون و خلاف اخلاق بود این رفتار حقوق اساسی مردم را نیز تضییع کرد. چرا که زندگی در آرامش و امنیت روانی و اخلاقی جز حقوق اساسی ملت است...» با این توصیف، اعلام صلاحیت یک فرد غیر متشرع مخالف قانون و اخلاق و ... برای ریاست جمهوری، چه مفهومی می‌تواند داشته باشد؟

و اکنون من نیز مانند برادرم آقای حجتی چه بگویم؟ و در حیرت که چه باید کرد؟ و البته ایشان کاندیدای خود را یافته و انتخاب هم کرده و نام او را در روزنامه نوشته اند، ولی من هنوز در حیرت! که چه کنم؟ و به کدام یک از دوستان هشتگانه! رأی بدهم؟ که البته این «تحریر» تا آغاز انتخابات، انشاء الله رفع خواهد شد.

در این یادداشت، بی مناسبت نیست که به یکی دو خاطره مستند مربوط به آیت الله رفسنجانی هم اشارتی داشته باشیم!

خرید منزل

آقای رفسنجانی، در قم در یک زمین 280 متری موقوفه آستانه حضرت معصومه (ع) منزل کوچکی ساخت که یکی از منسوبین ایشان بنائی آن را بر عهده داشت... پارکینگ آن خیلی کوچک بود. به ایشان گفتم: در این پارکینگ هیچ ماشینی جا نمی گیرد، و ایشان طبق معمول و با خنده همیشگی گفت من یک «فولکس» دارم که جا می گیرد!... اما بعدها که بنده آن منزل را خریدم، «پیکان» من با چندبار جلو و عقب رفتن می توانست وارد آن بشود، اما این بار خروج راننده از آنجا

مشکل داشت!...

... داستان خرید خانه هم از آنجا شروع شد که آقای هاشمی قصد داشت به تهران منتقل شود و من نیز قصد داشتم ازدواج کنم... منزل من در یخچال قاضی، متصل به بیت امام واقع شده بود که از جناب خیرالایثار حاج محمود آقا لولاچیان به دوازده هزار تومان خریده بودم

ص: 71

و پس از پرداخت چند هزار تومان، وقتی ایشان دید که تأمین تنمه بدهی برایم سخت است و یا اصولاً مقدور نیست، بقیه مبلغ را نگرفت و سند خانه به نام بنده ثبت گردید!... قبل از من هم شهید هاشمی نژاد و آقای سید حسن ابطحی در آن منزل سکونت داشتند...

... بهر حال من آن منزل را به پانزده هزار تومان فروختم و قرار شد که منزل ایشان به قیمت 28 هزار تومان به من واگذار شود. ایشان چند هزار تومان به بانک رهنی - شعبه قم - بدهی داشت که قرار شد من قسط های آن را بپردازم و تنمه بدهی به ایشان را هم به تدریج پرداخت کنم. در همان گفتگو بودیم که یکی از مراجع فعلی که استاد بنده بودند، مشتری آن منزل شده و پیشنهاد سی هزار تومان نقد را هم با ایشان مطرح کرده بودند که آقای رفسنجانی نپذیرفته بود و آن مقام محترم فرموده بود: شما که هنوز معامله نکرده و حتی قولنامه هم ننوشته اید، چه اشکالی دارد که با من معامله کنید؟... بعدها آن استاد بزرگوار (حفظه الله) خود به من گفتند که آقای هاشمی در پاسخ من گفت: «من قولنامه ننوشته ام و پولی هم نگرفته ام اما قول داده ام!» البته این نکته را خود آقای رفسنجانی هیچ وقت به من نگفت...

... بعد از انجام معامله، ایشان دستگیر شد و به زندان رفت و من ته دل! از اینکه قسط های موعود شفاهی را تندتند نباید بپردازم! ناراضی نبودم!! ولی به تدریج قسط ها را پرداختم.

... روزگار گذشت.... در دوران ریاست مجلس، در دیداری با ایشان آقای هاشمی از من پرسید: شما آن منزل قم را چه کرده اید؟

گفتم هنوز هست! گفت ولی پس از بیست سال ظاهراً سند زده اید و هنوز به نام من است؟ گفتم بلی! ولی چه اشکالی دارد، قولنامه که داریم؟

آقای رفسنجانی گفت: این امر دو تا اشکال دارد اول اینکه مسئولین نظام باید لیست دارائی و املاک خود را اطلاع دهند و من آن منزل را که فروخته ام در لیست خود ذکر نکرده ام و اکنون ممکن است اشکال پیش بیاید!

دوم اینکه اگر حادثه ای برای من پیش بیاید، شاید شما با وراثت با مشکل روبرو شوید؟

این بود که رفتم و با پرداخت مبلغی، آن منزل را در دفتر آستانه مقدسه قم، به نام خود منتقل کردم و تا سال قبل هم آن را که تقریباً نزدیک حرم بود نگه داشته بودم، ولی برای تکمیل کتابخانه ای که در حوزه علمیه قم ساخته ام، به مبلغ حدود چهارصد میلیون تومان فروختم و الحمدلله تا حدود زیادی گشایشی در امر پیشرفت ساختمان کتابخانه بعمل آمد!

آقای رفسنجانی در گفتگو با برادرمان صادق زیباکلام گفته است (1)

ص: 73

1- آقای زیبا کلام از قول آقای هاشمی می نویسد: «... زندگی ام هم از طریق درآمد ملکی تأمین می شد. با آمدن به تهران وضع فرق کرد. اولاً بخشی از درآمدهایی را که در قم داشتم مثل کار کردن برای نشریه «مکتب تشیع» از دست دادم. به علاوه کرایه خانه و هزینه زندگی در تهران خیلی بیشتر از قم بود. ضمناً مایل هم نبودم از سهم امام و وجوه شرعی استفاده کنم. از اینجا بود که به تدریج به فکر افتادم که برای پوشش امنیتی فعالیت های اقتصادی داشته باشم. با توجه به امکانات موجود به سمت ساختمان سازی رفتم. یک خانه در زمین موقوفه ای در حدود سیصد متر در قم داشتم. آن خانه را به آقای سید هادی خسروشاهی که از طلاب مبارز و از دوستانمان بود به مبلغ هجده هزار تومان [مبلغ صحیح 29 هزار تومان است] فروختم. این برایم یک سرمایه اولیه شد و با همان سرمایه در تهران و سپس در کرج کار ساختمانی را ادامه دادم. البته چون یکی از همشیره زاده های من بنا بود و عملاً کار ساختمان سازی را ایشان انجام می داد وقت کمی از من می گرفت. ایشان هنوز هم همان حرفه معماری را دارد. نهایتاً در چند نقطه که شامل کرج و تهران می شد در حدود چهار هزار متر ساختمان ساختیم، دو سه شرکت هم با جمعی از افراد مبارز و هم فکر تشکیل دادیم و زمین های قراردادی را تفکیک کردیم.» (صفحه 24 کتاب «هاشمی بدون رتوش»، مصاحبه ای با دکتر صادق زیبا کلام).

که وجه دریافتی بابت آن منزل، گشایشی در امور ایشان ایجاد کرد و همراه دوستان، زمین هائی را خریداری و ساخت و ساز کردند که سودبخش بود... و حقیر هم که پس از سی و پنج سال، آن را فروختم، در امر تکمیل کتابخانه، از آن بهره مند شدم.

سفر به اروپا

مطلب دیگری هم آقای رفسنجانی اخیراً در مورد گذرنامه ایرانی و راحتی سفر با آن در بلاد اروپائی نقل کرده بود که بنده نیز با همان شرایط ویژه رویرو شدم. یعنی به دعوت انجمن های اسلامی دانشجویان اروپا، با اتوبوس تی.بی.تی از تهران عازم ترکیه - آنکارا - شدم و از آنجا به بعد هم با عبور از: بلغارستان، یوگسلاوی، اطریش، آلمان غربی، فرانسه و اقامت کوتاه مدت در هر یک از آن کشورها و ایراد سخنرانی و برگزاری جلسات پرسش و پاسخ با دانشجویان، رهسپار انگلیس شدم.

هیچ یک از آن کشورها، ویزا نخواستند و با ارائه گذرنامه به راحتی

به مسافرت ادامه دادیم تا اینکه با کشتی، از دریای مانس عبور کرده و وارد ساحل لندن شدم!

در ساحل لندن، افسر پلیس گذرنامه‌ها را بررسی می‌کرد. نوبت من که رسید پرسید چرا ویزا نداری؟! ... بنده که انگلیسی نمی‌دانستم! گفتم: من از ایران می‌آیم، در ترکیه نو ویزا، -No Viza- بلغارستان نو ویزا، یوگسلاوی نو ویزا، آلمان (نه جرمانی!) نو ویزا، فرانسه نو ویزا و من فکر کردم که انگلیس هم نو ویزا...!

افسر پلیس خندید و پرسید شغل تو چیست؟ گفتم: دانشجو هستم، پرسید چه رشته‌ای؟ گفتم مذهبی، گفت وقتی درس تو تمام شد، چه می‌شوی؟ گفتم: آیت الله کاشانی!... افسر انگلیسی خنده بلندی کرد و گفت حالا برای چی آمدی لندن؟ آیا می‌خواهی در تظاهرات ضد جنگ شرکت کنی؟ (آن ایام به دعوت برتراند راسل فیلسوف معروف انگلیسی قرار بود دانشجویان اروپا یک تظاهرات عمومی در لندن، برای تقبیح جنگ انجام دهند و خود وی هم سخنرانی کند)...

گفتم: نه! من برای تظاهرات نیامده‌ام!

گفت کجا می‌خواهی بروی؟ گفتم من میهمان جمعیت شیعیان در انگلستان هستم!

افسر کشیک تلفنی با جانی تماس گرفت و سپس گفت: ویزا دادن در مرز، فقط در موارد غیر مشکوک برای ورود است، اما وقتی در لندن مستقر شدی، باید کسی که از تو دعوت بعمل آورده با پلیس تماس بگیرد و اطلاع دهد و سپس اگر موافقت شد، می‌توانی سه ماه در

انگلیس بمانی وگرنه باید تا یک هفته دیگر از انگلستان خارج شوی!...

پس از تشکر، بیرون آمدم...

به راننده تاکسی گفتم که مرا به یک مسافرخانه ببرد!... او هم مرا در خیابانی نیمه تاریک به یک مسافرخانه رساند که یک لامپ روشن بیشتر نداشت... اطاقی به من داد که تاریک خانه بود!... اجازه گرفتم که تلفنی بزنم!... و زنگ زدم به آقای سید مهدی خراسانی که در آن دوران مسئول جمعیت شیعیان لندن بود... آدرس مسافرخانه را صاحب آن به آقای خراسانی داد و یک ساعت بعد خود وی به دنبال من آمد و مرا با خود برد و یک اطاق خوب، در خیابان «چرج استریت»، منشعب از خیابان معروف «های استریت کینزینگتون» - نزدیک پارک معروف لندن - هاید پارک - برای من گرفت که در مدت اقامت یک ماهه در لندن، در آنجا اقامت داشتم و کرایه آن هم برای هر شب یک پوند با صبحانه بود!

البته مسأله تمدید ویزا را آقای خراسانی انجام داد و من می توانستم سه ماه دیگر بمانم که پس از دو ماه به علت پایان یافتن پول، مجبور شدم به ایران برگردم.

ماجرای سفارت

... بعد از پیروزی انقلاب، بنده با توجه به شناخت و لطف امام خمینی (رحمه الله) طی حکمی «نماینده امام در وزارت ارشاد ملی» - بعداً اسلامی - شدم و حدود دو سال فعالیت خستگی ناپذیری در امر

ص: 76

مطبوعات و تبلیغات خارج از کشور داشتم... اما وزیر وقت - آقای ناصر میناچی مقدم - کارشکنی می کرد و سه معاون او هم که بعدها معلوم شد هر سه وابسته به سازمان ویژه ای هستند و هوادار «اسلام منهای آخوند»!... و آنها هم که سابقه دوستی و رفاقت دیرینه با آنها داشتم «نماینده امام» را برنمی تابیدند(1)...

ولی ما تحمل می کردیم به امید اصلاح... و به خاطر انقلاب!

... ورق برگشت وزیری رفت و وزیری دیگر آمد که کلّ وزارت را «منحله» اعلام نمود. به جماران رفتم و خواستم از نمایندگی حضرت امام، استعفاء بدهم احمد آقا مانع شد و گفت: «استعفا از نمایندگی امام سابقه ندارد و صلاح نیست. به جای استعفا بیائید و به «سفارت» بروید!..» در بین چند کشور پیشنهادی، من «الجزائر» را انتخاب کردم که با بعضی از رهبری «مجاهدان» آن از سالیان پیش آشنائی و نوعی همکاری داشتم.... - تبادل ثقافی - و نشر مقالاتی در جرائد ایران، در دفاع از جهاد آنان، بر ضد امپریالیسم فرانسه...

پس از یکی دو هفته مرحوم شهید رجائی به من گفت: شما برای سفارت واتیکان انتخاب شدید چون با مسیحیت آشنائی دارید و برای شناخت بهتر، بعضی از دوستان گفتند که به آنجا بروید. و آن شهید، نام آن دوست را گفت: آقای هاشمی رفسنجانی!... البته به نظرم آمد که هدف شناختن مسیحیت نیست! بلکه بعضی از دوستان علاقه ندارند

ص: 77

1- آقایان: دکتر مهدی ممکن، مهندس حاج همزه، دکتر بهزادنیا.

که یک سفارت مهم برای ایران را در «اختیار خود» نداشته باشند چون می دانستند که من در چهارچوب قانون و اختیارات سفیر، به «تشخیص خود عمل خواهم کرد»! و این را هم «این دوستان» بر نمی تافتند! و صد البته این امر هرگز موجب «زاویه» پیدا کردن بنده نسبت به آیت الله هاشمی رفسنجانی نگردید و تاکنون هم در عقیده من نسبت به ایشان تغییری نداده است.

البته با توجه به شناخت من از الجزائر و ارتباط وثیق با رهبری مجاهدین که در دوران مبارزه در خارج از الجزائر به سر می بردند، من می توانستم در آن برهه مفیدتر از برادرانی باشم که دوستان می خواستند آن ها را به آن کشور اعزام کنند. ولی به هر حال من پذیرفتم، چون بنا بر «مقاومت» در آغاز انقلاب نبود که مبادا ضرری و صدمه ای به آن برسد. و البته من تاکنون این موضوع را به خود آقای رفسنجانی نگفته ام و گله ای هم ندارم و این اشاره، برای اینست که در داوری ها، مسائل شخصی و خاص مطرح نیست. گرچه فکر می کردم که من در الجزائر، بیشتر می توانم به معرفی انقلاب بپردازم و خدمت کنم. ولی وقتی دوستان تصمیم دیگری گرفته اند، دیگر جای گله و شکایت نبود.. و:

«عسی ان تکرهوا شیئاً و هو خیر لکم»...

در اروپا، میدان عمل و ارتباط با رهبری حرکت های اسلامی بیشتر بود. و واتیکان مقر خوبی برای تلاش های فرهنگی - سیاسی من... که تفصیل آن را در خاطرات مربوطه با اسناد مربوطه! آورده ام که بخش هایی از آن ها چاپ شده است.

... بدین ترتیب حدود 55 سال است که من با آقای هاشمی رفسنجانی آشنایی دارم و شناخت من از ایشان ایجاب می کند که حداقل دفاع لازم را انجام دهم و به صراحت بگویم که عدم احراز صلاحیت ایشان، به صلاح نظام و انقلاب و اسلام نبود و آقایان معمرین شورای نگهبان، این بار بطور قطع دچار اشتباه شده اند که البته جبران ناپذیر نخواهد بود!

درباره روش و منش و رفتار متواضعانه ایشان، به این نکته هم اشاره کنم که من در طول این مدت، هر وقت به دیدار آقای رفسنجانی رفتم، چه در دوره ریاست جمهوری، و چه در زمان ریاست مجلس و یا مجمع تشخیص، هیچوقت و حتی برای یکبار هم ایشان در پشت میز خود نشست، یعنی یا در صندلی، روبروی من قرار می گرفت و یا در صندلی معمولی در کنار من می نشست و به گفتگو می پرداختیم و این نیز نوع تواضع و اخلاق انسانی ایشان را نشان می دهد.

... و اکنون ما نئیم همراه با تحیر و اندوه و افسوس... گرچه با انقلاب هرگز «قهر» نمی کنیم و بالاخره تا آخر وقت، یکی از برادران اصلح را از مجموعه موجود و انشاء الله برای اعطاء «یک رای»، انتخاب می کنیم. به امید آنکه عندالله مقبول افتد.

و البته این فقط برای ادای «تکلیف» خواهد بود و از آن شوق و ذوقی که لازم بود، برخوردار نخواهد بود!

و به قول آیت الله مصباح: «مؤمن همیشه تکلیف مدار است. اینکه نتیجه چه می شود به ما مربوط نیست. این را باید به خداوند واگذار کنیم و نسبت به هرچه پیش آمد رضایت داشته باشیم». البته این بیانات پس از آن صادر شد که «اصحح الناس فی الارض و تحت ظل السماء» از نظر ایشان، از کاندیداتوری برای ریاست جمهوری خود اعلام انصراف نمود!

و بقول علما عظام قدیم: والله العالم والعاقبه للمتقین

تهران: 6 خرداد 1392

سید هادی خسروشاهی

ص: 80

این روزها، - بهمن ماه 1395 - انتشار سخنان اهانت آمیز فردی درباره مرحوم آیت الله هاشمی رفسنجانی، بازتاب های مختلفی پیدا کرده است. البته اصول شرعی و اخلاقی ما، مردم را به شکل جدی از بیان چنین اتهامات نادرستی، پرهیز می دهد و در عین حال، نقل و انتشار آن را نیز رد می کند. خداوند در سوره نور آیه 19 می فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ: - همانا برای کسانی که دوست دارند زشتی ها در میان اهل ایمان شایع شود در دنیا و آخرت عذاب دردناکی است و خداوند می داند و شما نمی دانید.»

و اصولاً در تعلیمات اسلامی سب و دشنام دادن به دیگران حتی به غیر مسلمانان و کافران، نهی شده است: - «وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ»؛ و دشنام ندهید کسانی را و چیزهایی را که مشرکین عبادت آنها را می کنند غیر از خدا، پس این سبب شود که آنها از روی جهل و دشمنی دشنام به خدا دهند.»

در سیره ائمه ما نیز آمده - و عقل و منطق نیز چنین حکم می کند - که با افرادی که ظاهراً مسلمان هستند، اما عملاً به آداب آن توجهی ندارند، دهان به دهان نشویم و به آنها بد و بیراه نگوییم.

حضرت علی (علیه السلام) در یکی از جنگ ها از نیروهای خود خواست به دشمنان دشنام ندهند («و إني لأحِبُّ أنْ تكونوا سبَّابين») و حتی پس از دو جنگ بر کشته های خوارج در نهر روان نماز خواند و بر آن ها گریه کرد و فرمود: اینها راه حق را می خواستند، اما به راه باطل رفتند.

در جریان اقدام رئیس دولت قبل - دولت دهم - در پخش فیلم مخفیانه ای که گویا از منتسبین به رؤسای قوا گرفته شده بود، مقام معظم رهبری آن را غیراخلاقی، غیرقانونی و غیرشرعی دانستند.

اگر افرادی که مدعی ارزش مداری و تبعیت از مسئولان ارشد نظام هستند، به این رویه های شرعی و قانونی توجهی ندارند، حداقل می توان از نشر سخنان آنان پرهیز کرد تا قبح اتهام زنی به چهره های دلسوز و معتبر کشور، نزد جوانان و نوجوانان شکسته نشود.

در آخرین دیداری که با آیت الله هاشمی رفسنجانی داشتم، از ایشان درباره تهمت زندگان و تخریب کنندگان وی سؤال کردم. ایشان گفتند، من همه را بخشیده و حلال کرده ام، مگر کسانی که به عمد تهمت زده و دشمنی کرده اند که آنها را به خدا واگذار می کنم.

ایشان اشاره ای به یکی از توهین کنندگان به خود داشت و دلیل آن را به انتخاب نشدن وی برای یکی از ادوار مجلس عنوان کرد که نقل

مشهوری نیز از وی پیرامون خانمی که به جای ایشان در آن حوزه انتخابیه رأی آورده بود، وجود دارد. آیت الله رفسنجانی درباره اتهام زننده دیگر هم گفت بر اساس اطلاع دقیق و مستندات، وی از برخی محافل پول دریافت می کند تا دشنام بدهد و اتهام بزند.

متأسفانه برخی به حدیث نامعتبر و غیر مستندی تکیه می کنند که «به دشمنان تهمت بزنید!»! در حالی که نص صریح قرآن کریم و سیره ائمه ما، به شدت از این گناه کبیره نهی می کند که اگر مؤمنی را اهانت کنند، عرش خداوند به لرزه درمی آید. مشخص نیست این افراد بدون اثبات اتهامات به افراد در دادگاه صالحه، چگونه آن را به افراد نسبت می دهند؟

در مقطعی تیتز درشت می زنند که اسرائیل حامی برجام است و دروغ آنان وقتی نخست وزیر این رژیم، سراسیمه و با شوق از انتخاب رئیس جمهور فعلی آمریکا، به لابی گری برای لغو برجام می پردازد، آشکار می شود.

به نظر می رسد که باید جلوی این گونه رفتار در حکومت اسلامی گرفته شود. دستگاه قضائی موظف است جلوی نشر این اکاذیب را بگیرد که اساس جامعه اسلامی، اخلاق و احترام به همگان است. اینکه جریانی احساس می کند می تواند بی پروا به اشخاص توهین کند، حتما باید با واکنش مدعی العموم در قوه قضائیه مواجه شود؛ چراکه در راستای وظیفه پیشگیری از جرم، تنش و اختلاف افکنی در جامعه، نزد مردم و خدا مسئول است.

رفتار اتهام زندگان چه آگاهانه باشد و چه ناآگاهانه، فقط به بزرگانی مانند مرحوم آیت الله هاشمی رفسنجانی ختم نمی شود. ایشان دنیا را به این افراد وا گذاشت و رفت و اکنون در محضر خداوند متعال است و شگفتا که با وجود اینکه در اخلاق ایرانی و اسلامی ما، اتهام زدن به دشمنی که در قید حیات نیست نیز ناپسند شمرده می شود، ما شاهد چنین بداخلاقی های نکوهیده ای میان برخی جریانات هستیم. بی تردید وقتی بیان چنین سخنانی رواج یافت، جامعه آن را به پای سایر مسئولان و نهادها و ارگان ها نیز می نویسد. بارها در مکان های عمومی شنیده ام که برخی افراد با دیدن نگارنده که لباس روحانیت بر تن دارد، به کنایه گفته اند همه این ها چنین و چنان هستند!

رهبری معظم انقلاب همواره از این نوع عملکردها گلایه مند بوده اند. تداوم این رفتارها، خسارتی بزرگ برای نظام اسلامی است که قرار است مروج اخلاق، مهربانی و برادری باشد. (1)

ص: 84

1- منبع: روزنامه شرق - شماره 2789 - یکشنبه 10 بهمن 1395.

- شخصیتی بی نظیر

- استوانه انقلاب

ص: 85

س - شخصیت آیت الله هاشمی رفسنجانی را چگونه تحلیل می کنید و چه صفات برجسته و انحصاری برای ایشان قائلید؟

ج 1- تحلیل شخصیت آیت الله هاشمی از لحاظ فردی و اجتماعی و سیاسی، امر سهل و ساده ای نیست، چون ابعاد شخصیتی ایشان گوناگون با اضلاع متعددی است و نمی توان در یک گفتگوی کوتاه آن را به طور دقیق و عمیق مورد بررسی قرار داد و همین طور ویژگی های منحصر به فرد ایشان... که فقط فهرست وار می توان به آنها اشاره کرد. ویژگی های شخصیتی ایشان در صفات و نکات زیر تبلور یافته بود: تدبیر، شجاعت، شهامت، صراحت، خستگی ناپذیری، تعمق، دور اندیشی، آینده نگری، عقلانیت، اعتدال و سرانجام تحمل و صبوری، و... البته جمع شدن این صفات برجسته در یک فرد، می تواند چگونگی «بی نظیر» و یا «منحصر به فرد»، بودن آن را روشن سازد.

س - علیرغم رابطه مستقیم و قدیمی ایشان با امام خمینی، چگونه

عده ای به اتهام زنی علیه ایشان اقدام کردند؟ و دلایل عمده این امر چه بود؟

ج 2- رابطه ویژه و نزدیک با امام خمینی و رهبری نمی تواند یک عامل بازدارنده در این راستا به شمار آید. چون خود آن بزرگوار نیز، چه در حال حیات و چه حتی پس از حیات، همواره مورد هجمه و اتهام توسط دشمنان داخلی و خارجی قرار گرفته است و دلیل آن بسیار روشن است و آن اینکه نهضت امام خمینی و استمرار اقدامات انقلاب، پس از ایشان، علاوه بر دشمنان خارجی، منافع ویژه عناصر فرصت طلب و وابسته را در معرض خطر قرار داد و سپس میدانی برای ادامه سود ویژه خواری و برتری جویی آنان باقی نگذاشت و این بود که همواره مورد هجمه و اتهام قرار گرفتند. و البته این اختصاص به امام خمینی نداشت. بلکه شخصیت های فرهیخته و برجسته ای چون شهید بهشتی نیز با هجوم انبوهی از اتهامات روبه رو بود و این نشان می دهد که همواره کسانی که منشأ اثر هستند، مورد تهاجم قرار می گیرند، تا جامعه و توده مردم را از آن ها دور کنند و به اهداف خبیث خود برسند... بنابراین آیت الله هاشمی هم در این معرکه، استثنا نبود و دشمنان برای انتقام گیری از ایشان که در طول سال های مبارزه و پس از پیروزی انقلاب اسلامی نقش تأثیرگذاری در همه امور داشته است، توسط ایادی خود وارد میدان شدند و در این میان، متأسفانه افراد و عناصری هم که انتظار نمی رفت، نقش ایفا کردند و از روی غفلت و یا کدورت و عداوت شخصی، سخنانی را به عمل آوردند که به دور از

ص: 88

موازین انسانی و اسلامی بود و بی تردید نمی توان از این قصور و یا تقصیر آنها، چشم پوشی کرد.

و البته کسانی که وارد این قبیل مراحل غیرشرعی و غیراخلاقی می شوند، به تعبیر قرآن مجید بر بیماری درونی و قلبی آنها افزوده می شود و ناگهان می بینیم که بدون مراعات هیچ یک از موازین و آداب و رسوم شرعی، بدون اینکه اتهاماتی ثابت شده باشد، به نقل و نشر اکاذیب می پردازند و خیال می کنند که کار نیکی انجام داده اند: و یظنون أنهم یحسنون صنعا...

مرحوم آیت الله هاشمی درباره این افراد یک بار این آیه را تلاوت کرد: «فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ». و البته توبه این افراد هم با توجه به اینکه «حق الناس» را ضایع کرده اند، بدون گذشت و رضایت صاحب حق، عند الله مورد قبول نخواهد بود.

س - دلایل تفاوت ها و روش های سیاسی آیت الله هاشمی در دو دهه اخیر چه بود؟ آیا این را تغییر روش نمی دانید؟

ج 3- رفتار سیاسی آیت الله هاشمی، به طور طبیعی مانند هر سیاستمدار دیگری، با مرور ایام و تفاوت های زمان و مکان، با دگرگونی هایی همراه خواهد بود و این در مورد شخصیت هایی چون آیت الله هاشمی، ناشی از تجدیدنظر در برداشت ها و اجتهادها است...

به نظر من تفاوت های رفتار سیاسی، در طول دهه های مختلف، خود یک ویژگی مطلوبی است، چون اگر کسی در مرحله ای اقداماتی

انجام داد که در مراحل دیگر رفتارهای بهتر و دیگری به نظرش رسیده و از روش قبلی عدول کرده، این یک نوع حسن و امتیاز است...

البته اگر تفاوت‌ها و اختلافات، تضادی با اصول و مبانی و ارزش‌ها داشته باشد مورد قبول نخواهد بود، اما اگر به خاطر تکامل اندیشه‌ها و گشایش روش‌ها و راه‌های دیگر، تبلور یابد، بی تردید قابل تقدیر هم خواهد بود، چون سخنان و نظرات را شنیده و بهترین را انتخاب کرده‌اند و شامل آیه شریفه: الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ... شده‌اند.

س - مسئله رد صلاحیت آیت الله هاشمی در سال 92 را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

ج 4- مسئله انتخابات سال 92 و به اصطلاح! رد صلاحیت ایشان یک نقطه منفی در پرونده کسانی است که آن را به اجرا درآوردند... احساس شخصی من مانند بسیاری از دوستان و برادران، چه در حوزه علمیه قم و چه در سطح جامعه مردمی، بسیار دردناک و ناگوار بود و واقعاً تصور نمی‌کردیم که چنین حادثه‌ای درباره ایشان، پس از آن همه کار و تلاش و فداکاری و موفقیت‌ها، رخ دهد ولی اراده‌ای که پشت پرده حادثه قرار داشت، این توطئه را عملی ساخت و به نظر من این اقدام موجب تضرر کل جامعه و حتی کسانی گردید که هوادار آن اقدام بودند!

البته بهانه «کبر سن» در این رابطه، یک بهانه سیاسی غیر معقولی بود و اصولاً بعضی از کسانی که آن «مصوبه» را امضا کردند، خود

ص: 90

«مسئله تر» از آیت الله هاشمی رفسنجانی بودند، و اگر «کبرسن» عامل عدم صلاحیت باشد، در مورد خود آنان هم می‌بایست صادق باشد که می‌بینیم چنین نشده است.

س - آیا می‌شود شخصیت و روش ایشان را به دوره قبل و بعد از سال 88 تقسیم کرد؟

ج 5 - شخصیت و منش آیت الله هاشمی رفسنجانی را نمی‌توان به قبل و بعد سال 88 تقسیم کرد... یعنی «شخصیت» ایشان اصالت خود را حفظ کرد ولی رفتارها و مواضع سیاسی، طبق «برداشت و اجتهاد» قطعاً متفاوت بود و این امر همانطور که قبلاً اشاره کردم یک نقطه مثبت در زندگی هر فردی است که همگام با تحولات زمان و مکان، پیش برود و به طور «دگم» به آنچه که قبلاً انجام داده، نچسبد!

این اختلاف و یا تفاوت نظری را مقام معظم رهبری به «اختلاف در اجتهاد» تعبیر نمود و بدین ترتیب نباید اجتهاد آیت الله هاشمی در عرصه های بعد از سال 88 را متفاوت نامید و مورد نقد قرار داد... مگر آنکه اصولاً «باب اجتهاد» را در این زمینه ها ببندیم و خود را در چهارچوب محدودی که مشکلات را پاسخ نمی‌دهد، محصور بداریم!

س - بدرقه پرشکوه و بی نظیر مردم، از ایشان ناشی از چه علل و عواملی بود؟

ج 6 - بدرقه میلیونی در تشییع جنازه آیت الله هاشمی، آن هم پس از چندین سال تخریب شبانه روزی و همه جانبه، نشان پاسداشت مردم مسلمان و با ایمان ایران از بزرگ مردی بود که یک عمر تمام و در هر

مقطعی، در مبارزه و تلاش و کوشش بوده و علیرغم توطئه «خناسان» با صبر و تحمل بی نظیر در تاریخ، همچنان به اصول و ثوابت، وفادار ماند و این باز نکته ایست که در پیام تسلیت آیت الله خامنه ای به آن تصریح شده است.

در مورد تشییع جنازه امام خمینی (ره) بعضی از تحلیل گران خارجی نوشتند وقتی ایشان به تهران آمد، پنج میلیون نفر به استقبال او رفتند ولی به هنگام تشییع، ده میلیون نفر به بدرقه آمدند و این نشان دهنده آن بود که آن همه خصومت و دشمنی و رذالت اجانب و ابادی داخلی آن ها، علیه امام، تأثیر کاملاً معکوس داشته و مردم در تشخیص خود اشتباه نکرده اند... و همین نکته در مورد بدرقه آیت الله هاشمی رفسنجانی توسط مردم و بعد بزرگداشت ها در شهرهای مختلف ایران، کاملاً صدق می کند.

س - خلاء فقدان آیت الله هاشمی را چگونه می توان جبران کرد؟

ج 7- پر کردن خلاء فقدان آیت الله هاشمی رفسنجانی توسط نظام و یا هیچ نهاد و نیروی دیگری مقدور نخواهد بود، زیرا که خصوصیت های موجود در آیت الله هاشمی را نمی توان به طور «خلق الساعه» ایجاد کرد و به صحنه آورد. هاشمی چکیده و محصول یک عمر، یعنی به یقین بیش از شصت سال تلاش و مبارزه و جهاد و اندیشه بود و به همین دلیل است که نمی توان شخصیت خاصی را جایگزین ایشان ساخت! خلاء فقدان ایشان را فقط «وحدت ملی» و بازگشت به مرحله «اخوت اسلامی» آغاز انقلاب، می تواند جبران کند و امید است

ص: 92

که دوستان و دگرانديشان در اين راستا گام بردارند و تصور نکنند که با پافشاری به برداشت های خود و «جذب ديگران»، می توانند مشکلات را حل کنند و دگرگونی هایی را در راستای پیشرفت کشور و ملت به وجود آورند.

این به نظر می رسد که تنها راه باشد و امید آنکه تذکارها نتیجه بخش گردد: «فذكر فان الذکری تنفع المؤمنین.»

س - اگر خاطرات خاصی از ایشان دارید، به یکی دو نمونه اشاره کنید.

ج 8- البته در طول 60 سال آشنایی و دوستی و همکاری، از سال 1333 تا 1395، خاطرات گوناگون به وجود می آید که نقل آنها مقذور و عملی نیست. اما بی مناسبت نیست به یکی دو سه خاطره اشاره کنم که همچنان در ذهن من باقی مانده است:

1- آیت الله هاشمی در خیابان صفائیه، کوچه ممتاز در قم، خانه ای ساخته بود که زمین آن موقوفه آستانه حضرت معصومه بود... وقتی من شنیدم ایشان می خواهند به تهران «هجرت» کنند، به عنوان مشتری خانه و طبق معمول بدون اطلاع قبلی به منزل ایشان رفتم و موضوع را مطرح کردم که نخست قیمت آن را سی هزار تومان گفتند و من دنبال تخفیف بودم که مبلغ به بیست و نه هزار تومان تقلیل یافت. البته بدون قولنامه یا بیع نامه یا شرط شرعی و غیره، این گفتگو انجام گرفت... پس از رفتن من یکی از اساتید معظم حوزه علمیه قم، به علت نزدیکی منزل به حرم و مراکز درسی، مشتری آن منزل شده و گفته بود که

ص: 93

حاضر است به طور نقد، به سی هزار تومان آن خانه را خریداری کند. آیت الله هاشمی در پاسخ استاد گفته بود که درباره منزل با آقای خسروشاهی صحبت کرده ام و نمی توانم منزل را به شما بفروشم... ظاهراً استاد محترم دو هزار تومان هم به مبلغ افزوده و گفته بود شما که معامله شرعی نکرده اید، می توانید به دیگری واگذار کنید؛ ولی آقای هاشمی گفته بود بلی ما معامله نکرده ایم و اگر خریدار باشند، مقداری از مبلغ ایشان هم نسبه است و قسطی خواهند پرداخت و پول شما نقد است، اما من چون صحبت کرده ام، از واگذاری منزل معذورم، مگر آنکه خود ایشان اعلام انصراف کنند...

و بدین ترتیب منزل را نفروخته بود در حالی که سی و دو هزار تومان در آن دوران (سال 1346) خیلی پول بود!... و بعد من وارد معامله شدم و طی قولنامه معامله انجام گرفت و من حد و بیست هزار تومان آن را نقداً دادم و بقیه را قرار شد به طور اقساطی بپردازم.

نکته جالب اینست که آیت الله هاشمی، هرگز موضوع مذاکره با آن استاد معظم را خود به من نگفتند و پس از پایان معامله، خود آن استاد معظم داستان را بر من تعریف کرد و از حسن اخلاق و رفتار ایشان تمجید نمود.

آیت الله هاشمی در مصاحبه با آقای دکتر زیباکلام درباره فروش این منزل می گوید: «یک خانه در زمین موقوفه ای در حدود سیصد متر در قم داشتم آن خانه را به آقای سید هادی خسروشاهی که از طلاب مبارز و از دوستانمان بود به مبلغ بیست و هشت هزار تومان فروختم و

این برایم یک سرمایه اولیه شد و با همان سرمایه در تهران و سپس در کرج کار ساختمانی را ادامه دادم.»⁽¹⁾

و اکنون، نویسنده ای در اوج بی انصافی، این منزل موقوفه ای را جزو «املاک نجومی»! آیت الله هاشمی معرفی کرده و ایشان را از «ملاکین بزرگ» قلمداد کرده است.

و البته من بعدها از اینکه این مبلغ، سرمایه اولیه ایشان برای آغاز کار اقتصادی شده بود مسرور شدم، ولی بی انصافی بعضی افراد، درباره املاک نجومی! آیت الله هاشمی، از مسرت ما کاست!

2- خاطره دیگری که به طور اجمال می توان نقل کرد اینست که اینجانب در هیچ یک از ملاقات های بعد از انقلاب، چه در دفتر مجلس شورای اسلامی و چه در دوره ریاست جمهوری و چه در محل مجمع تشخیص مصلحت نظام، هیچ وقت ندیدم که ایشان پشت میز ریاست، بنشینند، بلکه همواره و در همه دیدارها یا در یک صندلی رو به رو و یا در کنار من می نشست و علیرغم اصرار من، حاضر نمی شد که در پشت میز ریاست بنشیند و این نوع اخلاق و تواضع و ادب و احترام ایشان را نسبت به دیگران نشان می دهد.

3- خاطره آخر اینکه در دوران ریاست در دیداری، من از اوضاع جاری کشور به سختی انتقاد کردم و شواهدی هم برای سخنان خود آوردم و ایشان، برخلاف بعضی دیگر از دوستان، با کمال خوشرویی و تبسم همیشگی، انتقادهای مرا گوش داد و با اینکه بعضی از آنها را

ص: 95

1- هاشمی بدون رتوش - مصاحبه دکتر صادق زیباکلام، صفحه 24 چاپ تهران.

پذیرفت، هرگز ترشرویی و واکنش منفی نشان نداد و معلوم شد که «تحمّل شنیدن انتقاد» را دارد... و فقط در ضمن کتاب خاطرات خود، درباره این نوبت از ملاقات و سخنان من، در دو جمله نوشته است: «آقای خسروشاهی آمد و مطالبی را مطرح ساخت و انتقاد نمود... در کل معلوم شد که خیلی از اوضاع راضی نیست...»

و این تنها واکنش او بود!

حشره الله مع الذين أنعم الله عليهم من النبيين والشهداء والصديقين و حسن اولئك رفيقا.

ص: 96

* تعابیری چون استوانه انقلاب و فردی با انقلابی اصیل و غیره تعابیر نزدیکی است که دوستان و مخالفان مرحوم هاشمی از آن ها برای توصیف ایشان استفاده می کنند و وجه بارز همه آنها داشتن ریشه انقلابی بود، شما به عنوان محقق و پژوهشگر یکی از دوستان نزدیک به ایشان ریشه انقلابی مرحوم هاشمی را چگونه تعریف و تفسیر می کنید.

□ بی تردید مرحوم آیت الله هاشمی رفسنجانی یکی از قلیل افرادی بود که از آغاز نهضت امام خمینی، با آن همراه و همگام بود و در طول مدت مبارزه، در کوره عمل، آبدیده تر شد و به خودسازی پرداخت و توانست در استمرار مبارزه پس از تبعید امام خمینی، نقش سازنده و تأثیرگذاری داشته باشد و این امر تداوم داشت تا انقلاب پیروز شد و ایشان همچنان و با توانی بیشتر و اراده مضاعف با تجربه هایی که کسب کرده بود، به راه ادامه داد و در عمل نشان داد که طرح های ارزشمند و سازنده ای برای تثبیت انقلاب دارد و در همه زمینه های مربوط به مسائل و مشکلات بعد از پیروزی انقلاب، به طور خستگی ناپذیری به طراحی پرداخت و با جمع بندی عملکرد ایشان، تردیدی نمی توان داشت که ایشان یک انقلابی اصیل و پایدار و یکی از استوانه های

* شروع آشنایی شما با آیت الله هاشمی به گفته جنابعالی به شصت و اندی سال پیش و حضور در مدرسه حجتیه باز می گردد! آیا در همان دوران هم مرحوم هاشمی نگرش سیاسی داشتند؟

□ آشنایی من با آیت الله هاشمی به دورانی برمی گردد که من در «قم» پس از مدرسه «فیضیه» در «مدرسه حجتیه» اقامت یافتم! و این به ماه های نخستین سال 1333 و به بعد برمی گردد. «حجره» من در بلوک شماره 2 مدرسه قرار داشت که در طبقه فوقانی آن آیت الله آقا سید علی خامنه ای با اخوی بزرگ خود - آیت الله سید محمد خامنه ای - اقامت داشت ولی آیت الله رفسنجانی در بلوک پنجم، همراه دو نفر از برادران خود - محمود و محمد - و دو سه نفر از همشهری های کرمانی، در دو حجره بزرگ سکونت داشت.

... اقامه نماز جماعت در مسجد حجتیه، توسط مرحوم آیت الله شریعتمداری، همه یا اغلب طلاب را در نمازهای ظهر و مغرب در یک جا جمع می کرد و حالات روحانی خاصی، به علت معنویت دوران نخستین طلاب جوان و مخلص، که بدون انگیزه مادی به سلک طلبگی درآمده بودند، شامل حال می شد... و به طور طبیعی هم موجب دیدار و آشنایی طلاب بلاد، با یکدیگر می گردید.

من پس از آشنایی مقدماتی، در همان نماز جماعت با آیت الله هاشمی - مانند بقیه دوستان چون جناب شیخ محمد جواد حجتی کرمانی، شهید محمدجواد باهنر و دیگران - بیشتر آشنا شدم و کم کم

این آشنایی به دوستی و رفاقت بدل شد که در نتیجه و به طور طبیعی، نوع اندیشه و عملکرد افراد هم به دست می آمد...

در آن برهه از تاریخ، با شهادت نواب صفوی و یارانش، حوزه علمیه قم حال و هوای غم انگیز ویژه ای داشت و دوستان و برادران برای ابراز همدردی، روابط صمیمانه تری پیدا کرده بودند...

در واقع آیت الله هاشمی هم به طور وضوح هوادار فعالیت ها و عملکرد فداییان اسلام بود و این می تواند نشان دهنده نوع نگرش سیاسی حاد ایشان در آن زمان باشد... و همکاری های بعدی با برادران حزب «مؤتلفه» در واقع استمرار همان نوع اندیشه و نگرش قبلی بود.

... البته ایشان، طبق روش دیگر «برادران»، تظاهری از خود نشان نمی داد، بلکه به دنبال هدف، بدون خودنمایی بود و دوستان نزدیک، کاملاً از نوع نگرش سیاسی ایشان آگاه شده بودند.

* شما به فعالیت های علمی مرحوم هاشمی هم همواره تأکید داشته اید و البته کتاب ها و تحقیقات ایشان هم مؤید همین موضوع است، آیا چربش نگاه ایشان به مبارزه و سیاست نگاه علمی بود یا مشی چریکی و...؟

□ بنده بر این باور هستم که بُعد علمی - حوزوی آیت الله هاشمی رفسنجانی به علت شهرت به فعالیت های اقتصادی - سیاسی، مغفول ماند، همان طور که بُعد فقهی امام خمینی هم در آغاز، به علت شهرت به اشتغال در فلسفه و عرفان، مغفول مانده بود که به تدریج و با حضور صدها نفر از طلاب فاضل حوزه علمیه قم در درس خارج اصول و فقه

ایشان، این نکته بر عموم روشن گردید. در مورد آیت الله هاشمی هم کتاب‌ها و تحقیقات تفسیری ایشان، که ناشی از عمق نگرش علمی - حوزوی است، می‌تواند ادعای ما را تأیید کند که متأسفانه در هیاهوی سیاست، ناشناخته ماند، ولی اهل خرد و علم، با مراجعه به آن آثار، می‌توانند به مقام و موقعیت علمی ایشان پی ببرند.

البته این نگرش علمی، همراه با نگرش‌های سیاسی و حتی اندیشه اقدام به مبارزه مسلحانه بود که نمی‌دانم می‌توان به آن بُعد «مشی چریکی» نام گذاشت یا باید آن را همان «مبارزه مسلحانه» نامید.

* درست است که ایشان در مجله مکتب اسلام هم به عنوان نویسنده حضور داشتند! جان مایه کلام ایشان در آن مقالات چه مباحثی را شامل می‌شد و آیا مقدمه سازی انقلاب سیاسی از آن برداشت می‌شد؟

□ آیت الله هاشمی اصولاً در مجله «مکتب اسلام» به عنوان نویسنده حضور نداشت، بلکه حدود یک سال پس از انتشار مجله «مکتب اسلام» توسط فضلا و مدرسین فرهیخته و معروف حوزه در آن زمان، خود به نشر «سالنامه» و سپس «فصلنامه» پرداخت که دوستانی چون شهید محمدجواد باهنر و مرحوم مهدوی کرمانی و محمدرضا صالحی کرمانی، در این زمینه با ایشان همکاری داشتند.

کوشش این نشریات، ارائه یک نوع مباحث فکری - تئوریک - بود و مقالات آن را شخصیت‌های برجسته و فرهیخته حوزه علمیه قم و بزرگان و اندیشمندان مقیم تهران - یا شهرهای دیگر - می‌نوشتند که به

همت ایشان جمع آوری و تنظیم می شد و آقای رفسنجانی در آن نشریات تلاش داشت که با همکاری دوستان، اندیشه های نوینی را در حوزه و در کل جامعه مطرح سازد.

... انتشار «مکتب تشیع» در واقع با تألیف کتاب «امیرکبیر» و سپس چاپ و نشر ترجمه کتاب «اکرم زعیترا» درباره مسئله فلسطین - کارنامه سیاه استعمار - همزمان بود که علاوه بر مقالات مکتب تشیع، این دو کتاب محتوایی برای مقدمه سازی یک حرکت سیاسی می تواند به شمار آید، یعنی این نوع برداشت با توجه به موضوعات مطرح شده در آن ها، کاملاً روشن می گردد.

* مجله بعثت که مرحوم هاشمی در آن مجله هم قلم می زدند هم در همان دوران بود؟ محتوای مجله به نظر می رسد محتوایی انقلابی تر داشته که به صورت مخفیانه چاپ می شده است؟

□ نشریه «بعثت» در دوران پس از آغاز نهضت و سپس دستگیری و تبعید امام خمینی، به صورت «پلی کپی» و به عنوان یک نشریه مخفی و ارگان دانشجویی حوزه علمیه قم منتشر می گردید و یک مجله به مفهوم مصطلح آن نبود. البته ایشان هم در نوشتن بعضی از مقالات در آن نشریه همکاری داشتند و اصولاً آن نشریه، یک نشریه «مبارزاتی» بود که با توجه به شرایط سیاسی روز، محتوای ضد رژیم داشت و سعی ما آن بود که به «روشنگری» در سطح طلاب حوزه و عموم مردم جامعه ایرانی، پردازیم و در واقع بعثت یک نشریه سیاسی مبارزاتی بود و تا ورود به مرحله انقلاب، فاصله زیادی در پیش رو بود.

به هر حال «بعثت» در کلیت خود یک نشریه رادیکال و انقلابی مصطلح نبود و نقش آگاهی بخشی و بیدارسازی را ایفا می کرد، ولی گاهی توسط بعضی از دوستان، - مثل آیت الله مصباح یزدی - مقاله تند و انقلابی هم نوشته می شد که در نشریه منتشر می گردید.

البته نشریه علاوه بر حوزه ها، در کل کشور از توزیع گسترده ای برخوردار بود و به طور وضوح نقش عمده ای را در تشویق به ادامه مبارزه به عهده داشت و علیرغم دو سال انتشار مخفی و تلاش همه جانبه ساواک و شهربانی، مأموران رژیم از شناسایی ناشران و نویسندگان آن عاجز ماندند و محل تکثیر و چاپ آن را هم نتوانستند کشف کنند و البته پنهان کاری و عدم تظاهر افراد وابسته به نشریه و مراعات نکات امنیتی، عامل اصلی این موفقیت بود، ولی در اواخر به علت دستگیری دوستان از جمله آیت الله هاشمی رفسنجانی و مرحوم علی حجتی کرمانی و هجرت اضطراری آقای سید محمود دعائی به نجف اشرف، نشریه خود به خود از انتشار باز ماند... ولی همان یکی دو نفر باقیمانده با استفاده از امکانات محدود مربوط به بعثت، هر چندی یک بار اعلامیه هایی بر ضد رژیم منتشر می کردیم که تندترین آنها، اعلامیه مربوط به شهادت آیت الله سید محمدرضا سعیدی توسط رژیم شاه بود و دیگری اعلامیه ای تحت عنوان «نابود باد اسرائیل» که لحن بسیار تندی علیه رژیم غاصب صهیونیستی و ضرورت نابودی آن داشت. اولی به قلم حقیر با همکاری مرحوم علی حجتی تهیه شد و دومی به قلم اینجانب بود...

ص: 102

پس از پیروزی انقلاب با به دست آمدن اسناد و گزارش های ساواک، روشن می شود که مأموران ساواک پس از دو سال و اندی، کم کم به شناسایی نویسندگان و ناشران آن نشریه و اعلامیه ها، نزدیک شده بودند... بنده داستان مفصل پیدایش و ارزش این نشریه را، در کتاب: «نشریات مخفی حوزه علمیه قم» و مقدمه «مجموعه کامل نشریه بعثت» که به طور مستقل چندین بار پس از انقلاب چاپ و منتشر شده است، نوشته ام.

* به نظر جنابعالی می توان ادعا کرد که مرحوم هاشمی در مبارزات پیش از انقلاب، برای مبارزه یک پشتیبان فکری محسوب می شد؟

□ با توجه به شرایط خاص زندگی خصوصی و عمومی آیت الله هاشمی، ایشان در مبارزات پیش از انقلاب از لحاظ فکری و مالی، یک پشتیبان قوی و کم نظیر بود. ایشان با اغلب گروه ها و یا نهادهای دینی و سیاسی و مبارزاتی، ارتباط داشت و در پشتیبانی از آن ها در همه زمینه ها، از هیچ کوششی دریغ نداشت بنابراین باید گفت: آیت الله هاشمی رفسنجانی، پشتوانه کامل، همه جانبه و اصیل نهضت، پیش از پیروزی انقلاب بود.

* در حوزه مدیریت فعالیت های انقلابی آیا مرحوم هاشمی را می توان در کنار شهید بهشتی و شهید قدوسی و شهید مفتاح و غیره قرار داد؟

□ نتایج و ابعاد مدیریتی افراد ذکر شده با تفاوت های خاص در دوره مبارزه ظهور و بروز پیدا کرد و به نظر من چگونگی مدیریت فعالیت های انقلابی آیت الله هاشمی با شهید آیت الله بهشتی قابل مقایسه است، ولی

شخصیت های دیگر با اینکه نقش های خاصی در امور داشتند، ولی مدیریت آنها قابل مقایسه با ایشان نیست... یعنی نوع اقدامات و مدیریت آنها در سطح عملکرد آیت الله هاشمی و شهید بهشتی نبود و در زمینه های خاصی، مدیریت های ثمربخش محدود و ارزشمندی داشتند...

* شما با مرحوم هاشمی هم بند بودید؟ از خاطراتان در زندان هم نکته ای اگر وجود دارد بفرمایید.

□ بازداشت و زندانی شدن آیت الله هاشمی و آقایان دیگر حوزه، چند روزی قبل از بازداشت اینجانب بود... یعنی من در آن مدت، از قم خارج شده بودم و در تهران بودم تا چنین وانمود کنم که نقشی در حوادث قم ندارم و اتفاقاً با تصور صحت این برداشت و «مرور زمان»، به قم بازگشتم، ولی به محض ورود به قم بازداشت شده و شبانه به تهران اعزام شدم که پس از یک شب اقامت در یک ساختمان وابسته به ساواک، در روز بعد به زندان «قزل قلعه» منتقل شدم که جناب آقای «نبی پور» از طلاب محترم حوزه هم همراه من دستگیر شده بود و همراه من به زندان منتقل شد. سروان «ساقی» رئیس زندان قزل قلعه، ما را به بند دو عمومی تحویل داد و گفت که بروید در کنار دوستان و همکارانتان باشید. در بند دو آقایان: ربانی شیرازی، صادق خلخالی، شیخ یحیی انصاری، هاشمی رفسنجانی، شیخ رضا گلسرخی و آقای جهانتاب و چند نفر بازاری و توده ای حضور داشتند که بنده و آقای نبی پور هم به آنها اضافه شدیم... البته محل بند دو برای بیست نفر واقعاً کوچک بود ولی چاره ای نداشتیم و البته این بی شک بهتر از «انفرادی» بود.

چند روز بعد، آیت الله هاشمی و شیخ رضا گلسرخی کاشانی را به بند انفرادی منتقل کردند و ما نگران حال آنها بودیم تا اینکه از یک سرباز آذری - همشهری! - که غذای ما زندانی ها را می آورد، و به زندانیان انفرادی هم غذا می برد، من در میان جمع از حال آنها پرسیدم که نخست پاسخ نداد! ولی وقتی «ترکی» حرف زد و دید که همشهری هستیم! در موقع تنفس و قدم زدن در حیاط زندان، به نزد من آمد و گفت که من در میان آن عده نمی توانستم حرف بزنم اما اینجا که کسی نیست می گویم: هر دو دوست شما را شکنجه کرده اند پاهای آن دوست شما را که ریش ندارد با اطو سوزانده اند که استخوان پایش عفونت کرد و مجبور شدند که به بهداری شهربانی منتقل کنند!...

... سرباز همشهری بعد از چند روز، خبر داد که دوست «بی ریش» شما را به انفرادی برگردانده اند و محلش را هم در حیاط زندان به من نشان داد و من به بهانه شعر خواندن در جلو پنجره کوچک آن بند انفرادی، با صدای بلند و به زبان عربی، از ایشان احوالپرسی کردم که ایشان هم به عنوان قرآن خواندن در مقابل پنجره، پاسخ مرا می داد در ضمن به من هشدار داد که هیچ چیزی درباره فعالیتها و یا نشریه بعثت نگویم، چون اینها اطلاعاتی در این زمینهها را ندارند و شما در بازجویی همه چیز را کاملاً انکار و اظهار بی اطلاعی بکنید و اگر اعترافی کردید بدانید که این ها ول کن نخواهند بود و به انفرادی منتقل خواهند کرد... و آن وقت با مشکلات زیادی رو به رو خواهید شد و البته من هم در بازجویی هایی که طول نمی کشید، چیزی نگفتم. ولی

اگر بازجویی‌ها همراه با شکنجه‌هایی می‌شد که آقای رفسنجانی و آقای گلسرخی آن را تحمل کردند، نمی‌دانم من تا چه حد می‌توانستم مقاومت کنم؟ و خدا را سپاس که در مورد من داستان به این مرحله‌ها نرسید...

* آیا با تعریفی که جنابعالی از ریشه انقلابی داشتن هاشمی دارید و به عینه مشاهده فرموده‌اید، در نوع نگرش انقلابی ایشان بعد از انقلاب و تا پایان عمر تغییری ایجاد شد یا که خیر؟

□ بی‌تردید آیت‌الله هاشمی رفسنجانی «ریشه انقلابی» استواری داشت و در نگرش او، مرور زمان نه تنها تأثیر منفی نداشت بلکه تأثیر کاملاً مثبت بود و اگر بعضی‌ها نوعی تغییر در این امر مشاهده کرده‌اند، باید توجه داشته باشند که مسائل سیاسی «وحی منزل» و یا امری «غیرقابل تغییر» نمی‌تواند باشد و با توجه به شرایط زمان و مکان می‌توان در روش‌ها بازنگری کرد.

نمونه‌های زیادی در همین مرحله نخست انقلاب هم هست که مؤسس معظم انقلاب امام خمینی (قدس سره) خود در آنها بازنگری ماهوی داشتند. از مسئله رابطه با عربستان سعودی تا مسئله پذیرفتن صلح با صدام که برای ایشان به مثابه نوشیدن «جام زهر» بوده است... بنابراین باید پذیرفت که آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، با حفظ اصول و اصالت مبانی ارزشی انقلاب اسلامی، تا پایان عمر در صراط مستقیم انقلاب گام برداشت و اگر تغییری به نظر می‌رسد در واقع ناشی از اجتهاد و نوعی «تاکتیک» بوده نه «استراتژی»!...

* با توجه به حضور شما در عرصه سیاست خارجی و رصد موضوعات این چنینی در پس انقلاب، نگاه سران کشورهای دیگر و سیاستمداران و متفکرین دیگر کشورها نسبت به ایشان چگونه بود؟

□ تا آنجا که اینجانب با محافل سیاسی، رهبری حرکت های اسلامی، و شخصیت های برجسته خارجی تماس داشتم، ایشان همواره مورد توجه همراه با مقبولیت آنان قرار داشت و روابط صمیمانه ای که آیت الله هاشمی با بعضی از رجال سیاسی و رؤسای کشورهای عربی - اسلامی، یا حتی غربی، برقرار کرده بود، در واقع ضامن مثبت نگری آنان به انقلاب اسلامی و ایران بود... و این برخورد مثبت را در بیانیه ها و یا تسلیت نامه های بعضی از آنان، پس از رحلت آیت الله هاشمی، به خوبی می توان مشاهده کرد.

متأسفانه بعضی از دوستان «تندرو» این روش را ادامه ندادند که همراه با ضایعات ویژه ای شد و ما در واقع به جای پیشبرد اهداف، فقط مجبور به دفاع از مواضع خود شدیم... یعنی توان و وقت، صرف مقابله با توطئه ها شد و ای کاش روش ایشان، که منجر به سازندگی می شد، ادامه می یافت...

و به هر حال اجر و پاداش ایشان عندالله محفوظ است.

و انّ الله لا یضیع اجر من احسن عملاً.

4- چهار پیوست

اشاره

- اتحاد اسلامی

- نامه ای به اکرم زعیترا

- نکاتی درباره آیت الله هاشمی

- نامه ای به مقام معظم رهبری

ص: 109

سال دوم که سالنامه «مکتب تشیع» تحت عنوان «شیعه» شامل مذاکرات علامه طباطبایی و پرفسور هانری کرین منتشر گردید، عده ای از روی ناآگاهی، نشر آن را مخالف وحدت مسلمانان - شیعه و سنی - نامیدند، در حالیکه هدف، تبیین صحیح اندیشه های شیعی، و شناخت واقعی تشیع، توسط عموم به ویژه برادران اهل سنت بود تا از قول یکی از اساطین معاصر تشیع - علامه طباطبایی - از حقیقت امر آگاه شوند.

در مقدمه این سالنامه، که بعدها چندین بار تجدید چاپ شد، آیت الله هاشمی رفسنجانی بحثی را تحت عنوان: «اتحاد اسلامی» مطرح ساختند و چگونگی نقش این کتاب را در ایجاد وحدت بین مسلمین، تبیین نمودند... چون اینجانب نیز - همراه آیت الله علی احمدی میانجی - با تهیه و تنظیم «توضیحات» آن کتاب، نقش داشتم، بی مناسبت ندیدم که مقاله یا مقدمه آیت الله هاشمی بر آن کتاب را جهت اطلاع علاقمندان در این «خاطرات» نقل کنم که متن آن چنین بود:

یکی از شخصیت هایی که در قرون اخیر فکر تقریب بین مذاهب اسلامی، و اتحاد آنان را در سر می پرورانده، نادرشاه افشار بوده است. نمی دانیم شاید نادر می خواست بر تمام کشورهای اسلامی آن روز حکومت کرده و جای خلیفه عثمانی را بگیرد و به خیال خود، تنها مانعش این بود که شیعه بوده، و نیز بر کشور شیعه مذهب ایران، سلطان است. او برای اینکه این مانع را برطرف کرده و افکار عمومی اهل سنت را آماده پذیرفتن خلافت خود کند، نخست به فکر افتاد که افکار عمومی سنی ها را نسبت به شیعه جلب نموده و تفاهمی بین پیروان مذاهب خمسسه اسلامی به وجود آورد، و در این راه نیز قدم های بلندی برداشت. و هر چه بود، فکر خوب و قابل توجهی بود.

بعد از او، سید جمال الدین اسدآبادی، در این راه قدم های سودمند و مؤثری برداشت، با این تفاوت که او فقط برای اسلام و به خاطر رفاه ملت های اسلامی، و خلاصه، برای یک هدف عالی و مقدسی تلاش می نمود. اقدامات او در جامعه اسلامی اثر فراوانی کرد و این بذل در افکار طبقات مختلف کاشته شد و کم رشد و نمو کرد و در میان ملت های اسلامی، طرفدارانی پیدا نمود.

تا بالاخره از کشورهای مختلف اسلامی دانشمندانی از شیعه و سنی اقدام کردند و بدین منظور تشکیلات وسیع و آبرومندی به نام «دار التقریب» در کشور سنی مذهب مصر، به وجود آمد.

این مؤسسه نه تنها در این زمینه قدم های عالی و سودمندی برداشته، بلکه موفقیت های بی نظیر و درخشانی هم کسب کرده است.

ولی بدبختانه فکر اتحاد اسلامی به همان اندازه که عالی و مقدس است، دشمنانی سرسخت هم دارد که از داخل و خارج زمینه را برای نابود کردن آن فراهم می سازند. فکر اتحاد اسلامی، چه از داخل و چه از خارج، مواجه با کارشکنی های ناجوانمردانه ای بوده که خواه و ناخواه راه پیشرفت آن را دشوار می سازد.

ما، و اصولاً تمام ملت های اسلامی، از خارج توقعی نداریم، زیرا برنامه کار آنها اینست که با تضعیف و تفرقه انداختن بین آنها سیاست های شوم خود را اجرا نموده و دامنه حکومت جهانی خود را از مجرای استعمار، گسترش دهند. هر صحبتی هست، درباره کارشکنی های داخلی است، که اتفاقاً اثر آن هم خیلی بیشتر است، ما از دستگاه های سیاسی و جاسوسی استعماری توقع نداریم، که تیشه به ریشه اتحاد اسلامی نزنند، بلکه، باید دید که چرا از میان خود ملت های اسلامی، اشخاص مغرض، دانسته و یا ندانسته، آلت سیاست های شوم خارجی شده و یا تحت تأثیر تعصب ناروای مذهبی قرار می گیرند؟

باور کنید، آن اندازه که روش نویسندگی اشخاصی مانند: ابن عبدربه نویسنده «عقد الفرید» و ابو محمد ابن حزم اندلسی نویسنده

«الفصل فی الملل و النحل» و ابن تیمیہ نویسنده «منهاج السنه» از گذشتگان و احمد امین مصری نویسنده «فجر الاسلام» و موسی جار الله نویسنده «الوشیعه فی نقد عقائد الشیعه» و محمد ثابت نویسنده «الجوله» از معاصرین، مضرّ به اتحاد اسلامی است، فعالیت سیاست های استعماری مضر نیست.

اینها و امثال اینها هستند که با سمپاشی های خود، جامعه پاک و منزّه شیعه را در نظر توده عوام مردم سنی، مردمی کافر و ملحد و غالی معرفی کرده و راه هرگونه صمیمیت و برادری را، بر روی ملت های اسلامی سد می کنند و وقتی که جامعه شیعه با قلم این قبیل اشخاص کافر و دست پرورده ابن سبا معرفی شده، نتیجه مستقیمش اینست که راه هرگونه اتحاد و برادری بسته شود، ولی آیا نباید فکر تقریب را تأیید کرده و هر کس به اندازه وسع خود، این هدف شریف و عالی را تعقیب کند؟

بدیهی است که جواب مثبت است و ما هم به نوبه خود برای اینکه زمینه وحدت اسلامی را بیشتر مهیا کرده باشیم، دست به انتشار این کتاب و معرفی شیعه، آن طوری که هستند، نه آن طور که احمد امین ها و موسی جلاله ها و محمد ثابت ها می خواهند، زده ایم.

ما با این نشریه و سایر انتشارات خود، جامعه پاک شیعه را نه تنها به جهان تسنن، بلکه به دنیای امروز بشر، معرفی می کنیم تا دنیا خود، درباره نوشته های تهمت زندگان قضاوت کند، و با این ترتیب بسیار روشن است که برنامه کار ما خود، یک قدم وسیع و بزرگی است، که موجب

نزدیکی صمیمانه مسلمین می شود زیرا به طوری که اشاره شد، بزرگترین علت جدایی فرق مسلمین از یکدیگر، اینست که متأسفانه عالم تسنن هنوز درست به طرز فکر و چگونگی عقاید شیعه آشنا نیستند.

بنابراین، اگر ما در ضمن این کتاب بزرگ و سایر انتشارات خود جامعه شیعه را، آن طور که هست معرفی کنیم، بزرگترین قدم را در راه ایجاد حسن تفاهم و رفع بدبینی و خنثی نمودن تبلیغات مغرضین برداشته ایم.

این کتاب نتیجه مصاحبات استاد علامه، سید محمدحسین طباطبایی با پروفسور هانری کربن استاد دانشگاه سوربن (پاریس) است، متن آن به قلم خود استاد علامه تهیه شده است.

این کتاب به چهار زبان در دنیا منتشر می شود:

1- فارسی (کتاب حاضر).

2- عربی توسط دانشمند محترم سید موسی صدر (لبنان).

3- فرانسه توسط پروفسور هانری کربن (پاریس).

4- انگلیسی توسط جناب آقای دکتر نصر (تهران).

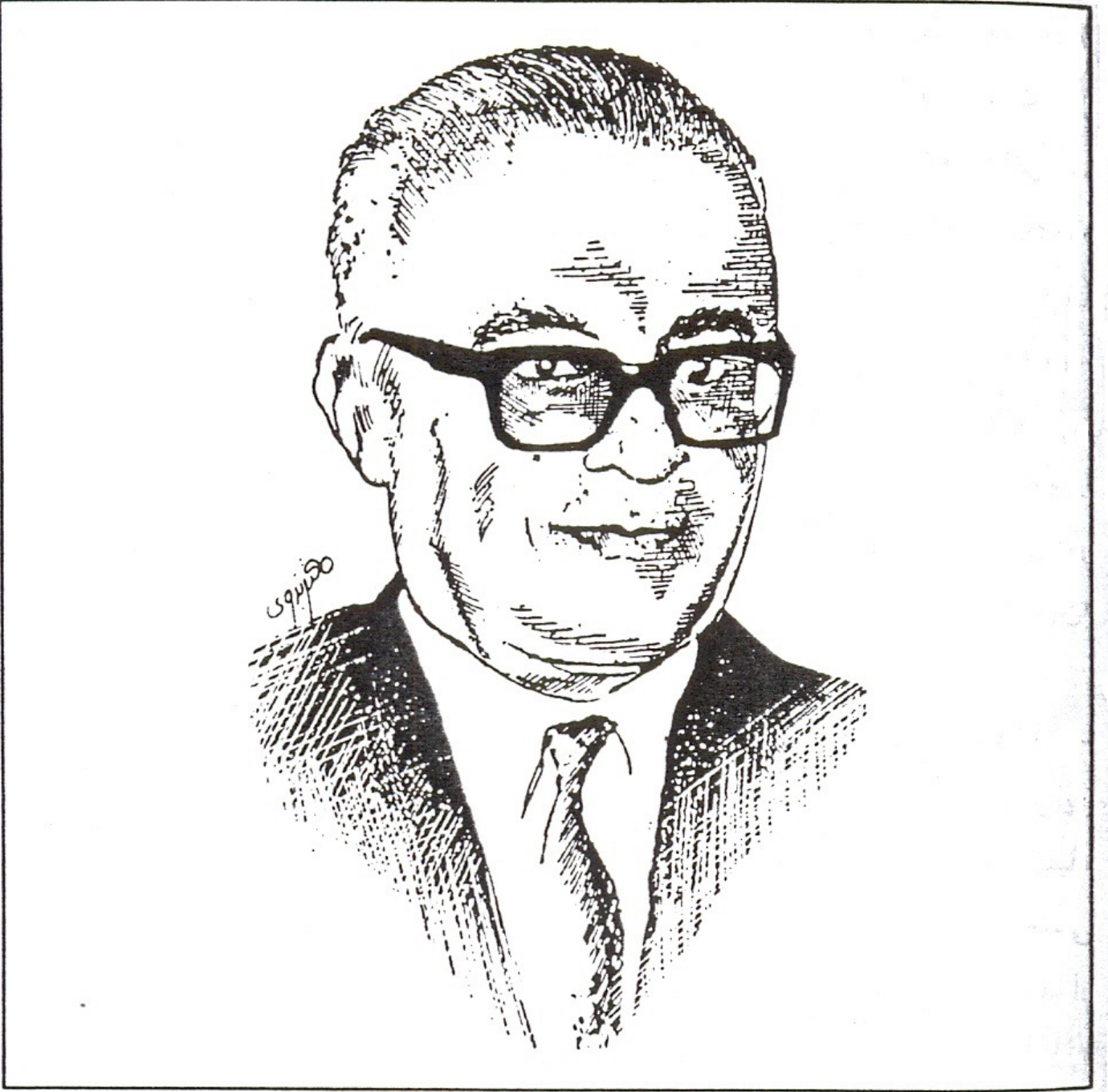
علی اکبر هاشمی

ص: 115



... در بخش اول این کتاب، ماجرای ترجمه کتاب استاد «اکرم زعیترا» درباره مسئله فلسطین - القضیه الفلستینیه - نقل گردید... و در این پیوست متن و ترجمه دو نامه مکتوب شده توسط مترجم و مؤلف، جهت آگاهی از چگونگی آغاز ترجمه و دلایل نشر آن، نقل می گردد.

و به تناسب، متن نامه ای را که بعدها، استاد اکرم زعیترا از عمان - پایتخت اردن - به اینجانب فرستاده است، می آورم که نشان دهنده صدق و صفای این برادر فرهیخته فلسطینی - اردنی است (ترجمه فارسی این نامه هم در بخش اول به تناسب نقل موضوع ترجمه کتاب، آمده است):



اکرم زعیترا

نامه آیت الله هاشمی

به:

استاد اکرم زعیتر

تاریخ 14/9/1342

18/7/1383

استاد محترم، جناب آقای اکرم زعیتر وفقه الله لما یحبّ و یرضی

بعد از تحیت و احترام و تجلیل؛

از جمله نعمت هایی که خداوند بر من و همه مسلمانان ایران عنایت فرموده، این است که چند ماه پیش کتاب ارزشمند القضیه الفلستینیه را به دست آوردم و چه کتاب سودمندی که جنایات استعمار و کارگزارش، صهیونیسم خبیث را آشکار ساخته است. با این کتاب ادعاهای پوچ و دلایل ضعیف صهیونیسم با مطالب استوار باطل می شود. نویسنده استاد آن به عمق حوادث فلسطین، این سرزمین پرارزش جهان اسلام، راه یافته و مطالب و موضوعاتی را که بیشتر، با حال حاضر کشورها و نسل های اسلامی ارتباط دارد و نیز مطالب مهم و پرفایده ای را ذکر کرده است که باید از آن ها پاس داشت.

ص: 119

من نمی توانم در مقابل این خدمت، کاری انجام دهم جز این که سپاس و ستایش خود را نثار تلاش های مؤلف دانای این کتاب بکنم که مطالبی برای این عصر و نسل عرضه داشته که بر کثرت علم و بسیاری فهم و آگاهی دلالت می کند و پژوهش و سبکی نوراً عرضه می دارد.

من با توجه به این که می دانستم مسلمانان ایران از ماجرای فلسطین محبوب و مصیبت هایی که بر سر برادران مسلمان ما وارد می شود و بلاهایی که ممکن است بر سر ملت های مسلمان به دست صهیونیسم جنایتکار وارد شود آگاه نیستند، بر خود و بر هر کسی که به اهمیت این مسأله آگاه است، واجب می دانم که حقایق این کتاب ارزشمند را در بین مردم مسلمان ایران منتشر سازد. از این رو به سرعت به ترجمه آن دست زدم با این که از خطری که متوجه من می شود، آگاه بودم.

من به دنبال محل اقامت شما می گشتم و زمانی که مطلع شدم سفیر کبیر اردن هاشمی در میهن ما ایران هستید، بسیار مسرور شدم که می توانم برای تکمیل کتاب به شما دسترسی داشته باشم و آفرین بر شما ای قهرمان میدان مبارزه.

در ابتدای کتاب دیدم که جناب شما درصدد تألیف کتاب مفصلی هستید که در آن به اندازه کافی حوادث و اسناد و اسرار قضیه فلسطین را تبیین می کند و به نوشتن آن نیز مشغولید. از جناب عالی می خواهم هر چه سریع تر به نامه ام پاسخ گوید و در ضمن، اجازه ترجمه را عنایت نمایید و نیز هر منبع و سند تاریخی و غیرتاریخی را که ممکن است به مطالب کتاب ضمیمه شود، ارسال دارید. من منتظر جواب به

همراه ملحقات کتاب هستم. به زودی به زیارت شما نایل خواهم شد. إن شاء الله.

در پایان، سلام و درود برادر و دوستدارتان را بپذیرید.

اکبر هاشمی رفسنجانی

خوشحال می شوم که شماره اخیر کتاب خودمان «مکتب تشیع» را تقدیم شما کنم که در آن مقاله من: «اسرائیل و فلسطین»، در سال گذشته چاپ شده است. امیدوارم منت بگذارید آن را بپذیرید

و بخوانید.

ص: 121

انتشارات

مکتب تشیع

قم - صندوق پستی شماره ۳

شماره

تاریخ ۱۳۸۸/۰۷/۰۳

پست

سالی الاستاذ اکرم زعیر الحرم وفقه الله له لا یرقی

تحتہ واطراً وکلمة وبعید:

انها نعمة بهيئت على وعلى سلى ابرون، ان ظفرت قبل انشر بكنائهم الثمين تقيس
 «الفضية الفلطية» فيالمن كتاب قد اوضح جبايات الاسرار وعالمهم الصهيونية
 الخبيثة وبهذا الكتاب قد ابرق من اعم الصهيونية الباطلة ورام طال اليه المحلقة
 المقت قد ادرحض عجم الضميمة الخفية وجدت مؤلفه الاستاذ قد غاص بحجر
 الحوادث الواقعة في فطن البقية الثمينة من المناطق الاسلامية واخذ
 كثير من المطالب والوقوف ما هو اخطر موضوعاً واحكم منطقاً واكثر افادة
 واداء رباطاً لما ضرب البلاد الاسلامية والاجيال واذكر لما يترجم التحفظ عليهم
 واننى كما يعنى ان ان اقوم بما يجب على من تقديم الشكر والتناء على عود
 مؤلفه العلامة الجبر على ما اسداه للعصر والاجيال ما يدل على عناية علم ودفرة هم
 والسلاخ وروح والفرق، بعيد المدي وسكب باي ع
 انى مع ما كنت اعلم والله من غفلة سلى ابران من حظورة الحادته في
 فطينا اليه وجرهم باجرى ويجرى على افراننا المسلمين من البلاد واللات

نامه به عربى، براى استاد اكرم زعير، با دست خط هاشمى رفسنجانى، صفحه اول

تاریخ 23/12/1963

آقای من، استاد محترم هاشمی رفسنجانی

السلام علیکم ورحمه الله وبرکاته

نامه بزرگوارانه شما به دستم رسید و بسیار شادمان شدم و در جواب دادن به آن درنگ کرده بودم آن زمانی که شماره اخیر مکتب تشیع را دریافت کردم و به دقت در آن نگریدم. با این که با زبان فارسی آشنایی ندارم، بسیاری از مفاهیم مقاله نفیس شما به نام «اسرائیل و فلسطین» را دریافتم و از خدا خواستم که از جانب فلسطین و اسلام به شما جزای خیر بدهد.

ترجمه کتاب من «القضیه الفلستینیة» به زبان فارسی، کاری بزرگ و ستودنی است و بنده از ترجمه نیکوی شما سپاس گزارم و تأکید می‌کنم که این ترجمه، خدمتی بزرگ برای فلسطین است که در حقیقت قضیه اسلام است، زیرا از مهم ترین انگیزه های عمل جدی برای یاری فلسطین این است که مسلمانان از حقایق و تاریخ آن آگاهی یابند و حجم قربانی هایی که فلسطینیان در راه قدس انجام داده اند درک کنند؛ فلسطینیانی که مقدر بوده است که به شرف پاسداری از مقدسات اسلامی گمارده شوند. چنانکه می‌دانید نبرد پایان نیافته است. اکنون همه سرزمین های عربی و ملت های اسلامی می‌دانند که استقلال و آقایی و کرامت آنان آسیب پذیر است مادامی که اسرائیل چون گرگ

ص: 124

خون آشامی بر سرزمین مقدس دارالاسلام، چنگ انداخته باشد.

برادر عزیزم! برگه ها و سندهایم با من نیست تا اطلاعات بیشتری از آن چه در کتاب القضیه الفلسطينیه آمده، تقدیمتان کنم، ولی خطابه ام را در کمیسیون خاص سیاسی در سازمان ملل متحد در دوره شانزدهم آن، به سال 1962 در اثنای بحث در مورد قضیه فلسطین و نیز خطابه ام را که در کنفرانس عام اسلامی مکه، در ذوالحجه سال 1381 هجری با حضور گروهی از بزرگان مسلمان ایراد شد، برایتان می فرستم. پس اگر آن دو خطابه به نظرتان جالب آمد، می توانید به زبان فارسی ترجمه کنید و به کتاب ملحق سازید که چنین کاری از طرف شما نیکی و لطفی است که صورت می گیرد.

در پایان بر شما درود می فرستم و از خدا می خواهم که به این کار و کارهای دیگری که در مورد فلسطین انجام می دهید پاداش مجاهد راه خدا به شما بدهد و شما را جزء نیکانی قرار دهد که خداوند بدانان نعمت داده است.

مخلص شما، اکرم زعیتر

ص: 125



EMBASSY OF THE HASHEMITE KINGDOM
OF JORDAN
TEHRAN

التاريخ ١٩٦٣/١٢/٢٣

سيدي الامتداد اكرهاشمي رفسنجاني المحترم

السلام عليكم ورحمة الله وبركاته - ومسد قد شرفني كتابكم الكريم وكان سروري به
بالفا. وقد تريت في الاجابة طيه ربما ظقت العدد الاخير من كتاب " مكتب تشيع "
الذي تصنحه ، وطى جهلي اللغة الفارسية فقد تبيت الكثير من معني ما ورد في مقالكم
النفيس " اسرائيل و فلسطين " ودعوت الله ان يشيكم من فلسطين والاسلام خيرا .
ان نلتكم كتابي (القضية الفلسطينية) الي اللغة الفارسية هو فضل عظيم مذكور
وجهد مهير ، واني اذا عرب لكم عن ظيم شكري لمتيكم هذا او كد لكم ان هذه الترجمة
هي خدمة جليلة للقضية الفلسطينية التي هي قضية الاسلام لان من اهم حوافز
العمم الاسلامية وواعت العمل الجدى لتصرف هذه القضية ان يفت المسلمون طي حقائقها
وان يتبينوا تاريخها وان يدركوا ضخامة تضحيات الفلسطينيين الذين شامت الاقداران تنيط
بهم شرف حراسة المقدسات الاسلامية . والمعركة كما تعلمون لما تنقسه وكل بلدهي
بشمران استقلاله منقوس سيادته متيرة وكل شعب اسلامي بشمران كراضه مطلوب
وان شرفه جريح ما دامت " اسرائيل " جائرة طي حدودنا في تلك البقعة المقدسة من دار الاسلام

سيدي الاخ

ليست اوراقى ووثاقي معي حتى ازيدك باكثر مما في كتابي (القضية الفلسطينية)
ولكنني باعت اليك بخطابي الذي القته في اللجنة السياسية الخاصة في الامم المتحدة
في دورتها السادسة عشرة سنة ١٩٦٢ في اثنا مناقشتها قضية فلسطين . كما انني باعت اليك
بخطابي الذي القته في المؤتمر الاسلامي المام الضمقد بمكة في ذي الحجة سنة
١٣٨١ هجيرة بحضور نخبة من اقطاب المسلمين فاذا راققت لك ترجمتها الي اللغة الفارسية
والحاقها بالكتاب كان ذلك امعا ^{بالحق} منك في القتل ^{والقتل} في المعروف .
وخطا ابطك تحياتي مشفوعة بالدعاء الي الله ان يكتب لك فيما صنعت وتنتع من اجل
فلسطين اجبر مجاهد وان يضعك مع الذين انعم الله عليهم من الابرار .

متن پاسخ اكرم زعيتر

۱۰/۱۱ ۱۹۹۹

په نامه از عمان

عمان

نهیة الایح استاد صیدھاری المردوشاهی

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته وبعد فقد كنت تلقت منذ مدة
 کتاب - اصل الشیعة واسرها - لمؤلفه ابوام محمد السیخ آل لایف الطاء
 حدیة تھیبة من نصیحتکم . ولم تسخ فی طبعه عمالی آنشد ان
 اقراه ؛ وکنی وجدت هذه الايام من الوقت بالیسری بقراءة
 الکت المرکوبة مؤلفته فبارت ائی قراوة کتاب " اصل الشیعة واسرها "
 قرائته وشرق وعرشته مرناً ذکذا لذی وودت ان استخفنه او صول
 الشیعة علی لسان احد ائمتها وجمع وذلک عرفت شعراً استاذنا
 المرفیق کانف الطاء سنة سبع وثلثین من یدوم اسرق علی التور ایضاً
 قد تقدس وائم الجبابة والمسند وذلک فی رد الله فربه وبقده زلمه
 الایة . كما انی ذرته فی النجف الاشرف بعد ذکذا فذلک من الله
 تواتر الکتب وافتت منه کثیراً وعلنی ایتراً ما علم ان العلم
 واثبات ان هذا کتاب يجب ان یقراه فوسلم شیعیان
 او شیخاً . اما السیخ فینهم اصول مذنبه فها صادقاً فلا یقلو
 ولا یسلطه وحسن انه فرع من الدعوة المحمدیة . واما السن
 فیعلم ان ما فشتی بجزء وانطق ذلک من الذنب السیخ اوصم
 سبلاً فلو له بهذا السیخیه . وجرئت من لدنه هو
 فذمور الشیعة .
 فکان کتاب الایح کانف الطاء هو الذی یقراب به المنصبه
 ویدعو الی الدعوة الاسلامیة . فالسنة السیخیة کلها من رسول الله
 یلتفت
 ان لو کتم ان نرصد انذاب بالفارسیة والبریة علی اوسع
 نظامه هو جهاد فی سبیل الله ووجهة الی الاملا حکمة الله فینکم الله ویتکم
 وایح المسلمین ببرد وجمودکم .
 الحمد لله
 جرم زینب

متن اصلی نامه اکرم زعیتر به اینجانب، از عمان، که ترجمه فارسی آن در بخش اول کتاب آمده است.

... در بخش نخست این کتاب، نکاتی چند از بیانات حضرت آیت الله خامنه ای، در دفاع از شخصیت و مقام علمی و مبارزاتی آیت الله هاشمی رفسنجانی و نقش ایشان در امور مبارزات نقل کرده بودم که پس از چاپ و نشر آن در ویژه نامه روزنامه «اطلاعات»، یکی از دوستان تذکر داد که آیت الله خامنه ای، نکات بسیار دقیق تر و عمیق تری، در طول سالیانی متمادی درباره مسئولیت های آیت الله هاشمی بیان داشته اند که در مقدمه کتاب: «هاشمی در سال 88» تألیف جناب حجت الاسلام والمسلمین رضا صنعتی، به طور مشروح نقل شده است و بسیار مناسب خواهد بود که به تناسبی آن نکات را نیز نقل کنید!

اتفاقاً در آخرین دیدار با آیت الله هاشمی رفسنجانی در محل کار ایشان، این کتاب را که روی میز ایشان قرار داشت با یادداشتی، به این جانب «هدیه» دادند که پس از مراجعه به آن، اهمیت نکات ذکر شده روشن گردید و اینک به تناسب موضوع این کتاب - خاطراتی درباره آیت الله هاشمی - به نقل متن تلخیص شده آن مطالب و نکات، برای «ثبت در تاریخ» و «تذکار برای اهل تاریخ» می پردازیم:

... آیت الله اکبر هاشمی رفسنجانی از جمله شخصیت های مؤثر در پیروزی و تداوم انقلاب اسلامی ایران است. وی مجموعه ای از سوابق و تجارب علمی، مذهبی، انقلابی، سیاسی و اجرایی را در خود جمع کرده است. عضویت در شورای انقلاب، سرپرستی وزارت کشور، ریاست مجلس شورای اسلامی (دوره اول و دوم)، جانشینی امام در قوای مسلح (فرماندهی جنگ)، ریاست جمهوری (دوره پنجم و ششم)، ریاست مجمع تشخیص مصلحت نظام و ریاست مجلس خبرگان رهبری، نمونه هایی از سوابق اجرایی اوست.

علاوه بر این، تعبیر گوناگونی از سوی امام و رهبری در معرفی وی به کار رفته است.

حضرت امام خمینی (ره) درباره وی می فرماید که «من آقای هاشمی را بزرگ کردم»⁽¹⁾

و پس از ترور نافرجام او توسط گروهک منافقین، در پیامی به همین مناسبت وی را «مجاهدی متعهد»⁽²⁾

و از جمله

ص: 129

1- صحیفه امام، ج 15، ص 200.

2- صحیفه امام، ج 7، ص 495.

«شخصیت های ارزنده انقلابی»⁽¹⁾ نامیده، ضمن مقایسه او با شهید مدرس می فرمایند: «مردان تاریخ تا آخر زنده هستند. بدخواهان باید بدانند هاشمی زنده است چون نهضت زنده است.»⁽²⁾

حضرت آیت الله خامنه ای (دامت برکاته) نیز مجموعه ای از ویژگی های برجسته را در زمینه های گوناگون برای وی برشمرده اند که به مواردی از آنها اشاره می کنیم.

مقام معظم رهبری در زمینه علمی با تعابیری چون «عالم»⁽³⁾

«عالمی مجاهد»⁽⁴⁾

«عالمی متفکر»⁽⁵⁾

«فقیهی اسلام شناس»⁽⁶⁾

«فقیهی زمان شناس»⁽⁷⁾

«یک مجتهد قطعی»⁽⁸⁾

«یک مجتهد از لحاظ درس های حوزه ای»⁽⁹⁾

«یک متفکر سطح بالا با سوابق فراوان از لحاظ تفکرات اسلامی»⁽¹⁰⁾ از وی یاد کرده اند.

در زمینه سوابق انقلابی و مبارزاتی نیز از وی به عنوان یک «روحانی انقلابی»⁽¹¹⁾

که «منورتر، روشن تر، سابقه دارتر، شناخته شده تر،

ص: 130

1- صحیفه امام، ج 7، ص 495.

2- صحیفه امام، ج 7، ص 495.

3- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه ای، دیدار با نمایندگان پنجمین دوره مجلس شورای اسلامی، 29 خرداد 1375.

4- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه ای، حکم تنفیذ اولین دوره از ریاست جمهوری آیت الله هاشمی، 12 مرداد 68.

5- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه ای، حکم تنفیذ دومین دوره از ریاست جمهوری آیت الله هاشمی، 12 مرداد 72.

6- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه ای، حکم تنفیذ اولین دوره از ریاست جمهوری آیت الله هاشمی، 12 مرداد 68.

7- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه ای، حکم تنفیذ اولین دوره از ریاست جمهوری آیت الله هاشمی، 12 مرداد 72.

8- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه ای، دیدار با گروه کثیری از آزادگان و اقشار مختلف مردم، 11 مهر 69.

9- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه ای، دیدار با گروه کثیری از آزادگان و اقشار مختلف مردم، 11 مهر 69.

10- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه ای، دیدار با گروه کثیری از آزادگان و اقشار مختلف مردم، 11 مهر 69.

11- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه ای، دیدار با اعضای هیئت دولت، 9 مرداد 1376.

دردآشنا تر، رمزآشنا تر از ایشان با مسائل انقلاب، کس دیگری را سراغ نداشتیم»، (1) «شخصیتی که پرونده تلاشش در راه خدا و مجاهدتش برای حاکمیت دین و اعلای کلمه اسلام، حتی پیش از نخستین روزهای شروع نهضت آغاز شده و سرگذشت رنج ها، سختی ها و فعالیت های کم نظیر را در خود گنجانیده است»، (2)

«از شخصیت هایی که از دوران نشو و نمای این نهضت، در وسط میدان و در صفوف مقدم حضور داشتند و همان سختی ها و رنج ها و شکنجه ها را چشیده»، (3) «کتک خورده انقلاب»، (4)

«مردی بزرگ از سابقین اولین انقلاب»، (5)

«از اصلی ترین افراد نهضت در دوران مبارزات»، (6) «از مبارزین جدی و پیگیر قبل از انقلاب»، (7)

که «قبل از انقلاب اموال خودش را صرف انقلاب می کرد و به مبارزین می داد»، (8)

یاد می کنند.

حضرت آیت الله خامنه ای همچنین در مقام بیان رابطه متقابل آیت الله هاشمی رفسنجانی و امام خمینی (ره) از وی با عباراتی چون «از حواریین امام عظیم الشان»، (9)

«از انصار دیرین امام»، (10)

«یاور صمیمی

ص: 131

- 1- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه ای، مراسم بیعت رییس و کلیه نمایندگان مجلس شورای اسلامی، 24 خرداد 1368.
- 2- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه ای، حکم تنفیذ اولین دوره از ریاست جمهوری آیت الله هاشمی، 12 مرداد 68.
- 3- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه ای، دیدار با هیئت دولت، 1 شهریور 69.
- 4- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه ای، دیدار با فرماندهان بسیج سراسر کشور، 27 آبان 1371.
- 5- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه ای، حکم تنفیذ دومین دوره از ریاست جمهوری آیت الله هاشمی، 12 مرداد 72.
- 6- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه ای، خطبه های نماز جمعه تهران، 29 خرداد 88.
- 7- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه ای، خطبه های نماز جمعه تهران، 29 خرداد 88.
- 8- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه ای، خطبه های نماز جمعه تهران، 29 خرداد 88.
- 9- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه ای، حکم تنفیذ اولین دوره از ریاست جمهوری آیت الله هاشمی، 12 مرداد 68.
- 10- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه ای، تنفیذ دومین دوره از ریاست جمهوری آیت الله هاشمی، 12 مرداد 72.

امام»، (1) «چهره موجهی که به برکت حرکت در صراط مستقیم انقلاب، همواره امین امام بوده»، (2) «مایه امید و مورد علاقه و اعتماد امام در همه امور سیاسی و نظامی در کشور»، (3) کسی که «امام در تمام طول دوران انقلاب و قبل از آن و بیشتر از همه بعد از انقلاب تا لحظه وفاتشان، نهایت اعتماد و اطمینان را به او داشتند. این قدر مورد اعتماد امام بود، این قدر به امام (قدس سره) نزدیک بود»، (4) «حرف های امام را بیشتر شنیده، درد دل های امام را بیشتر از دیگران شنیده و خیر دارد»، (5)

«از مؤثرترین شخصیت های جمهوری اسلامی در کنار امام» (6) که «حضور فداکارانه و مدبرانه ایشان در صحنه های جنگ تحمیلی... همیشه مورد تشکر امام بزرگوارمان بوده» (7)

است، یاد می کنند.

مقام معظم رهبری همچنین به برخی ویژگی های اخلاقی و معنوی آقای هاشمی اشاره کرده و علاوه بر آن که وی را «جزو صلحای زمان» (8)

می نامند، با تعبیری چون «مردی مؤمن»، (9)

«متدین و متعبد»، (10)

ص: 132

- 1- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه ای، حکم تفیذ اولین دوره از ریاست جمهوری آیت الله هاشمی، 12 مرداد 68.
- 2- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه ای، حکم تفیذ اولین دوره از ریاست جمهوری آیت الله هاشمی، 12 مرداد 68.
- 3- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه ای، دیدار جمع زیادی از آزادگان، 29 مرداد 1369.
- 4- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه ای، دیدار جمع کثیری از علما، روحانیون، مسئولان و اقشار مختلف مردم خراسان، 11 مهر 1369.
- 5- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه ای، دیدار جمع کثیری از علما، روحانیون، مسئولان و اقشار مختلف مردم خراسان، 11 مهر 1369.
- 6- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه ای، های نماز جمعه تهران، 29 خرداد 88.
- 7- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه ای، دیدار با هیئت دولت، 1 شهریور 69.
- 8- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه ای، دیدار با اعضای هیئت دولت، 3 شهریور 72.
- 9- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه ای، دیدار با نمایندگان پنجمین دوره مجلس شورای اسلامی، 29 خرداد 1375.
- 10- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه ای، دیدار با اعضای هیئت دولت، 9 مرداد 1376.

اهل «شکسته نفسی»، (1)

«مجاهد فی سبیل الله»، (2)

«چهره ی منور نظام جمهوری اسلامی»، (3)

«مردی بزرگ از فرزندان اسلام»، (4)

«یک بسیجی»، (5)

«بسیجی میدان جنگ دیده»، (6)

«خطر کشیده»، (7)

«یک بسیجی حقیقی»، (8)

«مجاهدی خستگی شناس»، (9)

«مبارزی»، (10)

که «عمر شریف خود»، (11)

را در «جهاد»، (12)

و «در راه دفاع از اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله و مجاهدت برای تحقق حاکمیت کامل قرآن و عمل به شریعت و طرفداری از محرومین و مستضعفین و کوشش برای ریشه کن کردن فقر و محرومیت و استقرار عدالت اجتماعی گذرانده»، (13)

ص: 133

1- مقام معظم رهبری در دیداری با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی می فرمایند: «البته ایشان [آقای هاشمی] شکسته نفسی می کنند؛ اما واقعاً این طور است. همان وقت ها هم من همیشه به رفقا می گفتم که اگر آقای هاشمی یک بار در جلسه ما شرکت می کنند، ما در آن جلسه یک عالم پیشرفت می کنیم.» (همان، سخنرانی در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، 19 آذر 69)

2- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه ای، دیدار با نمایندگان پنجمین دوره مجلس شورای اسلامی، 29 خرداد 1375.

3- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه ای، حکم تنفیذ دومین دوره از ریاست جمهوری آیت الله هاشمی، 12 مرداد 72.

4- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه ای، حکم تنفیذ اولین دوره از ریاست جمهوری آیت الله هاشمی، 12 مرداد 68.

5- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه ای، دیدار با فرماندهان بسیج سراسر کشور، 27 آبان 1371.

6- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه ای، دیدار با فرماندهان بسیج سراسر کشور، 27 آبان 1371.

7- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه ای، دیدار با فرماندهان بسیج سراسر کشور، 27 آبان 1371.

8- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه ای، دیدار با فرماندهان بسیج سراسر کشور، 27 آبان 1371.

9- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه ای، حکم تنفیذ اولین دوره از ریاست جمهوری آیت الله هاشمی، 12 مرداد 68.

10- همایپایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه ای، ن، دیدار با فرماندهان لشکر 27 محمد رسول الله صلی الله علیه و آله، 20 خرداد 1375.

- 11- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه ای، حکم تنفیذ اولین دوره از ریاست جمهوری آیت الله هاشمی، 12 مرداد 68.
- 12- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه ای، دیدار با فرماندهان لشکر 27 محمد رسول الله صلی الله علیه و آله، 20 خرداد 1375.
- 13- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه ای، حکم تنفیذ دومین دوره از ریاست جمهوری آیت الله هاشمی، 12 مرداد 72.

«برادر مهربانی برای ضعیفان»، (1) «شب و روز جهاد می کند»، (2)

«در حساس ترین مقاطع در خدمت انقلاب و نظام بوده»، (3) «در میدان های دشوار؛ لیاقت، امانت، صلاح، کاردانی و برجستگی او آزموده شده است»، (4)

«در صحنه های جنگ تحمیلی حضور فداکارانه و مدبرانه داشته»، (5) «بارها تا مرز شهادت پیش رفته»، (6)

«دارای زندگی ساده و بی تشریفات» (7) به شکلی که «هیچ موردی را سراغ نداریم که برای خودش از انقلاب یک اندوخته ای درست کرده باشد» (8)

و کسی که «عقل و احساس مسئولیت را همیشه در وی مشاهده کرده ایم» (9) از او یاد می کنند.

ایشان همچنین در زمینه سیاسی آیت الله هاشمی رفسنجانی را «سیاست مداری» (10) می نامند که «در شناخت مسائل و مضایق و پیدا کردن راه حل ها» (11) با «هوشمندی» (12)

رفتار می کند.

ص: 134

- 1- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه ای، حکم تنفیذ دومین دوره از ریاست جمهوری آیت الله هاشمی، 12 مرداد 72.
- 2- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه ای، دیدار با فرماندهان لشکر 27 محمد رسول الله (ص)، 20 خرداد 75.
- 3- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه ای، خطبه های نماز جمعه تهران، 29 خرداد 88.
- 4- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه ای، حکم تنفیذ اولین دوره از ریاست جمهوری آیت الله هاشمی، 12 مرداد 68.
- 5- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه ای، دیدار با هیأت دولت، 1 شهریور 69.
- 6- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه ای، خطبه های نماز جمعه تهران، 29 خرداد 88.
- 7- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه ای، دیدار با مدیران و مسئولان مطبوعات کشور، 13 اردیبهشت 75.
- 8- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه ای، خطبه های نماز جمعه تهران، 29 خرداد 88.
- 9- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه ای، دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری، 19 اسفند 89.
- 10- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه ای، حکم تنفیذ اولین دوره از ریاست جمهوری آیت الله هاشمی، 12 مرداد 68.
- 11- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه ای، دیدار با اعضای هیأت دولت، 9 مرداد 1376.
- 12- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه ای، حکم تنفیذ اولین دوره از ریاست جمهوری آیت الله هاشمی، 12 مرداد 68 و دیدار با اعضای هیئت دولت، 9 مرداد 1376.

حضرت آیت الله خامنه ای همچنین در زمینه های اجرایی و مدیریتی از آقای هاشمی با تعبیری چون «مسلط بر امور کشور»، (1) «مدیر کاردانی برای کشور»، (2)

«مجرب و کارآزموده»، (3)

«مدیری درآشنا و دلسوز»، (4)

اهل «اقدام کردن شجاعانه در مورد کارهای بزرگ»، (5) «برخوردار از روحیه ابتکار و نوآوری»، (6)

«برخوردار از همت بلند»، (7)

«برخورداری از روحیه پرکاری»، (8)

«برخوردار از روحیه ورود در میدان های جدید و نایموده»، (9) «نترسیدن از طرح های بزرگ»، (10)

«دارای شیوه مدیریت باز»، (11)

«دارای ایمان عمیق به توانایی خود»، (12)

و «کارآمد»، (13)

یاد کرده اند.

حضرت آیت الله خامنه ای همچنین در بیان نوع رابطه رهبر با آیت الله هاشمی رفسنجانی به سابقه «همکاری، رفاقت» (14)

و «شناخت بیش از

ص: 135

-
- 1- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه ای، دیدار با نمایندگان پنجمین دوره مجلس شورای اسلامی، 29 خرداد 75.
 - 2- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه ای، حکم تفیذ اولین دوره از ریاست جمهوری آیت الله هاشمی، 12 مرداد 68.
 - 3- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه ای، دیدار با نمایندگان پنجمین دوره مجلس شورای اسلامی، 29 خرداد 75.
 - 4- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه ای، حکم تفیذ اولین دوره از ریاست جمهوری آیت الله هاشمی، 12 مرداد 68.
 - 5- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه ای، دیدار با اعضای هیئت دولت، 9 مرداد 1376.
 - 6- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه ای، دیدار با اعضای هیئت دولت، 9 مرداد 1376.
 - 7- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه ای، دیدار با اعضای هیئت دولت، 9 مرداد 1376.
 - 8- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه ای، دیدار با اعضای هیئت دولت، 9 مرداد 1376.
 - 9- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه ای، دیدار با اعضای هیئت دولت، 9 مرداد 1376.
 - 10- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه ای، دیدار با اعضای هیئت دولت، 9 مرداد 1376.
 - 11- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه ای، دیدار با اعضای هیئت دولت، 9 مرداد 1376.
 - 12- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه ای، دیدار با اعضای هیئت دولت، 9 مرداد 1376.
 - 13- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه ای، دیدار با اعضای هیئت دولت، 9 مرداد 1376.

اشاره کرده و از او با عنوان «برادر عزیز و همسنگر دیرین» (3) و کسی که «بعد از رحلت امام تا امروز در کنار رهبری» (4) بوده یاد کرده و در مقطعی تصریح کرده اند که «برای شخص من، هیچ کس آقای هاشمی رفسنجانی نخواهد شد.» (5)

و بالاخره مجموعه این ویژگی‌ها باعث شده است تا مقام معظم رهبری از وی به عنوان «رکن رکن انقلاب» (6)،

«بازوی توانا و زبان گویای نظام جمهوری اسلامی» (7)، «از ذخایر انقلاب» (8)،

«از چهره‌های برجسته نظام» (9)،

و «نقش آفرین در عرصه‌های مهم نظام اسلامی» (10) و کسی که «فایده‌اش برای انقلاب و اسلام، برای همه واضح و روشن می‌باشد» (11) یاد کنند. (12)

ص: 136

- 1- از سال 1336 شمسی.
- 2- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه‌ای، خطبه‌های نماز جمعه تهران، 29 خرداد 88.
- 3- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه‌ای، پیام به مناسبت حضور پرشور ملت ایران در مرحله دوم انتخابات ریاست جمهوری، 4 تیر 1384.
- 4- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه‌ای، خطبه‌های نماز جمعه تهران، 29 خرداد 88.
- 5- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه‌ای، مصاحبه پس از رأی‌گیری در انتخابات ریاست جمهوری، 2 خرداد 1376.
- 6- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه‌ای، حکم تنفیذ اولین دوره از ریاست جمهوری آیت الله هاشمی، 12 مرداد 68.
- 7- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه‌ای، حکم تنفیذ اولین دوره از ریاست جمهوری آیت الله هاشمی، 12 مرداد 68.
- 8- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه‌ای، پیام به مناسبت حضور پرشور ملت ایران در مرحله دوم انتخابات ریاست جمهوری، 4 تیر 1384.
- 9- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه‌ای، پیام به مناسبت حضور پرشور ملت ایران در مرحله دوم انتخابات ریاست جمهوری، 4 تیر 1384.
- 10- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه‌ای، پیام به مناسبت حضور پرشور ملت ایران در مرحله دوم انتخابات ریاست جمهوری، 4 تیر 1384.
- 11- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه‌ای، سخنرانی در جمع ائمه جمعه سراسر کشور، 7 خرداد 69.
- 12- کتاب: هاشمی در سال 88، تألیف: رضا صنعتی، چاپ پنجم تهران، انتشارات سلمان فارسی، ص 10 - 15.

... این نکات ارزشمند که در بیانات حضرت آیت الله خامنه ای در طول سالیانی متمادی آمده است، برای ثبت در تاریخ و هشدار به معاندان و معارضان غیرمتشع، در این کتاب نقل گردید...

ص: 137



گزارش مواضع آیت الله هاشمی رفسنجانی
در سال ۸۸

هاشمی در سال ۸۸

رضا صنعتی



صفحه اول کتاب: هاشمی در سال ۸۸

- با دستخط آقای هاشمی رفسنجانی -

ص: 138

پیوست 4: نامه ای به مقام معظم رهبری

به دنبال اقدام غیر مشروع و غیر اخلاقی و غیر مسئولانه یکی از کاندیداهای ریاست جمهوری - احمدی نژاد - ، در نقل اتهاماتی علیه آیت الله هاشمی رفسنجانی، آن هم در ملاء عام - تلویزیون ملی ایران - ایشان نامه ای خطاب به آیت الله خامنه ای رهبری معظم نوشته اند که باز برای «ثبت در تاریخ» متن آن را در این کتاب نقل می کنم:

بسم الله الرحمن الرحيم

مقام معظم رهبری آیت الله خامنه ای زیده عزّه

متأسفانه اظهارات عاری از حقیقت و غیر مسئولانه آقای احمدی نژاد در جریان مناظره با مهندس موسوی و مقدمه چینی های قبل و حوادث بعد از آن، خاطرات تلخ اظهارات و اقدامات منافقان و گروهک های ضدانقلاب در سالهای اول بعد از پیروزی انقلاب و نیز تهمت زدن ها در انتخابات 84 و انتخابات مجلس ششم و لجن پراکنی های باند پالیزدار که در دادگاه محکوم شده را به نمایش گذاشت و از آنجا که بخشی از

ص: 139

این اظهارات قبلاً در رسانه های دولتی و آتش تهیه آن در سخنرانی مشهد مقدس مطرح شده، ادعای اینکه مطالب او تحت تأثیر فضای مناظره گفته شده و فاقد برنامه ریزی قبلی است، پذیرفتنی نیست و گویا برای تحت الشعاع قراردادن گزارشهای مستند و مکرر دیوان محاسبات در خصوص مفقودالاثربودن یک میلیارد دلار و ارتکاب چند هزار تخلف در اجرای بودجه ها می باشد و شاید هم رقیب اصلی خود را افتخارات ربع قرن انقلاب اسلامی می داند.

ده ها میلیون نفر در داخل و خارج ناظر دروغ پردازیها و خلافگویی هایی بودند که برخلاف شرع و قانون و اخلاق و انصاف، افتخارات نظام اسلامی مان را نشانه گرفته بود.

زیر سؤال بردن تصمیمات بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و تلاشهای امام راحل و مردم مسلمان و متعهد و روحانیت عظیم القدر که در نیم قرن گذشته با مجاهدت های خویش توانستند بنای باشکوه نظام اسلامی را ایجاد و مستقر و بالنده کنند، از این بدتر نمی شد. دوران مشعشعی که خود شما پشت سر امام(ره) در قامت مجاهد پیشتان، رئیس جمهور و نهایتاً رهبری نظام نقش و مسئولیت های ممتازی بعهدہ داشته اید.

نقطه قابل توجه در این تهمت ها این است که غیر مستقیم، مقام ولایت در زمان رهبری امام راحل و جناب عالی که هادی دولت ها بوده اید و با اظهارات صریح، مدیریت ها را مورد تأیید و تحسین قرار داده اید، نشانه گرفته است.

بعد از جریان شوم 14 اسفندماه 1359 با ارشاد امام و بنیان گذار جمهوری اسلامی، شهید مظلوم دکتر بهشتی و جناب عالی و اینجانب که در شعارهای مردمی به عنوان «سه یاور خمینی» شناخته شده بودیم، با همراهی نیروهای انقلابی و بخصوص نمایندگان متعهد مجلس اول و حزب جمهوری اسلامی توانستیم در جهت زدودن غبارهای ابهامات و سم پاشی ها اقدامات مؤثری انجام دهیم و امام راحل درد آشنا با تشکیل گروه حقیقت یاب و داور، بخشی از حقایق را آشکار کردند. نتایج آن، آگاهی بیشتر مردم و رسوایی فتنه گران و در نهایت نجات کشور از خطری بود که دشمنان استکباری و ضد انقلاب طراحی کرده بودند.

البته اینجانب قصد ندارم که دولت موجود را مثل دولت بنی صدر معرفی کنم و یا سرنوشتی شبیه آن دولت را برای این دولت بخواهم، بلکه مقصود این است که باید مانع گرفتار شدن کشور به سرنوشت آن روزگار شد.

اینجانب برای پرهیز از آلوده شدن فضای سیاسی کشور در آستانه انتخابات به تشنجات بیشتر، از عکس العمل فوری که مورد انتظار ملت است، خودداری کردم.

در مراسم بزرگداشت سالگرد امام(ره) به آقای احمدی نژاد گفتم که در اظهارات او خلاف گویی های فراوانی وجود داشته و ادعای کذب تماس تلفنی من با یکی از سران عرب و ادعای کارگردانی مبارزات انتخاباتی رقبا و اتهامات ناروا به جمعی از بزرگان نظام، از جمله جناب آقای ناطق نوری و فرزندان من و بدتر از همه زیرسئوال

بردن اقدامات امام راحل را یادآوری و پیشنهاد کردم با صراحت اتهام های نادرست را پس بگیرد که نیازی به اقدامات قانونی افراد و خانواده هایی که ناجوانمردانه و مظلومانه هدف تیرهای ناسزاگویی قرار گرفته اند، نباشد.

از صدا و سیما هم خواسته شد که فرصتی در اختیار طرفهای ذیحق براساس مقررات سازمان قرار دهد که از خود دفاع نمایند. گرچه در گذشته به بخشی از این اتهامات پاسخ داده شده و رئیس قوه قضائیه وقت جناب آقای یزدی در پایان کار ریاست جمهوری اینجانب، در عمل به اصل 142 قانون اساسی رسماً اعلام پاکی و منزّه بودن خانواده رئیس جمهور و حتی کم شدن دارایی ها در دوران مسئولیت را نمودند، ولی تکرار اتهام تکرار جواب را می طلبد.

مع الاسف، این دو پیشنهاد خیرخواهانه عملاً پذیرفته نشده و رهبر معظم هم صلاح را در سکوت شان دیدند و بی شک جامعه و بخصوص نسل جوان نیازمند اطلاع از حقیقت است. حقیقتی که با اعتبار نظام و همدلی ملت ارتباط جدی دارد و اگر محدود به حق چند نفر بود؛ اقدام به نوشتن چنین نامه ای نمی کردم.

معتقدم جناب عالی بخوبی می دانید که اینجانب و بسیاری از بزرگان تأثیرگذار انقلاب و حتی خود جناب عالی از دوران مبارزه و سالهای اول انقلاب و در تعدادی از مقاطع مورد تهاجم افراد لایبالی و ضدانقلاب بوده ایم و همیشه صبورانه تهمت ها و اهانت ها را پشت سر گذاشته ایم و در دور جدید تهمت ها و هجمه ها هم از حدود پنج سال پیش تاکنون

ص: 142

دندان روی جگر دارم و بنخاطر خداوند و مصالح انقلاب و کشور اندوه خویش را مکتوم می دارم و از این جهت هم مورد گلایه بسیاری از دلسوزان اسلام و انقلاب و بستگانم قرار می گیرم و مهم این است که اینبار این تهمت ها توسط رئیس جمهور و در رسانه ملی مطرح شده است. البته در موقع مناسب انحرافات و حق کشی های ناگفته انتخابات و اعمال دولت نهم در اختیار مردم و تاریخ قرار خواهد گرفت.

تاریخ گواه است که اکثریت مردم متعهد و انقلابی مان کمتر تحت تأثیر خلاف گوئیها قرار می گیرند و دلیل آن آراء افتخارآمیز مردم به اینجانب در آخرین انتخابات مجلس خبرگان رهبری است و نیز خوب می دانید که در جریان انتخابات جاری، تاکنون به خاطر مسئولیت های رسمی ام در رسانه ها مطلبی به نفع یا ضرر افراد و جریانهای درگیر در انتخابات نگفته ام و در موارد ضروری به کلیاتی مبتنی بر حضور حداکثری مردم در پای صندوقها و سلامت انتخابات اکتفا کرده ام و رسماً گفته ام برنامه شرکت در انتخابات ندارم.

چهار نامزد موجود برای آمدن به صحنه با اطلاع از نظر و سیاست اینجانب از من نظر نخواسته اند و بعد از نامزدی هم از اینجانب درخواست حمایت نکرده اند و اگر هم در جلساتی بهم رسیده باشیم، چیزی جز همان کلیات فوق الذکر را از من نشنیده اند و اگر حزب یا گروهی در مورد جهت گیری در انتخابات نظر خواسته اند، گفته ام براساس آیین نامه خود عمل کنند و حقیقتاً آنها با تصمیم خودشان و

همکارانشان در صحنه اند و عمل می کنند و انصافاً تهمت دست نشانده بودن آنان ستم و بی حرمتی غیرقابل توجیه است.

بجاست که به این حقیقت هم توجه شود که احتمالاً عوامل دولت از نظر اینجانب مطلعند که من ادامه وضع موجود را به صلاح نظام و کشور نمی دانم و خود جناب عالی هم از این نظر من مطلعید و دلایل آن را هم می دانید. ولی این نظر را رسانه ای نکرده ام و خود عوامل دولت در این مورد بزرگ نمایی کرده اند که هدف بزرگ نمایی در آن مناظره روشن شد.

با اینهمه بر فرض اینکه اینجانب صبورانه به مشی گذشته ادامه دهم، بی شک بخشی از مردم و احزاب و جریانها این وضع را بیش از این بر نمی تابند و آتش فشانهایی که از درون سینه های سوزان تغذیه می شوند، در جامعه شکل خواهد گرفت که نمونه های آن را در اجتماعات انتخاباتی در میدانها، خیابانها و دانشگاهها مشاهده می کنیم.

اگر نظام نخواهد یا نتواند با پدیده های زشت و گناه آلودی مثل تهمت ها؛ دروغ ها و خلاف گویی های مطرح شده در آن مناظره برخورد کند و اگر مسئولان اجرای قانون نخواهند و یا نتوانند به تخلف های صریح خلاف قانون در اعلان افراد به عنوان فاسد که فقط بعد از اثبات تخلف در دادگاه قابل اعلان است، رسیدگی کنند و اگر فردی در موقعیت ریاست جمهوری بدون مراعات شأن منصب مقدسش خود را مجاز به ارتکاب چنین گناهان کبیره و اخلاق شکن

علیرغم سوگند به مراعات شرع و قانون بداند، چگونه می توانیم خود را از پیروان نظام مقدس اسلامی بدانیم؟

رهبری معظم انقلاب؛

اکنون که امام راحل (ره) آن پیر فرزانه و حلال مشکلات و ملجاء همه و یار صبور و دیرینه هر دوی ما آیت الله شهید مظلوم دکتر بهشتی و بسیاری از همسنگران قدیم که یا به فیض عظمای شهادت رسیدند و یا به دیار باقی شتافتند؛ در بین ما حضور ندارند، شما مانده اید و من و معدودی از یاران و همفکران قدیم. از جناب عالی با توجه به مقام و مسئولیت و شخصیت تان انتظار است برای حل این مشکل و برای رفع فتنه های خطرناک و خاموش کردن آتشی که هم اکنون دودش در فضا قابل مشاهده است، هرگونه که صلاح می دانید اقدام مؤثری بنمایید و مانع شعله ورت شدن این آتش در جریان انتخابات و پس از آن شوید.

لذا در فرصت باقی مانده ضروری به نظر می رسد خواسته حق حضرت عالی و مردم در خصوص انجام انتخاباتی سالم و پرابهت و حداکثری تحقق یابد. کاری که می تواند عامل نجات کشور از خطر و باعث تحکیم وحدت ملی و اعتماد عمومی باشد و فتنه گران نتوانند با حدس و گمان نصّ پیامتان در مشهد و در مرقد امام راحل را با هوس خود تحریف کنند و با نادیده گرفتن قانون، بنزین بر آتش افروخته بریزند.

سر چشمه شاید گرفتن به بیل چو پر شد شاید گرفتن به بیل

دوست، همراه، و هم سنگر دیروز، امروز و فردایتان

اکبر هاشمی رفسنجانی

ص: 145

- مربوط به صفحات پیشین کتاب -

ص: 147

نشریه سالانه

مکتب تشیع

اثر: جمعی از دانشمندان

حق چاپ محفوظ

اردیبهشت ۱۳۳۸

شوال ۱۳۷۸

این کتاب در ده هزار نسخه در چاپخانه «دارالعلم قم» (نصف اول) و در چاپخانه «علمیه قم» (نصف دوم) چاپ شد

روی جلد نخستین سالنامه «مکتب تشیع»

- قم اردیبهشت ۱۳۳۸ -

ص: ۱۵۰

«شعبان»

سالانه ۲

مکتب تشیع

استاد علامه :

محمد حسین طباطبائی

این کتاب چهار زبان فارسی، عربی، فرانسه و انگلیسی منتشر میشود

ذی قعدة ۱۳۷۹

قیمت ۷۰ ریال

اردیبهشت ۱۳۳۹

روی جلد سال دوم سالنامه مکتب تشیع

- مذاکرات علامه طباطبائی با پرفسور هانری کربن -

(اردیبهشت 1339)

سه ماهه - ۴

مکتب تشیع

نظرها

مخصوص انتشارات مکتب تشیع

بقلم: جمعی از دانشمندان
این مجله هر سه ماه یکمرتبه در آغاز هر فصل منتشر میشود
شماره ۴ - سال اول

محرم ۱۳۸۰ - تیرماه ۱۳۳۹
اشتراک سالانه (۴ شماره): یکصد ریال
تکفروشی: ۳۰ ریال
محل دفتر: خیابان ارم -
آدرس پستی: صندوق شماره ۳ - قم

چاپخانه: دارالعلم - قم

روی جلد شماره چهار فصلنامه مکتب تشیع

- تیرماه ۱۳۳۹ -

شماره اول
سال دوم
پنجشنبه ۱۷ آریه
العراب ۱۲۸۴
م ۱۱ قدر ماه
۱۳۱۲

بجلی

شیر و اخلاقیان خورشید علی - ۱۳۱۲

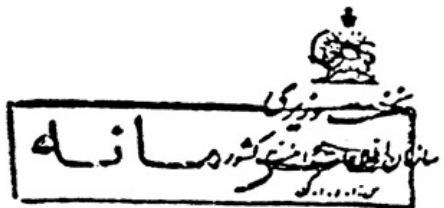
الذین یسألوننا
تهدیبهم یسألوننا
عنا
(ده سال)

سالم و بصیرت و پیچیدگی و پیچیدگی

با این شماره است که در دوین سال انتشار خود
میکارید ما در سال گذشته هنگامی شروع کردیم که مردم
بزرگوار این طایفه در بیدار شدن و حرکت کردن
کوشش و ما در سال نهم از میان رهبر و الیتر در شهر
"جوشان" ترکیب می‌شود ما در آن روز طعم جوانی و شکلات
مراون با امان بهنده. این مبارز و امان به نواز است
شعر علی خود با انگار بخدای جهان آمین دست بکار
استر این نشر می‌دهم - به بحث خود به جبهه روانه
به یوانگیت شدن محمد (ع) پیغمبری رفیقه که دور
شد با ما کتار بکار از باز کوشش با این آید با عزیز
تذکره شما را در هم بگوید با طاعت و مسائل
بیگه زمین را از خون سفید سنگران کردن که گردن
کشتن تجاوز بیال و تاجرو جنایات یک نیت مردم پس
چهار رنگین کند رفیقه ما بودند به رابستند و کتار
انگشا را از نشر و حدود به پیش خلاص کردن -
به هد و سلام و لا و انسانی خود پریش برساند آری به
بخت بود با اولین تاخیر نشر خود را در آن نشر
کود و همین تا سبب شایان "بخت" گذاردیم و این
علاوه را با بل تک گرفتیم الهام از بسته و استقامت و
مبارکت می گذریم تا پذیرش اکتفا را شروع
کردیم تا با هم زاده اندام و اسباب زاید الحقی که از
طرف تله بیگت است از این نشره ملا حاکم کردیم

را به از این برای منی نصیحت امید و راست
ولزم آنرا برای روشن کردن انگار بسیار از همین
بود و همین بیشتر احساس کردیم ما در آن نشر
عد بودیم که در حاکم ایران بنیاد بخت بیما
به روشن کردن و در آنک زمانه و سانسین این جهان
بیرا برندان انسان بود و همین ما و همس
کم کاین سلطان ساها که در واقع من سر سخت
الطوالت مطاقت به سبب الهیه غریب
شکی و الهیه سرور با حکمت و امانت
نکن سرور از سبب جمع می‌تواند در آن نشر
احسان از این شماره؟ با وجود اشتر بیخنده؟

- ۱ سالگرد بخت و پیچیدگی...
- ۲ کلمه ای بیدار
- ۳ صفحه ای در بخت پرده
- ۴ پست طهران
- ۵ دو مین سال
- ۶ نگرانی و بیداری و روش
- ۷ استقلال ایران
- ۸ زنده باد کتو
- ۹ روزه انبیا سیاست - اخبار



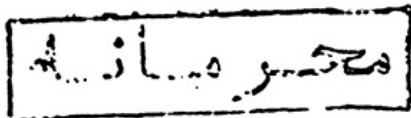
از ساواک قم
شماره ۲۹۸۳
تاریخ ۶۲/۱۱/۲۰
پیوست یک فقره ششم با ۱۲ برگ
به ریاست ساواک تهران

در باره : اهزام سید هادی خسروشاهی، فرزند سید مرتضی،

به سرو تلگراف شماره ۶۴۹ - ۴۳/۱۲/۹

نامبرده فوق که یکی از محرکین تظاهرات روز ۴۳/۱۲/۸ (که معاد ف باوفات امام جعفر صادق و روز زد و خورد در مدرسه فیضیه قم) میباشد همراه با ۱۲ برگ پرونده اهزام گردید. بطوریکه استنباط از اطلاعاتی های موجود در پرونده مشارالیه میگرد وی بطور کلی در تحریکات روحانیون از ابتدای فعالیت بوده و بطوریکه گفته میشود نامبرده از نویسندگان نشریه بعثت و انتقام میباشد.

رئیس سازمان اطلاعات و امنیت قم



گزارشی از ساواک در مورد نویسندگان بعثت!



استاد سید هادی خسروشاهی در کنار آیت الله هاشمی رفسنجانی



در دیداری با آیت الله هاشمی رفسنجانی - دفتر مجمع تشخیص مصحلت نظام -



گفتگویی با آیت الله هاشمی رفسنجانی

- وسط دکتر فرهادی رئیس دانشگاه تهران -

ص: 157



دیداری دیگر در همایشی در دانشگاه تهران

- وسط: دکتر معین رئیس دانشگاه -



سید هادی خسروشاهی، دکتر فرهادی، آیت الله هاشمی رفسنجانی، آیت الله واعظ زاده خراسانی، حجت الاسلام والمسلمین ابوذر بیدار



در همایش مجمع تقریب مذاهب اسلامی

شیخ اسحق مدنی، سید هادی خسروشاهی، آیت الله هاشمی رفسنجانی، آیت الله محمد علی تسخیری، آیت الله واعظ زاده، خراسانی، حجت الاسلام والمسلمین میرآقائی



... و دیداری دوستانه

ص: 161



... و دیداری در مجمع تشخیص مصلحت نظام

فهارس

اشاره

اعلام، كتب، اماكن

ص: 163

ابراهیم امینی (آیت الله) 33

ابن تیمیه 114

ابن عبدربه 113

ابو محمد ابن حزم اندلسی 113

ابوالفضل تولیت 40

ابوالفضل موسوی زنجانی (آیت الله) 18

ابوالمکارم ربانی املشی 38, 40

احمد احمدی 30

احمد آذری قمی (آیت الله) 18, 33

احمد آرام 18

احمد امین مصری 114

احمد جنتی (آیت الله) ... 69

احمد خمینی 77

احمد میانجی (آیت الله). 18, 19

اکرم زعیتر 21, 22, 23, 25, 27, 28, 29, 101, 117, 119, 125

امام خمینی (ره) 30, 42, 49, 57, 64, 65, 76, 88, 92, 97, 99, 101, 106, 129, 131, 140, 141

امام علی (ع) 82

برتراند راسل 75

پرویز ثابتی 68

جعفر سبحانی تبریزی (آیت الله) 64

جعفر شجونبی 68

جمال الدین اسدآبادی 112

جہانتاب نبی پور..... 104,65

حسن ابطحی..... 72

حسن البناء..... 23

حسنعلی منصور.... 67,65,36

حسین بروجردی(آیت اللہ)... 41

حسین موسوی..... 139

حسین نبی پور.... 35

حسین نوری ہمدانی(آیت اللہ) 64

حسین علی راشد..... 18

ص: 165

حسینعلی منتظری (آیت الله) 33, 42

خلیل کمره ای (آیت الله) 18

داریوش فروهر... 65

رضا صدر (آیت الله) 18

رضا صنعتی 128, 136

رضا گل سرخی کاشانی 36, 65, 67, 104, 106

صادق خلخالی ... 65, 67, 104

صادق زیباکلام... 73, 94

صدام 106

عبدالرحیم ربانی شیرازی (آیت الله) 33, 65, 104

عبدالکریم موسوی اردبیلی 43

عبدالله جوادی آملی (آیت الله) 64

عزالدین زنجانی (آیت الله) 18

عزالدین القسام... 23

عطاءالله شهاب پور..... 18

عفت مرعشی..... 37, 44

علامه مجلسی... 46

علی اکبر ناطق نوری..... 141

علی اکبر هاشمی رفسنجانی (آیت الله) 15, 16, 17, 18, 19, 21, 22, 23, 24, 25, 27, 29, 30, 31, 32, 34, 35, 36, 37, 38, 40, 41, 42, 43, 44, 45, 46, 47, 49, 51, 54, 56, 58, 59, 63, 64, 65, 67, 68, 70, 71, 72, 73, 77, 79, 81, 82, 84, 87, 88, 89, 91, 92, 93, 94, 95, 97, 98, 99, 100, 101, 102, 103, 104, 106, 107, 109, 111, 115, 119, 121, 124, 128, 129, 131, 132, 134, 135, 136, 145, 139

علی ایرانمنش... 17

علی حجتی کرمانی 33, 65, 102

علی خامنه ای (آیت الله) 33, 50, 51, 54, 59, 64, 98, 128, 130, 131, 135, 137, 139

علی قدوسی (آیت الله). 33, 103

علی مشکینی (آیت الله). 33

علی هاشمی 39

غلامرضا سعیدی 18

فیدل کاسترو 15

محقق داماد (آیت الله) ... 42

محمد بهشتی (آیت الله) 18, 43, 48, 88, 103, 104, 141, 145

محمد ثابت 114

ص: 166

محمد خامنه ای (آیت الله) 98,33

محمد هاشمیان... 38

محمد تقی جعفری (آیت الله) 18

محمد تقی فلسفی..... 18

محمد تقی مصباح یزدی (آیت الله) 102,80,65,33

محمد جواد باهنر 100,98,64,32,20,17

محمد جواد حجتی کرمانی 98,71,69,65,63,17

محمد حسین طباطبایی (آیت الله) 115,111,64,42,19,18

محمد حسین کاشف الغطاء 26,25

محمد رضا سعیدی... 102

محمد رضا صالحی کرمانی 100,64

محمد رضا مهدوی کنی (آیت الله) 64

محمد علی رجائی..... 77

محمد علی مهدوی راد..... 45

محمد کاظم شریعتمداری (آیت الله) 98,42,31,30

محمد مهدی ربانی..... 40

محمود احمدی نژاد 141,139

محمود دعائی 102,65,33,32

محمود طالقانی (آیت الله)..... 18

محمود لولاچیان..... 71

محمود هاشمی شاهرودی (آیت الله) 42

مرتضی تجریشی..... 66

مرتضی خسروشاهی (آیت الله) 39

مرتضی مطهری (آیت الله).... 18

مهدی بازرگان... 18

مهدی حائری یزدی (آیت الله) 18, 33

مهدی خراسانی..... 76

مهدی ممکن..... 77

موسی جار الله..... 114

موسی صدر (آیت الله). 18, 115

نادرشاه افشار... 112

ناصر مکارم شیرازی (آیت الله) 18, 64

ناصر میناچی مقدم..... 77

نواب صفوی..... 99

(سید) هادی خسروشاهی 25, 32, 33, 34, 35, 37, 38, 39, 40, 74, 80, 94, 96, 107

هانری کربن..... 19, 111, 115

یحیی انصاری (آیت الله)..... 104

ص: 167

فهرست کتب

- آزاداندیشی اسلامی... 47
- اصل الشیعه و اصولها... 25
- البرهان..... 45
- الجوله..... 114
- الفصل فی الملل و النحل.. 114
- الکشاف..... 45
- المعجم المفهرس للمعانی القرآن کریم 46
- الوشیعه فی نقد عقائد الشیعه 114
- امیرکبیر..... 101, 47, 15
- انقلاب و پیروزی..... 47
- انقلاب و دفاع مقدس..... 47
- بحار الانوار..... 46
- تفسیر راهنما 16, 42, 44, 45, 46, 47
- تفسیر المیزان..... 45, 42
- تهذیب المنطق... 41
- جمعه ها و خطبه ها..... 47
- جهان در عصر بعثت... 47
- حدیث روزگار..... 64
- خاطرات مستند..... 64
- خاطرات یومیه... 47
- خاطراتی درباره آیت الله هاشمی 128
- در دامگه حادثه..... 67

درباره نشریات مخفی حوزه علمیه قم 32

دوران اکرم زعیتر..... 28

روح البیان... 45

زن و عدالت اجتماعی..... 47

سرگذشت فلسطین 15, 22, 28, 47, 119, 124, 125

صحیفه امام..... 57, 129

عقد الفرید..... 113

فجر الاسلام..... 114

ص: 168

فرهنگ قرآن 16, 42, 44, 45, 46

فی ظلال القرآن..... 45

قرآن 15, 41, 42, 44, 46, 47, 53, 60, 83, 89, 105, 133

کشف الاسرار.... 45

مجمع البيان..... 45

مسیر مطالعه در قرآن..... 47

مفاتیح الغیب..... 45

مکتب تشیع..... 121

من اجل امتی..... 28

منهاج السنه..... 114

نشریات مخفی حوزه علمیه قم 103

نور الثقلین... 45

هاشمی بدون رتوش.... 95, 74

هاشمی در سال 88, 128, 129, 136

همبستگی امت اسلامی..... 47

وثائق القضية الفلسطينية..... 28

یومیات الثورة الكبرى و الاحزاب العظیم 28

ص: 169

فهرست اماکن

- اردن 120,117,28,25,23,22
- اسرائیل..... 124,121,83,29
- اطریش..... 74
- الجزائر..... 78,77
- آلمان..... 74
- آمریکا..... 83,69
- آنکارا..... 74
- انگلستان..... 76,75,74,27
- ایران 140,129,120,119,112,107,91,77,76,75,70,69,65,56,48,33,28,24,23,19,18,16
- بلغارستان... 74
- بیروت..... 29
- پاریس..... 115
- تبریز..... 39
- ترکیه..... 74,28
- تهران 104,100,95,93,92,80,74,71,66,65,53,38,37,35,22,21,18
- رفسنجان..... 54,39
- عربستان سعودی..... 106
- عمان..... 117,29,25
- فرانسه..... 115,77,74
- فلسطین 125,124,121,120,119,117,101,28,27
- قم 104,100,99,98,94,93,90,73,72,71,66,65,58,42,38,36,33,30,29,25,23,21,20,18
- کرج..... 95,38,37

کوبا... 15

لبنان..... 115

لندن.... 76,75

مشهد..... 145,140

مصر..... 113

نابلس..... 27,23

نجف..... 102,26

واتیکان..... 78,77

یوگسلاوی..... 74

ص: 171



سید هادی خسروشاهی

خاطرات و اسناد مربوط به رهبری تروریسم در اروپا - توسط استاد خسروشاهی

ص: 172

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر/9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

